

سفال و سفالگری در تبرستان ۱



میشم براری

عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان

سفال ساری (قرون ۳ تا ۵ هجری قمری)



04BF000000020040

کتابخانه دانشکده معماری و هنر

Pottery & Ceramic In Tabaristan **1**



Sari Pottery

(9th -11th A.D)

Meysam Barari



انتشارات مازندران



انتشارات گلستانه



9786005083361

اسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: براری، میثم، ۱۳۶۳
عنوان و نام پدیدآور: سفال سازی (قرون ۳ تا ۵ ه.ق.) / میثم براری.
مشخصات نشر: اصفهان: گلدسته: جهاد دانشگاهی، واحد مازندران، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص: مصور (بخشی رنگی)، جدول (بخشی رنگی).
شابک: ۱-۳۶-۵۰۸۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: بالای عنوان: سفال و سفالگری در تبرستان
یادداشت: کتابنامه
عنوان دیگر: سفال و سفالگری در تبرستان
موضوع: سفال گری -- ایران -- مازندران
موضوع: سفال ایرانی -- ایران -- مازندران
شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی واحد مازندران
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ب ۴ / م ۲ / NK ۴۱۴۸
رده بندی دیویی: ۷۳۸/۰۹۵۵۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۱۶۴۶۱

کتابخانه دانشکده معماری و هنر دانشگاه گانشان
بخش امانی
شماره ثبت: ۲۰۰۴
تاریخ ورود به کتابخانه:

۷۳۸
/۰۹۵۵۲۲
س ۳۹۴ ب
۵۰۲

سفال و سفالگری در تبرستان ۱



سفال سفالگری

قرون ۳ تا ۵ هجری قمری

میثم براری

(عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان)

۷۹۷۰
۱۴۱۲



انتشارات مازندران



انتشارات گلدسته

سفال ساری: قرون ۳ تا ۵ هـ ق از مجموعه سفال و سفالگری در تبرستان

نویسنده: میثم براری

ناشر: انتشارات گلدسته و انتشارات جهاد دانشگاهی مازندران

نوبت چاپ: اول (۱۳۹۴) شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مدیریت فنی و هنری: انتشارات گلدسته

طراح گرافیک: امیر پیروی

محل چاپ: اصفهان. لیتوگرافی زمان. چاپ شیخ بهایی. صحافی برتر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۸۳-۳۶-۱

مرکز پخش: اصفهان، انتشارات گلدسته - ساری: جهاد دانشگاهی مازندران

www.goldastepub.com

www.goldastepub.ir

info@goldastepub.com

همه حقوق مادی و معنوی این اثر برابر قانون محفوظ است



سپاس خدا را که اول است پیش از همه اول ها و آخر است پس از همه آخرها، قادر بر همه کار به ذات، و خالق خلق بی نمونه و الگو، فرد واحد بی عدد، باقی از پس همگان، بی نهایت و مدت، کبریا و عظمت و جلوه و عزت و سلطان و قدرت خاص اوست، قدرت و وحدانیت وی بی شریک است و تدبیر او بی دستیار و پشتیبان. یگانه ی بی فرزند و یار و همتاست، در وهم ننگجد و در جا مقام نگیرد و به دیده نیابد. لطیف است و خبیر. نعمت های وی را سپاس می دارم و داده های او را شکر می گزارم، که ستایش خاص اوست و از شکر وی امید فزونی دارم و به گفته و کردار، تقرب و رضای او را می جویم. توحید و ایمان و تقدیس خاص اوست. شهادت می دهم که خدای یگانه بی شریک است و محمد بنده شایسته و فرستاده ی امین اوست که رسالت خویش خاص وی کرد و او را به وحی برانگیخت که خلق را به پرستش خدا دعوت کند که او نیز فرمان برد و بکوشید و نصیحت گرامت خویش شد و خدا را پرستید تا به یقین خدای رسید. در بلغ کوتاهی نکرد و در کوشش سستی نیاورد و بهترین و پاک ترین صلوات و سلام خدای بر او باد.

(تاریخ طبری، محمد جریر طبری، ابوالقاسم پاینده، ج اول، ص ۳)

سپاس بی پایان از
لطف و مهربانی آفریدگارم
درستی پدر راست کردارم
دعای خیر مادر بزرگووارم
خواهر خوش قلب و فداکارم

9

تقدیم به

همسرم

بهترین همسفر راه روزگارم

دخترم حسنا

زیباترین هدیه پروردگارم

فهرست

مقدمه / ۱۱

پیش درآمد / ۱۳

فصل اول : تبرستان

۱-۱ وجه تسمیه تبرستان /

۱-۱-۱ به معنای تبر / ۱۸

۱-۱-۲ به معنای کوه / ۱۹

۱-۱-۳ جایگاه تیورها / ۲۰

۱-۱-۴ آیین دیوپرستی / ۲۱

۲-۱ نگاهی به تاریخ تبرستان / ۲۱

۱-۲-۱ قرون اول تا سوم هـ.ق / ۲۱

۲-۲-۱ تبرستان در قرون ۴ و ۵ هـ.ق / ۲۲

۲-۲-۳ حدود تبرستان در قرون ۴ و ۵ هـ.ق / ۲۳

فصل دوم : مروری بر سفال ایران در قرون ۴ و ۵ هـ.ق ۲۵

۱-۲ لعاب گلی و نقوش رنگارنگ روی زمینه سفید / ۲۷

۲-۲ لعاب پاشیده / ۲۹

۳-۲ نقش کنده‌ی زیر لعاب / ۳۰

۱-۳-۲ نقش کنده‌ی هندسی زیر لعاب / ۳۲

۲-۳-۲ نقش کنده‌ی گیاهی زیر لعاب / ۳۲

۳-۳-۲ سفال نقش کنده با نقش حیوان / ۳۳

۴-۲ سفال لعاب یک رنگ / ۳۳

۵-۲ سفالینه‌های قرمز / ۳۵

فصل سوم : سفال تبرستان در قرون ۱ تا ۵ هـ.ق / ۳۷

۱-۳ سه قرن اول هـ.ق / ۳۸

۲-۳ قرون ۴ و ۵ هـ.ق / ۳۹

- ۳-۲-۱ سفالینه های بدون لعاب ساده / ۳۹
 ۳-۲-۲ ظروف با نقش کنده / ۳۹
 ۳-۲-۳ نقش افزوده / ۳۹
 ۳-۲-۴ لعاب یک رنگ / ۴۱
 ۳-۲-۵ ظروف با لعاب پاشیده / ۴۱
 ۳-۲-۶ لعاب رنگارنگ / ۴۳

فصل چهارم : سفال ساری / ۴۵

- ۴-۱ بیان ویژگی های سفال ساری / ۴۶
 ۴-۲ فرم و شکل / ۴۷
 ۴-۳ طرح و نقش / ۴۹
 ۴-۳-۱ پرندگان / ۴۹
 ۴-۳-۱-۱ هدهد (شانه به سر، پوپک، مرغ سلیمان) / ۵۰
 ۴-۳-۱-۲ طاووس / ۵۰
 ۴-۳-۱-۳ کبوتر یا کفتر / ۵۰
 ۴-۳-۱-۴ خروس / ۵۰
 ۴-۳-۲ چهارپایان / ۵۱
 ۴-۳-۲-۱ گاو / ۵۱
 ۴-۳-۲-۲ اسب / ۵۲
 ۴-۳-۲-۳ بزکوهی / ۵۳
 ۴-۳-۲-۴ شیر / ۵۴
 ۴-۳-۳ نقوش تجریدی / ۵۴
 ۴-۳-۴ حیوانات افسانه ای و اساطیری (تلفیقی) / ۵۵
 ۴-۳-۵ نقوش برگرفته از طبیعت / ۵۶
 ۴-۳-۶ نقش ماهی / ۵۶
 ۴-۴ رنگ / ۵۶
 ۴-۴-۱ رنگ انگوب / ۵۶
 ۴-۴-۲ رنگ زیررنگی / ۵۷
 ۴-۴-۳ رنگ لعاب پوششی / ۵۷

۴-۵ سفالینه های گبری / ۵۸

فصل پنجم: شناسنامه سفالینه های ساری / ۶۷

حرف آخر / ۱۳۱

منابع / ۱۳۳

پیوست / ۱۳۹

الف) اعلام / ۱۳۹

ب) سلسله های تبرستان بعد از اسلام / ۱۴۶

ج) موزه ها، گالری ها و مجموعه ها برای سفال ساری / ۱۵۴

نمایه / ۱۵۶

ضمیمه انگلیسی / ۱۵۹

مقدمه

آثار سفالین، یکی از مهمترین گروه‌های آثار هنری در ایران هستند که بررسی آنها در دوره‌های تاریخی پیش از اسلام و بعد از اسلام می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌هایی جدی و درخور باشد. این آثار از تنوع ویژه‌ای برخوردارند و از این حیث دامنه گسترده‌ای از موضوعات را پیش روی پژوهشگران گشوده‌اند؛ متغیرهایی چون فرم آثار، نوع نقوش، تکنیک‌های نقش‌اندازی و تنوع لعاب‌های به‌کاررفته، هریک به خودی خود می‌تواند موضوع کتابی مجزا در حوزه بررسی آثار سفالی ایران باشد. مبحث تاثیر پذیری سفال ایران از فرهنگ‌های مجاور یا مهاجم نیز موضوعی است عمیق که به صورت خاص در نحوه اثرگذاری آثار سفالین چین بر سفالگری ایرانی جلوه می‌نماید. ناگفته پیداست که سفالگری در هر دوره تحت تاثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی زمانه خود بوده است و از این منظر یکی از مهمترین مستندات شناخت اوضاع و احوال دوره‌های مختلف هنر ایران محسوب می‌شود. حرمت استفاده از ظروف طلا و نقره از عوامل مهم گسترش کاربرد ظروف سفالی و توجه ویژه به آن بوده است به نحوی که نام شهرهایی چون کاشان، ری، جرجان، ساری، آمل و نیشابور با سفال و سفالگری پیوند خورده و از سوی دیگر ظهور و رشد انواع سفالینه‌هایی چون زرین‌فام، مینایی، سلادون، گمبرون، کوباچی،

سلطان آباد، شعاع سان و... حکایت از توجه ویژه به این گروه از آثار هنری ایرانی دارد. تلاش محققین ایرانی برای گسترده کردن مرزهای آگاهی در موضوعات مورد بحث طی سال های اخیر قابل توجه بوده اما با نهایت تاسف آنچه بیش از پیش در ذهن و زبان این پژوهشگران رنگ باخته اهتمام آنها به منظور بازشناسی سفال نواحی ایران است؛ اساساً نقشه جامعی از ویژگی های سفال نواحی مختلف ایران در دست نیست و البته این موضوع به عدم حمایت و دشواری های تحقیقات میدانی برمی گردد که پرداختن به آن از حوصله این مجال بیرون است و البته پژوهش در موضوع سفال تبرستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. بررسی سفال ساری (روستایی) به نوبه خود زیرمجموعه ای از موضوع سفال تبرستان است. جای بسی خرسندی است که پژوهشگر جوان و فرهیخته مازندرانی، جناب آقای میثم براری که کسوت هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان را نیز داراست؛ قدم در راه مستند ساختن سفال این منطقه گذاشته است و سختی های معتنا به آن را به جان خریده است. سفال ساری به عنوان اولین کتاب از مجموعه چهار جلدی سفال تبرستان است که هم اکنون به زیور طبع آراسته می شود و صد البته دقت و انضباط پژوهشی این محقق جوان به خوبی در این اثر هویداست. امید است حمایت از انتشار مجلدات باقیمانده این سلسله کتاب ها به نتیجه برسد تا دانشجویان و پژوهشگران آثار هنری ایران بیش از پیش با زوایای سفال تبرستان آشنا شوند.

دکتر مهرنوش شفیعی سرارودی
عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان



پیش درآمد

دست ساخته های اولیه ی بشر، بسیار ابتدایی و عاری از هرگونه تزئین یا پوشش لعاب بوده اند. به تدریج که ذوق، سلیقه و حس زیبایی شناسی در او قدرت گرفت و به تکنیک های پیشرفته تر سفال سازی پی برد؛ سفالینه ها به نقوش گوناگون و سپس به پوشش لعاب آراسته شد. استفاده از لعاب برای تزئین ظروف سفالین در دوران اسلامی به اوج تکامل رسید. کاوش های باستانشناسی ایران، موید آن است که تسلسل و تکامل ساخت ظروف بدون لعاب در کنار ظروف لعابدار در قرون متمادی حفظ گردیده و هنرمندان سفالگر با پیشرفت هنر سفالگری، همزمان در کنار ظروف سفالین لعابدار در ظروف بی لعاب نیز مبتکر بوده اند و این شیوه و سنت را تا به امروز حفظ کرده اند. وفور ظروف بدون لعاب نسبت به انواع دیگر سفالینه ها، به علت کاربرد این نوع سفالینه در زندگی عموم مردم بوده است.

تبرستان^۱ علیرغم داشتن پیشینه ی تاریخی غنی، متأسفانه در میان پژوهشگران بومی و غیر بومی کمتر مورد توجه و پژوهش قرار گرفته است؛ لذا همت دانشجویان، پژوهشگران، محققان و صاحب نظران و حمایت های بی دریغ کارشناسان میراث فرهنگی و گردشگری را می طلبد تا با حمایت های همه جانبه، ضمن زنده نگه داشتن هنر و فرهنگ اصیل تبرستان، عرصه را برای بازدید گردشگران داخلی و خارجی هرچه بیشتر باز کنند.

۱- واژه ی تبرستان در همه جای این پژوهش به جای واژه ی مازندران به کار رفته است. این ناحیه، در دوران اسلامی به صورت « طبرستان » نوشته می شد و حرف « ط » در ابتدای این کلمه قرار می گرفت.

متاسفانه این حرکت هنوز آن چنان که باید، انجام نشده است. این کتاب منبع مکتوب است که در این باب به صورت تخصصی به گردآوری این آثار از منابع کتابخانه ای، میدانی و تارنماهای موزه های داخل و خارج از کشور همت گمارده و سپس با بررسی سفالینه های تبرستان (مازندران در قرون ۳ تا ۵ ه.ق) سعی بر معرفی هرچه بیشتر جهت شناخت مخاطبان داشته است.

سفالینه های نوع (تیپ) ساری، سفالینه های روستایی یا سفالینه های مازندران؛ به سفالینه هایی اطلاق می گردد که در شهر ساری یا مناطق و روستاهای اطراف آن از سده سوم ه.ق همزمان با دوره بازرایی و شکوفایی در سفالگری ایرانی، شروع به نضج و شکل گیری نمود و تا قرن پنجم ه.ق براساس منابع مطالعاتی و حفاری های باستانشناسی در دسترس، به تولید آثار هنری متفاوت، خاص، درخور و متناسب با منطقه جغرافیایی همت گمارد. اطلاع دقیقی از اینکه این سفالینه ها به طور یقین در کدام قسمت این منطقه ساخته و عرضه می شدند به دلیل پراکندگی آثار به دست آمده از حفاری های باستان شناسی از اطراف این شهر، در دست نیست.

نگارنده که قریب به شش سال به بررسی و مطالعه سفال و سفالگری در مازندران پرداخته است، پراکندگی مراکز ساخت این نوع سفال ها را از اطراف شهر ساری به سمت شرق استان مازندران تا مرز استان گلستان (شهر جرجان) می داند. لازم به ذکر است که قرار گرفتن شهر تاریخی ساری بین دو قطب هنری در سده های اول تا ششم ه.ق در ایران یعنی جرجان و آمل (پایتخت تبرستان در این دوران)، و طراحی و تولید آثار فی مابین این دو مرکز مهم؛ انتساب این آثار را به این شهر، تشدید می نماید.

با گسترش شکوفایی هنر و ادب ایرانی از سده سوم ه.ق، سفالگری نیز هم پای سایر هنرها مراحل ترقی را پیمود. با تبادل تجاری و فرهنگی این آثار با سایر قطب های هنری اسلامی در این دوران از قبیل نیشابور، آمل، جرجان و... تاثیر هریک بر یکدیگر نمایان می باشد. فصل اول این کتاب، به وجه تسمیه تبرستان و سیر تحول این سرزمین در گذرگاه تاریخ و فراز و نشیب آن در قرون اولیه و میانه اسلامی اختصاص دارد. و با این هدف تدوین شده که خواننده را با تاریخ هنری این ولایت آشنا نموده تا در ادامه بتواند راحت تر با موضوعات مربوط و تخصصی این سفالینه ها ارتباط برقرار نماید.

فصل دوم کتاب، به وضعیت سفال و سفالگری در ایران قرون ۴ و ۵ ه.ق پرداخته و از

۲- شهر تاریخی ساری از شهرهای مهم تبرستان از دوران پیش از اسلام تا به امروز که مرکز این استان می باشد، محسوب می گردد. از این شهر همچنین بعنوان پایتخت اساطیری ایران نیز یاد می گردد.



تکنیک ها و طرح های رایج آن زمان، تنها به بررسی سفالینه هایی پرداخته که از جهات فنی و تکنیک ساخت به سفالینه های تبرستان نزدیک بوده اند و یا از جهت هارمونی رنگ ها و نقوش قرابت هایی با سفال تبرستان داشته اند.

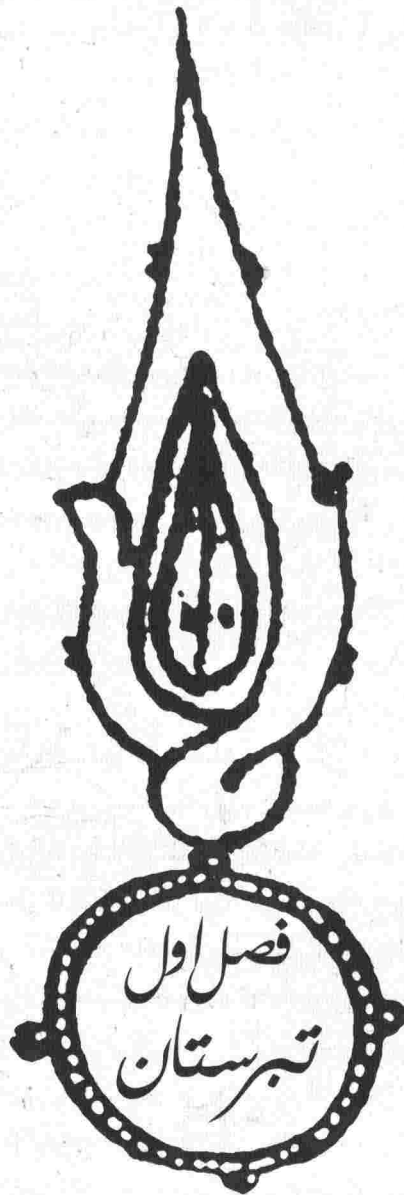
فصل سوم به بررسی سفال و سفالگری در تبرستان، از قرون اولیه اسلامی تا قرن پنجم ه.ق به همراه بررسی تکنیک های رایج در تبرستان به خصوص در دو مرکز مهم سفالگری آمل و ساری پرداخته و در ادامه، شیوهی طراحی نقوش، مواد مصرفی کاربردی و چگونگی اجرا و پیاده نمودن طرح ها بر روی سفالینه ها از نظر می گذرد.

فصل چهارم، با نگاهی کارشناسانه به بررسی و آنالیز فنی و ظاهری سفال روستایی (ساری) می پردازد. این فصل در حقیقت به بررسی شصت و سه اثر از سفالینه های منسوب به مازندران (نوع ساری) که از آرشیوهای موزه های ایران و جهان براساس منابع مکتوب (کتابخانه ای) و همچنین مطالعات میدانی به روش مشاهده و همچنین منابع اینترنتی (الکترونیکی) گردآوری شده است.

این کتاب در حد وسیع و مجال، گوشه ای از هنر و تاریخ این سرزمین را برشمرده تا آیندگان ادامه دهنده ی این حرکت باشند که خود نیز پیرو حرکت های پژوهشگران و صاحب نظران دلسوز این سرزمین می باشد.

میشم براری

۱۸ فروردین ۱۳۹۳



۱-۱ وجه تسمیه تبرستان

از مجموع مطالعات رسالات و کتاب های تاریخی و با توجه به اسناد مربوط و به دست آمده، در مورد علل نامگذاری و وجه تسمیه تبرستان، می توان به نتایج ذیل رسید و آنها را به چهار دسته ی کلی تقسیم بندی و مورد بررسی قرار داد:

- ۱-۱-۱ تبرستان به معنای تبر به دستان
- ۱-۱-۲ تبرستان به معنای جایگاه کوه ها
- ۱-۱-۳ تبرستان به معنای جایگاه قوم تپور
- ۱-۱-۴ تبرستان به معنای آیین دیوپرستی

۱-۱-۱ تبرستان به معنای تبر به دستان

اولین تعبیر به واژه ی «طبر» به معنای «تبر» اشاره دارد که بر این اساس واژه ی تبرستان را به مفهوم تبر به دستان، تبر به دوشان و تبر زنان مرتبط می نماید. «ابن فقیه» در کتاب «مختصرالبلدان»، که «یاقوت حموی» نیز آن را تایید و در «معجم البلدان» خویش به آن استناد کرده است، چنین آورده که «تبرستان بفتح اول و ثانی و کسر ثالث، مرکب از دو کلمه است: طبر که به معنی تبر است و استان که به معنی موضع یا ناحیه است، و طبری منسوب بدان است. وی مردمان کوهستان نشین این سرزمین را پیوسته در نبرد با یکدیگر معرفی کرده که حامل و مجهز به سلاح تبر می باشند. در ادامه به این نکته اشاره می نماید که کم اتفاق می افتد که گروهی از عوام و حتی خواص این منطقه از بچه گرفته تا خردسال، همراه آنان تبر نباشد. انگار به واسطه ی همین تبر که قرین مردم آنجاست، این



ناحیه را تبرستان نام نهاده اند، چه تبرستان را صرف نظر از تعریب، جز جایگاه تیرها - موضع الاطبار - معنی دیگری نخواهد بود". (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۴ و ۱۴۷)

هم چنین «ابن قتیبه» در «ادب الکاتب» نیز به وجه تسمیه ای مشابه اشاره دارد که معنای تبرستان، یعنی گیرنده ی تبر. به این دلیل که وجود تبر در مازندران برای قطع خارها و از بیخ برکندن درختان از رهگذر مردم، و برطرف ساختن این قبیل موانع از ضروریات زندگانی بشمار می رود. (ابن قتیبه، ۱۳۴۰: ۱۲۳)

در «تقویم البلدان» از «ابوالفداء قزوینی» جغرافیدان قرن هفتم ه.ق نیز تعبیری مشابه مشاهده می شود که از لغت سازی عامه پیروی کرده و اشاره می نماید که مردم سرزمین تبرستان به دلیل وجود جنگل های انبوه، از تبر به عنوان وسیله ای برای هیزم شکنی و قطع درختان استفاده می کردند. به همین علت ناحیه ی مزبور، تبرستان نامیده شده است. (ابوالفدای قزوینی، ۱۳۴۹: ۴۹۸)

تعبیر "محمدبن جریر طبری" در کتاب "احوال و آثار" نیز مرتبط با مضمون مورد بررسی است و اشاره می نماید که: "چون تبرستان گشوده شده و آبادی آن آغاز گردید زمینی بود پر از درخت و جنگل و از این رو فاتحان ابزاری طلب کردند که بدان درختان را قطع کنند، مردمان آن جا برای این کار طبر «تبر» آورده اند که با آن درختان را می بریدند. از این رو این سرزمین به نام تبرستان «تبر به دستان» خوانده شد. (طبری، ۱۳۵۴: ۳۴۵)

«صنیع الدوله» نیز در کتاب «التدوین فی جبال شروین» به نقل از «یاقوت حموی» و مورخین دیگر اسلامی، این فرضیه را بیان می دارد که اول برای بریدن درختان به سبب ساختن خانه و پناهگاه به خاطر پوشش جنگلی و دوم به دلیل افزایش اختلافات و مشاجرات ملکی، عموماً مرد و زن آنجا همیشه به سلاح تبر مسلح بوده و هیچ وقت بدون این سلاح بیرون نمی آیند. به این دلیل آنجا به نام تبرستان مشهور شده است. (صنیع الدوله، ۱۳۱۱: ۵۶)

۲-۱-۱ تبرستان به معنای جایگاه کوهها

دومین تعبیری که وجود دارد طبر به معنای کوه است که نظریه پردازانی چون ابن اسفندیار، مرعشی و یحیی ذکاء به آن اشاراتی نموده اند که به عنوان نمونه می توان موارد ذیل را ذکر نمود:

«محمدبن حسن بن اسفندیار» صاحب کتاب «تاریخ تبرستان» که در سال ۶۰۶ ه.ق. می زیسته، نوشته که «تبره و تبرک در لغت پهلوی مازندری و فارسی، به معنی

پشته و تل و کوه است، تبرستان به معنای کوهستان است و هیچ ارتباطی با واژه ی تبر ندارد. چنانکه زمانی یکی از خلفا، شخصی را به سرکشی ولایت تبرستان فرستاد، وی بعد از دیدن کالاهای بسیار و وفور نعمت آن سرزمین به سوی خلیفه بازگشت و چنین بیان نمود که: تبرستان را به دلیل ارتفاعات و قلل فراوان، طبرستان باید خواند.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۵۶)

«یحیی ذکاء» نیز همین وجه تسمیه را بیان میدارد «که طبر در زبان محلی به معنای کوه است. به همین دلیل تبرستان یعنی کوهستان معرفی می کند.» (ذکاء، ۱۳۵۲: ۲۳)

۳-۱-۱ تبرستان به معنای جایگاه قوم تپور

طبق نظریه ی سوم، تبرستان به معنای جایگاه تپورهاست که در «لغتنامه دهخدا» چنین آمده است که «تبرستان (ط ب ر) از: طبر+ ستان، (مزید موخر مکان) در لغت به معنی مکان طبر (تپور) ها تشکیل شده است و تپور نام قوم قدیمی ساکن آن ناحیه بوده است.» (دهخدا، ج ۱۸: ۱۳۴۰)

«محمد معین» نیز تبرستان را از دو کلمه ی تپور (نام قوم) + ستان می داند و تپورها را قومی ساکن شمال ایران و جنوب بحر خزر در عهد ما قبل آریایی ها می داند که قسمتی از آنان نام خود را به ناحیه ی مسکونی تبرستان دادند. (معین، ج ۵: ۱۰۷۸)

«عباس شایان»، در کتاب «جغرافیای تاریخی و اقتصادی»، با اشاره به تحقیقات دانشمندان و خاورشناسان قرون اخیر، تبرستان را به دلیل اینکه در قدیم طایفه ی تپوران یا تاپوران در آن سرزمین سکنی داشته اند، تپورستان معرفی می کند و بیان می دارد که «شکل فارسی صحیح آن تاپورستان است. چنان که در سکه هایی که پادشاهان آنها در قرنهای نخستین هجری قمری زده اند و اکنون به فراوانی یافت می شود نیز نام سرزمین با خط پهلوی تاپورستان نقل شده است.» (شایان، ۱۳۳۶: ۱۱)

«رکن الدین همایون فرخ» در کتاب «سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط» همین مطلب را آورده و اضافه کرده که بعد از اینکه تپورها (تی برها) جای آماردها را گرفتند، این بخش «مازندران» به نام آنها تپورستان خوانده شد. (رکن الدین همایون فرخ، ۱۳۸۴: ۲۵۰)

«ولادیمیر واسیلی بارتولد» نیز کلمه ی تبرستان را تحریف و تعریبی از تاپورستان می خواند که نام آن حتی روی سکه های دوره ی ساسانی هم دیده می شود و در همین راستا «حسن پیرنیا» و «سعید نفیسی» نیز همین بحث را مطرح نموده و تبرستان را دیار تپوری ها و تپورستان ذکر کرده اند.



۴-۱-۱ تبرستان به معنای آیین دیوپرستی

یکی دیگر از نظریاتی که در مورد واژه ی تبرستان می توان مطرح نمود، اشاره به نظریه ای است که «رکن الدین همایون فرخ» مطرح نموده که چنین بیان می دارد:

” فرقه ای در آیین مهر بودند که فرشته ی روشنایی را تقدیس می کردند و آن در زبان باستانی دی خوانده می شد و به همین مناسبت این آیین را «دی وه یسنه» خواندند. این واژه در زبان اوستایی «دَو»^۳ و در زبان سانسکریت «دوا»^۴ و بعدها در زبان پهلوی دیو شده است. در زبان فارسی چه باستانی و چه دری حرف د به (ت) و واو به (پ) بسیار تبدیل شده است و از این جمله است که دیو (دیپ) شده و همچنین (تیپ) شده و تیپوری همان دیپوری است و مازندران و مردم آن در قرن ها پیش از زردشت به نام این آیین (دی پورستان) یا (تیپورستان) و مردم آن «تیپوری ها» نامیده و خوانده شده اند.» (همان: ۲۵۴)

۲-۱ نگاهی به تاریخ تبرستان

در این کتاب به وضعیت و اوضاع تاریخی تبرستان از ابتدای ورود اسلام تا قرن ۶ ه.ق پرداخته می شود.

۱-۲-۱ قرون اول تا سوم ه.ق

« گای لسترنج» در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی» در مورد سرزمین تبرستان را در اوائل خلافت خلفای اسلامی از لحاظ سیاسی کم اهمیت دانسته و دلیل آن را هم تصرف این ناحیه به عنوان آخرین ناحیه از سرزمین ایران توسط مسلمانان می داند چرا که حکمرانان آنجا معروف به اسپهبدان یا اصفهبدان تبرستان بیش از یک قرن پس از فتوحات عرب در کوهستان های خود مستقل باقی ماندند و تا نیمه ی دوم قرن دوم ه.ق هنوز سکه هایی که در این منطقه ضرب می شد، به خط پهلوی بود و مردم جنگل ها و بیسه های پهناور آن ناحیه بر دین زرتشت بودند. همزمان با فتوحات مسلمانان از سلسله های پادوسبانیان، آل باوند و افراسیابیان نام برده شده است که در تبرستان یا قسمتی از آن حکومت می کرده اند و استقلال نسبی داشته اند. مورخان درباره اولین حمله مسلمین به تبرستان وحدت نظر ندارند. بنا به قول عده ای از نویسندگان در سال ۳۰ ه.ق

۳- daeva

۴-dve



(زمان خلافت عثمان) اولین بار «سعد بن عاص» حاکم کوفه درصدد فتح تبرستان برآمد و سرانجام تبرستان کاملاً تحت اطاعت اعراب در آمده ولی بعد از آن نیز در سرزمین تبرستان مانند سابق، سکه هایی با خط پهلوی ضرب شد. سرانجام در سال ۱۶۷ ه.ق «ونداد هرمز» سلسله مستقلی در تبرستان تاسیس کرد. سرانجام سواحل تبرستان، رویان و دماوند را به تصرف خود درآورد. در زمان « مروان بن محمد» (۱۳۲-۱۲۶ ه.ق) آخرین خلیفه بنی امیه، اهالی تبرستان علیه حکام عرب سر به شورش برداشتند. در دوره خلافت « ابوالعباس سفاح» (۱۳۶-۱۳۲ ه.ق) اولین خلیفه عباسی یکی از عاملان وی رهسپار تبرستان شد و با اهالی آن منطقه از طریق صلح و مدارا کنار آمد، و اما در دوره ی خلافت «ابوجعفر منصور» (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق) دومین خلیفه ی عباسی مردم تبرستان برای چندمین بار سر به شورش برداشتند.

۲-۱-۲ تبرستان در قرون ۴ و ۵ ه.ق

تبرستان در قرون چهارم و پنجم ه.ق، میدان کشمکش سلسله آل زیار و آل بویه از یک طرف و سامانیان و غزنویان از طرف دیگر شده بود، اغلب اوقات تبرستان تحت اداره اموی آل زیار بود. در سال ۴۲۶ ه.ق، «سلطان مسعود غزنوی» از طریق گرگان وارد تبرستان شد و صدمات و خسارات جانی و مالی زیادی به اهالی آن سامان وارد آورد. هنوز این خرابه ها ترمیم نشده بود که «طغرل اول» (۴۵۵-۴۲۹ ه.ق) مؤسس سلسله ی سلجوقی به گرگان و تبرستان حمله ور شد. در این بخش سلسله های حاکم بر ولایت تبرستان به دو بخش سلسله های اصلی و حکومت هایی که هر از چند گاهی به این سرزمین یورش برده و بخشی از آن را در تصرف داشتند تقسیم شده است.

سلسله های حاکم بر تبرستان در دوره ی اسلامی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف. سلسله های اصلی تبرستان که شامل پنج سلسله ی قارنیان (سوخرائیان)، باوندیان، دابویهیان (گاوبارگان)، پادوسپانیان می باشند.

ب. سلسله هایی ایرانی که هر از چند گاهی به بخشی یا تمامی از تبرستان یورش برده و مدت حکومت آنان کوتاه مدت بوده، شامل اعراب، طاهریان، آل بویه، آل زیار، صفاریان، غزنویان، سامانیان و سلجوقیان.



۳-۲-۱ حدود تبرستان

حدود و مرز تبرستان در قرون ۳ تا ۵ ه.ق براساس نظریات جغرافیدانان و سیاحان متفاوت می باشد. چنانچه «اصطخری» در کتاب «المسالک و الممالک» و «ابوالقاسم محمد ابن حوقل» در کتاب «صورة الارض» در قرن چهارم ه.ق حدود تبرستان را براساس نقشه های شماره ی (یک) و (دو) ترسیم کرده اند. وی شهرهای تبرستان را چنین برمی شمرد: آمل، شالوس (چالوس)، کلار، رویان، میله، تریجی، عین الهم، مامطیر، ساریه (ساری) و طمیسه. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۸۳) و از سوی دیگر گرگان، استرآباد، آبسکون و دهستان را جزء ولایت گرگان دانسته و شهرهای سمنان، دامغان و بسطام، در شمار ولایت قومس آمده است. (نقشه ی شماره ۲)

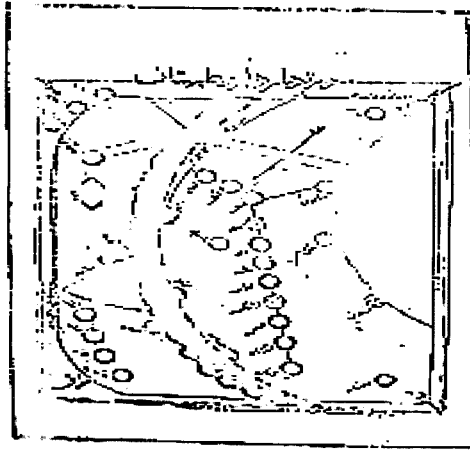
«محمد مقدسی» نیز در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» که در قرن چهارم ه.ق نگاشته چنین بیان می دارد که «خشکی های جهان را به چهارده قسمت می باشد و از این چهارده قسمت، هفت سرزمین آن آباد و هفت سرزمین دیگر ویرانه می باشند». (مقدسی، ۱۳۶۱: ۸۸) وی تبرستان را از شهرهای اقلیم پنجم و کرانه تبرستان را از اردبیل تا جرجان، در اقلیم چهارم و آمل را در اقلیم ششم جای داده است و در ادامه سرزمین دیلم را به پنج ناحیه تقسیم نموده و تبرستان را یکی از آن نواحی بر شمرده است. همچنین در شمار شهرهای تبرستان آمل (قصبه ی تبرستان)، سالوس، میله، مامطیر، تریجن، ساریه و طمیسه را برشمرده است. (همان: ۸۹)

ذکر شهرهای تبرستان به ترتیب از شرق به غرب در کتاب «حدود العالم من المشرق الی المغرب» که از مولفی ناشناس بوده و به ترجمه ی «منوچهر ستوده» به فارسی برگردان شده است، چنین است: «شهرک تمیشه، لمراسک، ساری، شهرک مامطیر، شهرک ترجی، شهر میله، شهر آمل مرکز تبرستان، شهرک الهم، شهرک چالوس، شهرک رودان، شهرک نائل، شهرک کلار و ناحیه ی کوش». (ستوده، ۱۳۴۰: ۱۴۴ تا ۱۴۸)

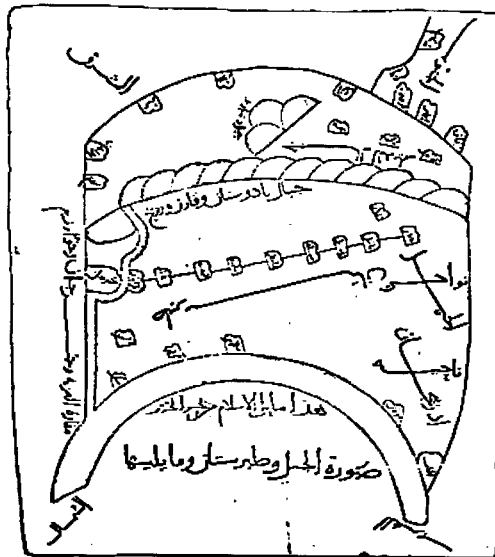
«یاقوت حموی» در «معجم البلدان» آورده که «تبرستان عبارت است از شهرهای وسیع و بسیاری که من حیث المجموع بدین نام خوانده شده است. شهرهای نامی آن دهستان و جرجان و استرآباد و آمل که کرسی آن محسوب می شود و ساریه (ساری) که مانند آمل است و شالوس که کم از آمل نیست و غالب نواحی آن کوهستان است» (حموی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

همچنین «محمدحسن بن اسفندیار» صاحب کتاب «تاریخ تبرستان» در باره ی حدود تبرستان سخنی دگر به میان آورده و می نویسد که «در قدیم آذربایجان و آهار و گیل و

دبلم و ری و قومس و دامغان و گرگان را تبرستان می خواندند و این تا حدودی نقض مطالب دیگر نویسندگان را بیان می کند. (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۵۴)



نقشه (۱): نقشه تبرستان در قرن ۴ ه.ق (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۸)



نقشه (۲): نقشه دبلم و تبرستان در قرن ۴ ه.ق (ابن حوقل، ۱۳۱۷: ۲۷۴)



در قرون ۳ تا ۵ ه.ق

ساختن ظروف سفالین متعلق به زمانی است که انسان در دشت زندگی می‌کرد، روستاهای اولیه شکل گرفته و یکجانشین بوده است. این ظروف معمولاً برای نگهداری مواد غذایی ساخته شده است. ظروف سفالی خاصیت فاسد نشدنی دارد اما از سویی به دست آوردن این ظروف امکان تعبیر و تفسیر بخش‌های مهمی از زندگی انسان‌های اولیه را فراهم آورده است.

با توجه به کاوش‌های باستانشناسی، حدود هزاره ی هشتم ق.م، در چهار منطقه مسکونی ذیل سفالگری رواج داشته است:

(۱) منطقه ی غرب کوه‌های زاگرس نزدیک کرمانشاهان

(۲) کرانه‌های جنوبی دریای خزر

(۳) شمال غرب آذربایجان

(۴) جنوب شرق ایران (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۰)

پرداختن به پیشینه ی سفالگری در ایران به دلیل محدودیت در صفحات کتاب و اینکه عنوان کتاب به سفال ساری قرون ۳ تا ۵ ق.م می‌پردازد و همچنین در کتاب‌های دیگر



به حد کافی و وافی پرداخته شده است، امکان پذیر نمی باشد. لذا نگارنده لازم می داند با نگاهی گذرا به سفالگری در ایران، تنها به بررسی سفالینه هایی بپردازد که واجد دو شرط ذیل باشند: اول اینکه در حیطه ی زمانی قرون ۳ تا ۵ ه.ق در بازه مکانی ایران باشد و دوم اینکه نقوش و شیوه ی اجرای نقوش مرتبط با سفال تبرستان پیاده گردد. این تکنیک ها می تواند شامل تکنیک های لعاب گلی با نقوش رنگارنگ روی زمینه ی سفید، زیرلعابی یا زیررنگی یا لعاب یکرنگ، نقوش کنده و کنده ی زیر لعابی و لعاب پاشیده باشند. سفال های اسلامی تا سده چهارم ه.ق بصورتی ساده و با تزئیناتی زیبا تهیه می شد و غالباً اشعار یا نوشته هایی به فارسی یا عربی روی آنها نقش می گردید و یا تصویر جانوران و پرندگان افسانه ای زینت بخش آنها می شد. از آن جمله است کاسه با تصویر پرنده که جنس آن از گل سرخ رنگ است و روی روکش سفیدی، با رنگ سیاه نقاشی شده است. "سفال ها در سده های سوم و چهارم ه.ق در افراسیاب غالباً به رنگ های سرخ و سیاه روی زمینه سفید ساخته می شدند. در این آثار بیشتر حیوانات زیبا، گل ها، پرندگان و یا کتیبه هایی با کلمات دعا و به خط کوفی نقش شده است. نمونه آن، کاسه ای با تصویر پرنده و نوشته است از گل سرخ رنگ بر زمینه عاجی، نقاشی آن به رنگ قهوه ای تیره است که در زیر نقاشی بیرنگ نقش شده است". (آریان پور، ۵۵: ۳۶)

۱-۲ لعاب گلی و نقوش رنگارنگ روی زمینه ی سفید

سفال های رنگارنگ و نقوش رنگی روی لعاب گلی^۵، ویژه ی قرن چهارم ه.ق و متعلق به دورانی هستند که کیمیاگران و تهیه کنندگان لعاب با رنگ های مختلف و اکسیدهای متنوع آشنا شده اند و به تبع علاقه به ترسیم نقوش از انسان، گل ها، گیاهان و حیوانات از رنگ های ارغوانی تیره، سیاه، قهوه ای، زرد و اخراپی به صورت پوشش نازک روی زمینه ی مات و پوشش گلی علاقه نشان داده اند. از نقوش متداول این دوره به تقلید از ظروف فلزی ساسانی، با تلفیقی از نقوش پرندگان مثل مرغ شاخدار و پرنده ی مسبک (نقطه نشان) و نقشمایه های اسلیمی و تکرار حروف خط کوفی نام برد که در داخل کاسه ها، بشقاب ها و پیاله های کوچک آبخوری رسم شده است. در میان مراکز ساخت این نوع ظروف، نیشابور (تصویر ۱-۲) از اهمیت بسیار زیاد برخوردار است و به طور کلی در شرق ایران و نیز در تبرستان این سفال متداول بوده و حتی به نام ظروف ساری (تصویر ۲-۲) نیز نامیده شده است.



تصویر (۱-۲): ظرف تزئینی نیشابور، سده دهم، کشف شده در تپه مدرسه، نیشابور. موزه هنرهای شرقی، تورین، ایتالیا.
Museo d'Arte Orientale

"تعداد زیادی کوره های پخت این نوع سفال در جرجان کشف شده و محققان آنجا را مرکز ساخت و اشاعه ی این سفال می دانند. در مجموع این نوع ظروف در جهان اسلام از ابداعات و ابتکارات سفالگران ایرانی محسوب می شود و پروفیسور میکامی، استاد دانشگاه توکیو، این امور را تایید کرده است." (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۶ تا ۱۷)



تصویر (۲-۲): سفال ساری (کیانی، ۱۳۸۰: ۱۸۷)



۲-۲ لعاب پاشیده^۶

این لعاب در قرن چهارم هـ.ق در بیشتر شهرهای خراسان امروز و خراسان بزرگ آن زمان متداول می شود و در اواخر این قرن به مرکز ایران نیز می رسد. در نیشابور و جرجان همچنین در ری نمونه های زیبای این نوع سفال را می توان دید و نیز گسترش سوریه، عراق و مصر مشاهده کرد که تا سه قرن تولید آن متداول بوده است. در مورد تاریخچه ی ساخت این نوع سفال و روش تزئین آن باید گفت مرکز اولیه ی آن چین بوده و در دوره ی عباسیان به لحاظ ارتباطات تجاری و سیاسی نمونه هایی از آن به سرزمین های اسلامی صادر شد و سفالگران سوریه و عراق و مصر با آن آشنا شدند. در کاوش های باستانشناسی از شهرهای معروف اسلامی مثل ری، شوش، سیراف، جرجان و نیشابور سفالینه های صادراتی لعاب پاشیده ی چینی به دست آمده است.

علم شیمی و کیمیاگری در قرن سوم ه.ق به سفالگران در تهیه و تولید لعاب های رنگی کمک ارزنده ای کرد و لعاب ها یا گل های رنگی را که زیر لعاب شیشه در کوره پخته می شوند در پایان قرن سوم ه.ق و اوایل قرن چهارم هـ.ق مشاهده می شوند و در پایان قرن چهارم ه.ق با ترکیب پودر شیشه و گل های اکسیدی، رنگ های متنوع لعاب تجربه می شود که در ابتدا به صورت پاشیده در بدنه ی داخل ظرف به قصد تزئین و دستیابی به تالو^۷ رنگ های لعاب نقش می بندند و بعدها به مرحله تکامل می رسند.

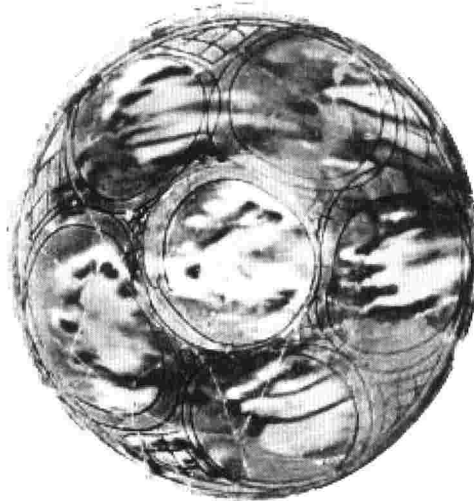
دو شیوه در بحث لعاب پاشیده، مرسوم بوده است؛ نخست آنکه سفال ها را با لعاب گلی می پوشانند، سپس با لعاب سرب و رنگ هایی که از ترکیب اکسید فلزات تهیه گردید به صورت لک های گاهی نقطه چین روی ظروف را می پوشانند.

روش دیگر، سفالینه با نقش کنده و لعاب پاشیده بود که از ابتکارات سفالگران ایرانی است. در این روش قبل از لعاب اصلی، سطح ظرف را با نقوش کنده ی شامل نقش گیاهان، اسلیمی، خطوط پراکنده و به ندرت نقش پرندگان تزئین می کردند و سپس روی آن را با لعاب اصلی می پوشانند. بعدها در این شیوه که در آن از لعاب یکرنگ استفاده می شود، در تنوع نقوش از لحاظ شکل پرندگان و سایر طرح ها نیز زیبایی چشمگیری به چشم می خورد.

روش ساخت سفالینه ها با لعاب پاشیده و نقش کنده از ابداعات سفالگران ایرانی است. در این روش، سفالگر بدنه ی ظروف را با لعاب گلی (انگوب) پوشش می دهد و سپس با لعاب سرب و رنگ هایی که از ترکیب اکسید فلزات تهیه می کرده به صورت لکه و یا گاهی به

^۶-Splashed Ware

صورت نقطه چین روی ظروف را می پوشاند. "در ظروف ساخت چین، اغلب از سه رنگ سبز و آبی و زرد کهربایی استفاده می شده ولی در ظروف ساخت ایران علاوه بر این سه رنگ، رنگ ارغوانی نیز به کار می رفته است." (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۲۱)



تصویر (۲-۳): لعاب پاشیده با نقش کنده ی هندسی زیر لعاب، (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۷)

۲-۳ نقش کنده ی زیر لعاب

تکنیک نقش کنده سابقه ی طولانی دارد. سفالگران در دوران پیش از تاریخ و به طور گسترده پس از آن در تزیین نقش کنده روی سفال از خود مهارت نشان داده اند. در دوران اسلامی این شیوه روی سفال های بدون لعاب همواره مورد توجه بوده است تا این که استفاده از ترکیب و تلفیق شیوه ی کنده کاری و تزیین رنگی لعاب مورد استقبال قرار می گیرد. شیوه ی کار به این صورت است که ابتدا روی بدنه ی ظروف را با نقوش از پیش طراحی شده ی اسلیمی، گیاهان، حیوانات و بعدها انسان به صورت کنده کاری تزیین می کنند و با لعاب های یکرنگ، لایه ای شفاف و خوشرنگ بر سطح ظرف می پوشانند.

از آنجا که این شیوه را سفالگران مسلمان مصر در دوره ی فاطمیان عرضه کردند؛ پژوهشگران منشأ تولید این نوع سفال را از مصر و رشد آن را بین النهرین، سوریه و سپس ایران می دانند. در حفاری های باستانشناسی مناطقی مختلف چون فسطاط مصر، کیش در عراق، بامیان و لشکری بازار در افغانستان و سواحل آفریقای شرقی نمونه هایی



از این سفال ها به دست آمده است. همچنین در محوطه های تاریخی ایران از شمال تا جنوب (آذربایجان - سیراف) نمونه های گوناگونی از سفالینه با نقش کنده دیده شده است. سفال نقش کنده در اوایل دوران اسلامی روی سفال های بدون لعاب و سپس در اواخر قرن سوم هـ. ق، همزمان با ابداع تکنیک لعاب پاشیده با نقش خطوط ساده ی هندسی و اسلیمی ارایه شده ولی از قرن چهارم هـ. ق به بعد با نقوش انسان و حیوان تزئین می گردد. تأثیر نقوش قلمزنی و چکش کاری دوره ی ساسانی و احیا و رجعت به بسیاری از داستان ها و اساطیر ملی و توجه بیش از اندازه به داستان های شاهنامه موجب می شود تصاویر مرغان افسانه ای، عقاب، شیر و بالاخره نقش انسان به صورت کنده و برجسته زیر لعاب به وسیله ی سفالگران هنرمند ترسیم و عرضه گردد. کشف گروه قابل توجهی از این سفال ها در مناطق مختلف به عنوان مثال در شمال ایران در آمل و در آذربایجان در منطقه ی زنجان و آقکند و یا سوگند و گروس با ویژگی های محلی از لحاظ انتخاب رنگ و طرح نقوش به محققان اجازه داده است که نوعی طبقه بندی برای آن ارایه دهند.

این طبقه بندی مبنای تکنیکی دارد؛ مثلاً در ساخت نوع آمل و آقکند، نقوش کنده روی لعاب های رنگارنگ مانند سبز و زرد و ارغوانی انجام گرفته و سپس قسمت های خاصی از ظرف نقاشی شده است و هدف از این کار مهار کردن حد و مرز رنگ ها یا لعاب های رنگی است و سفالگران سعی کرده اند که بدین وسیله تکنیک نقش کنده ی زیر لعاب با نقش کنده ی زیر لعاب پاشیده کاملاً متفاوت باشد. در مجموع سفال آمل و آقکند علاوه بر مرزبندی رنگ ها به وسیله ی نقوش هندسی و ایجاد نقش هایی که با رنگ های ارغوانی و سبز تزئین شده است دارای شفافیت نیز هست که حاصل تالؤل لعاب سرب است. سفال نقش کنده ی زیر لعاب مبین ذوق و اندیشه ی هنرمندان عصر سلجوقی است، عصری که دستاوردهای بسیار در زمینه ی معماری و فلزکاری به جهان اسلام ارزانی داشت. فلزکاران این دوره زیباترین طرح های اسلیمی و باندهای کتیبه های کوفی را روی بدنه ی ظروف فلزی قلمزنی نموده اند. معماران این دوره در خلق تزئینات آجری و کتیبه های بنایی مناره های مساجد و گچبری های محراب و سردرهای مساجد نهایت ظرافت را به کار برده اند. لذا صرفنظر از طبقه بندی تکنیکی، باستان شناسان یک نوع طبقه بندی بر اساس نقش روی سفال نیز پیشنهاد کرده اند که شامل نقش کنده ی هندسی^۷، نقش کنده ی گیاهی^۸ و نقش کنده با نقش جانوران^۹

۷- Geometric Sgraffiato under clear glaze and coloured glaze

۸- Planet like sgraffiato under coloured glaze

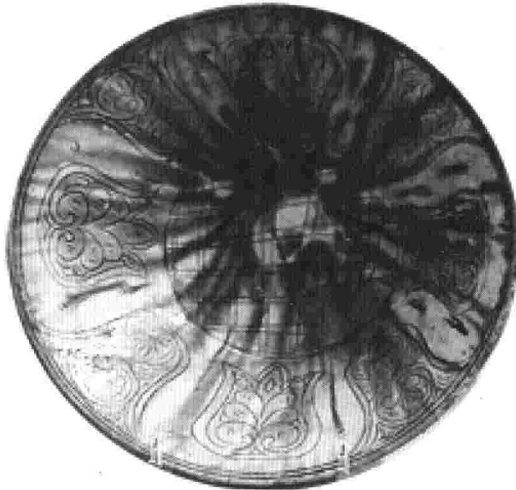
۹- Animal like sgraffiato under coloured glaze

۲-۳-۱ نقش کنده ی هندسی زیر لعاب

ساخت ظروفی با نقش کنده ی هندسی زیر لعاب به شکل کاسه هایی که سطح داخلی آنها تزیین شده است از اواخر دوره ی غزنوی و اوایل دوره ی سلجوقی متداول می گردد. رنگ های به کار رفته عموماً سبز است و این نوع سفال در شمال ایران بیشتر ساخته می شود. این سفال با سفال های نقش کنده ی قبل از دوره ی غزنویان که با خطوط نامنظم و درهم تزیین شده و سپس با لعاب های سبز و زرد پوشانیده شده، متفاوت است. این گروه از سفال های نقش کنده ی ساده در کاوش های نیشابور، کنگاور، جرجان، سیراف، غبیرا در کرمان و تخت سلیمان به دست آمده است. (تصویر ۲-۳)

۲-۳-۲ نقش کنده ی گیاهی زیر لعاب

استفاده از نقوش گیاهی به صورت اسلیمی و گل های تزیینی که در ظروف فلزی متداول بوده، مورد تقلید سفالگران قرار می گیرد. شاخص ترین نقوشی که روی این سفال ها کنده شده گل های طوماری، شاخ و برگ و گل های اسلیمی است که عموماً به رنگ زرد و سبز و قهوه ای است.



تصویر (۲-۴): نقش کنده ی گیاهی زیر لعاب، جام در بخش سبزپوشان در نیشابور کشف شده است و متعلق به سده سوم تا چهارم ه.ق است، موزه متروپولیتن نیویورک



۲-۳-۳ سفال نقش کنده با نقش حیوان

استفاده از نقش حیوان به طور گسترده در هنر ساسانیان به چشم می خورد از جمله نقوشی مثل مرغ شاخدار، سیمرغ، گراز، حمله ی شیر به غزال، شکارگاه، گوزن هایی در حال دویدن یا پرندگانی که روبروی هم ایستاده اند. در قرن پنجم هـ ق فلزکاران دوره ی سلجوقی بار دیگر این نقوش را به تصویر می کشند و نیز نقش بعضی حیوانات دیگر را مثل کبوتر، اسب، مار و اژدها که زیباترین این نقش ها را روی سفال های گروس، شیخ تپه ی ارومیه می توان دید.

۲-۴ سفال لعاب یکرنگ

با توجه به اینکه استفاده از لعاب یکرنگ^{۱۰} ساده ترین شیوه لعابکاری بوده است؛ تاریخچه ی استفاده از این روش به گذشته های دور برمی گردد. این نوع لعابکاری از دوران پیش از تاریخ معمول بوده و در دوران هخامنشی نیز به کار می رفته است و در زمان اشکانیان و ساسانیان تکامل یافته است.

"در ادوار اسلامی پوشش ظروف با لعاب یکرنگ ادامه پیدا کرده و ظرف ها با رنگ هایی چون لاجوردی و آبی و سبز، زرد، قهوه ای، سفید و بیشتر از همه آبی یا فیروزه ای آرایش یافته است". (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۰)

اوج استفاده از این روش را در لعابکاری تابوت های سفالی دوره ی اشکانیان و ظروف خمره ای و قمقمه های دوره ی ساسانیان می توان دید. بار دیگر این روش در قرن پنجم هـ ق مورد توجه سفالگران قرار می گیرد. ازدیاد جمعیت، تولید انبوه، سرعت عمل و زیبایی های لعاب فیروزه ای عوامل عمده ی استفاده از تزیین لعاب یکرنگ است. ایجاد نقش به روش اسگرافیتو یا نقوش برجسته ی قالبی یا نقوش خطی و اسلیمی بوده و طرح های سوزنی عموماً در زیر تکرنگ لعاب و شفافیت شیشه ای آن با رنگ های فیروزه ای، شیری، سفید، لاجوردی، فیروزه ای مایل به سبز، فیروزه ای مایل به آبی جلوه ی خاصی به ظرف سفالی می داد.

استفاده ی گسترده از این شیوه را در دوره ی سلجوقیان و خوارزمشاهیان می توان دید. به کارگیری گل سفید یا خاک چینی که نوعی کائولین، امکان ساخت کاسه و پیاله های بسیار زیبا و سبک و ظریفی را فراهم می سازد که در اصطلاح هنر سفالگری به بدل چینی معروف است. بررسی های انجام شده نشان می دهد که سفالگران برای تهیه ی خمیر این

نوع سفال از گل نرم یا خاک چینی، خمیر شیشه و خاکستر استفاده می کردند. شهرهایی مثل شوش، آمل، نیشابور، سمرقند، بخارا و افراسیاب را از مراکز عمده ی تهیه ی این نوع سفال می دانند.



تصویر (۲-۵): سفال نقش کنده با نقش حیوان
(کام بخش فرد، ۱۳۷۵: ۱۷۳)

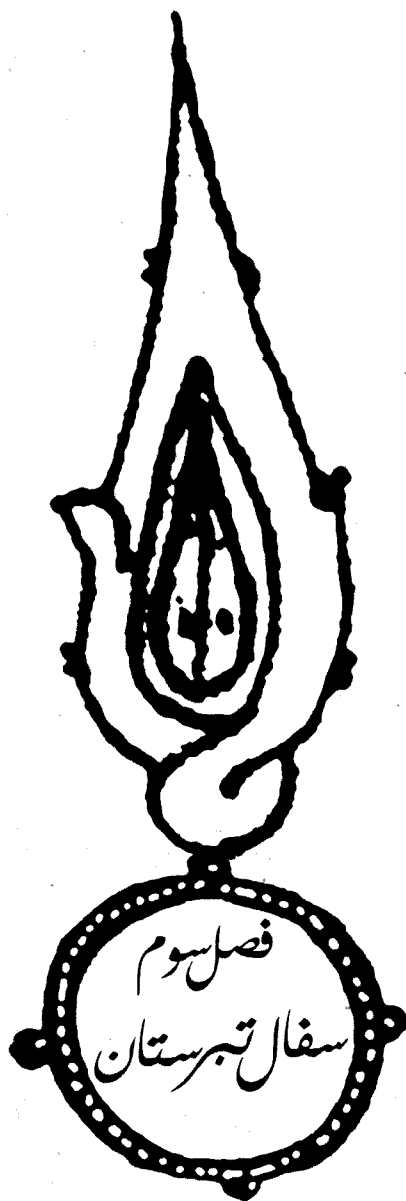


تصویر (۲-۶): سفالینه های قرمز با لعاب یکرنگ
(کام بخش فرد، ۱۳۷۵: ۱۹۷)



۲-۵ سفالینه های قرمز^{۱۱}

این سفالینه ها چرخ ساز، دارای شاموت سنی و سطوح صیقل شده هستند. فرم ظروف احتمالا به صورت کاسه، بشقاب و کوزه های دهان گشاد است که در زیر گردن و لبه ی بعضی از ظروف نقوش تزئینی کنده ی افزوده دیده می شود. این ظروف با خطوط موازی عمودی و افقی شیاری و موجی تزئین شده اند. در برخی آثار نقوش داغ شده دیده می شود. دوران تاریخی در زمان سلطنت شاهان ساسانی و مبارزه ی ساکنان مازندران در مقابل هجوم و با پیروزی اعراب و قبول اسلام توسط تبری ها به پایان می رسد.



قرون ۱ تا ۵ ه. ق



۳-۱ سه قرن اول ه.ق

سفالینه های این دوران نمایانگر شکوفایی ناگهانی هنر سفالگری در قرن سوم هـ ق می باشد که نخستین جرقه های این شکوفایی با رسیدن سفالینه های چینی دوره ی تانگ به خاورمیانه، از طریق راه های دریایی می باشد.

" در این دوران سه نوع سفالینه ی دوره ی تانگ به عراق و ایران وارد می شد: سفالینه های پرتاووسی، سفالینه های سبز و سفالینه های سفید." (شایسته فر، ۱۳۸۷: ۱۶) در این دوران، در منطقه ی خاورمیانه، تقلید از هر سه نوع تکنیک در ساخت سفالینه ها صورت می پذیرفت. احتمالاً رایج ترین نوع این سفالینه ها، نوع پرتاووسی بوده است. در قرون اولیه حکومت خلفای بنی عباس، صنعتکاران بطور کاملاً واضح غیر وابسته بودند و بدون هیچ گونه اشکالی به مناطقی که کارشان و هنرشان مورد توجه و استقبال قرار می گرفت حرکت می کردند و کارگاه هایی که بوجود می آید مرکز کار این هنرمندان می شد که از تمام نقاط قلمرو به این کارگاه ها که صنعتشان مهم جلوه می کرد هجوم می آوردند و به کار مشغول می شدند. بنابراین در اینگونه کارگاه ها سنن و هنرهای مختلف از سایر نقاط آسیا در آنجا اجتماع حاصل می کرد. این روش همکاری در این کارگاه ها چندین قرن ادامه یافت تا اینکه در قرن دهم میلادی که درخشندگی حکومت و قدرت خلفا رو به کاهش می رفت، کارگاه های سفال سازی به طرف مصر و به سوی فاطمیه سوق یافتند که پس از پیروزی صلاح الدین بر فاطمیه، این کارگاه ها به طرف شمال بین النهرین و شهرهای ایران که در این زمان تحت حکومت سلجوقیان قرارداشت حرکت نمودند.



۲-۳ قرون ۴ و ۵ هـ.ق

سفالینه های ساخته شده در قرون ۴ و ۵ ه.ق به دو دسته ی بی لعاب و لعابدار تقسیم می شوند. ظروف بدون لعاب خود به دو دسته ی نقش کنده و نقش افزوده مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. سفالینه های لعابدار نیز به سفالینه های با لعاب یکرنگ، لعاب پاشیده، لعاب رنگارنگ و سفالینه های ساری و آمل قابل بررسی و تقسیم بندی می باشند.

۱-۲-۳ سفالینه های بدون لعاب ساده

ساخت این نوع ظروف در اغلب مراکز سفال سازی ایران (تبرستان) رواج داشته است. از حفاری های قلاع باستانی تبرستان نمونه های زیادی از این ظروف به رنگ قرمز موجود است که اغلب سطح خارجی آنها صیقل شده است. این ظروف معمولا شامل کاسه های لب برگشته و خمره های کوچک و پیه سوز هستند که متاسفانه اغلب آنها در اثر هجوم و حمله شکسته شده اند و تنها تکه هایی از آنها موجود است.

۲-۲-۳ ظروف با نقش کنده

ساخت این نوع ظروف در اکثر مراکز سفال سازی ایران مخصوصا در شمال و شمال غرب ایران در قرن چهارم و پنجم هـ.ق رایج بوده و بیشتر در شمال غربی ایران در محلی به نام "آگکند، آگکند" و "یاسکند" که احتمالا مرکز اصلی این نوع ظروف بوده، دیده شده است. تزیینات در این روش به صورت کنده کاری روی سفال نقش می شوند. نقش کنده را زمانی که خمیر هنوز نرم بوده (حالت چرمینگی) انجام می داده اند. بعضی از این نقوش به قدری زیباست که در نوع خود بی نظیر است. نقوش این ظروف شامل پرندگان مخصوصا کبوتر و خطوط مارپیچ و گل و بوته است و بعضی از نقوش آن با نقش های کارهای فلزی دوران سلجوقی قابل مقایسه است.

۳-۲-۳ نقش افزوده

همانطور که اشاره شد، نوع دیگر آرایش سفالینه های بدون لعاب، نقش افزوده است. در این روش سفالگر با افزودن تکه ها و بریده های گل در هنگام نیمه خشک بودن سفال، به سطوح خارجی آن، تزیینات دلخواه را در وجوه مختلف کوزه ی خمره به صورت نقش افزوده (باربوتین) ایجاد می کرده است. "این روش که متعلق به ابتدای دوران اسلامی و هم

چنین اشکائی و ساسانی بود، در نقاط و میادین تاریخی از قبیل شوش، ری، آمل و نیشابور کشف شده است." (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۸-۴۵۷)



تصویر (۳-۱): سفال بدون لعاب ساده، سفال مازندران (آمل)
(موزه کلبادی ساری، نگارنده، ۱۳۹۱)



تصویر (۳-۲): ظرف با نقش کنده زیر لعاب، سفال مازندران
(آمل)، (خلیلی، ۱۳۸۴: ۹۴)

تزیین قالبی را نیز می توان نوعی نقش افزوده دانست با این تفاوت که نقش ایجاد شده، ابتدا توسط قالب ایجاد شده و در حالت چرمینه بر روی بدنه نصب می شود. این نوع تزیین با فشردن گل رس مرطوب درون قالبی از گل پخته ی از فلز انجام می شده است. بدیهی



تصویر (۳-۳): سفال با نقش افزوده، سفال مازندران (آمل)،
(کامبخش فرد، ۱۳۷۷: ۵۶۲)

است طرح قالب هایی را که دارای طرح گود بوده اند، به صورت برجسته نمایان می شده اند. این نوع تزئین در تبرستان بیشتر در منطقه آمل رواج داشته است. در منطقه ساری آثاری به دست نیامده است.

۳-۲-۴ لعاب یکرنگ

توضیحات این تکنیک در فصل قبل صفحات ۳۴ و ۳۳ به صورت مفصل آمده است.

۳-۲-۵ ظروف با لعاب پاشیده

ساخت این نوع ظروف از اوایل قرن چهارم هـ. ق شروع می شود. در این دوره نفوذ سفال سازی دوره ی تانگ چین در ساخت این نوع ظروف دیده می شود. ظروف با لعاب پاشیده در ایران ۲ نوع می باشد:

(الف) سفال با لعاب پاشیده: با لعاب گلی پوشش و سپس با لعاب سربی و رنگ هایی از ترکیب اکسید فلزات تهیه می شده که به صورت لکه یا گاهی به صورت نقطه چین روی ظرف را می پوشانده است. رنگ های ظروف لعاب پاشیده چین از سه رنگ سبز، آبی و زرد کهربایی استفاده می شده ولی در ایران علاوه بر این سه رنگ، رنگ ارغوانی نیز به کار می رفته است.

ب) سفالینه با لعاب پاشیده و نقش کنده: تزینی است با لعاب پاشیده و نقش کنده، بدین صورت که ابتدا تزین نقوش کنده قبل از لعاب اصلی سطح ظرف را آرایش داده و سپس با لعاب اصلی پوشیده می شود. نقوش کنده عموماً شامل نقوش گیاهی، اسلیمی، خطوط پراکنده و به ندرت نقوش پرندگان می باشد.

سفالگر لعابی به رنگ های قهوه ای، زرد و یا سبز را به تنهایی و یا توأم بر روی سطح داخلی و خارجی به صورت پاشیده می پوشاند. این روش در گذشته به نام های کشک و لبویی معروف گردیده است. خمیر این سفالینه ها اغلب به رنگ نخودی و قرمز بود و شکل ظرف با کف حلقه ای، بدنه محدب و یا کشیده است. (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۲۱)

لعاب پاشیده اغلب در داخل ظروف بوده و کمتر ظرفی دیده شده که از خارج دارای لعاب پاشیده باشد. در روش لعاب پاشیده و نقش کنده بدنه ی ظرف را پس از شکل دهی به پوسته و آستری از انگوب اندود کرده و سپس در کوره می پختند. پس از سرد شدن، با ابزار نوک تیز اقدام به حفر نقش های منظم یا نامنظم گل و گیاه کرده و سپس چندین لعاب رنگی از قبیل سبز و زرد و ارغوانی را به تفکیک یا درهم و به نوبت در نقاط مورد نظر می پاشیدند و مجدداً آن را می پختند تا خطوط منقور و گود شده، رنگهای سبز و زرد و ارغوانی را به تفکیک یا درهم دریافت کنند.

این ظروف اغلب شامل بشقاب های بزرگ یا تنگ است که در وسط با نقوش انسان، حیوان و پرندگان و طرح ماریچی بر روی زمینه ی سفید تزین شده است. در ظروف با لعاب پاشیده، نقوش انسان و پرندگان و حیوانات عموماً در وسط ظروف و نقوش ماریچی در اطراف آن به کار برده شده است. (تصاویر ۲-۳ و ۲-۴)

در برخی منابع لعاب پاشیده را نوعی تقلید ناشیانه جهت رسیدن و پی بردن به تکنیک آثار چینی مطرح نموده اند و این در حالی است که ظروف لعاب پاشیده در آن زمان از چین وارد می شده است که در رنگ محدود بوده است و ایرانیان رنگ بندی آن را با ذوق و سلیقه خویش آراستند. اینکه تکنیک لعاب پاشیده در چین در جهت رسیدن به نوعی تکنیک پیشرفته رخ نموده است شکی نیست اما در ایران از همان آغاز نوعی تکنیک آگاهانه بوده است و گاهی هم اتفاقات مزید بر علت نیز می شده است.

در ظروف ساری این تکنیک بصورت رسمی در کنار سایر تکنیک ها کار نمی شده است یا موردی به دست نیامده است. اثری که در این رده قرار گرفته و بررسی شده است، به دلیل شره کردن لعاب و بصورت اتفاقی در فرآیند لعاب دهی و پخت رخ داده و از حالت نظم و دورگیری دقیق خارج شده است؛ نه اینکه تکنیک لعاب پاشیده به معنای خاص باشد. (تصویر ۴۳)



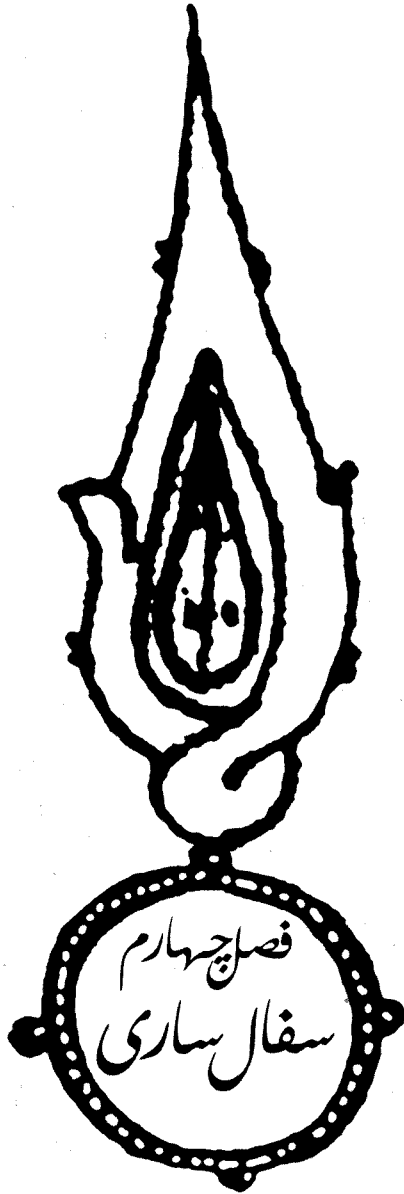
۳-۲-۶ لعاب رنگارنگ

سفالینه با نقوش رنگارنگ بر روی زمینه سفید به نام های ظروف روستایی، ساری و نیز رنگارنگ معروف می باشد. رنگ های ارغوانی تیره، سیاه، قهوه ای تیره، زرد و اخراپی به صورت ورقه ای نازک بر روی زمینه مات و پوشش گلی آن را تزئین می کنند. شکل ظروف اغلب به صورت کاسه، بشقاب و پیاله با لبه برگشته، بدنه محدب و کف حلقه ای می باشد. این شیوه خود شامل دوشیوه ی تزئین زیر رنگی و رو رنگی است. شیوه ی نقاشی و تزئین سفالینه در زیر لعاب از اوایل اسلام به ویژه قرن سوم و چهارم هـ ق در مراکز سفال سازی شمال و شمال شرقی ایران مرسوم بوده است.

"در دوره ی سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی و تیموری، تحول تازه ای در تکنیک این نوع ظروف پدید آمد. به این ترتیب که سفالگران ادوار یادشده به جای لعاب سرب از لعاب قلیایی برای پوشش و آرایش سفالینه ها استفاده کردند." (کیانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲)

"سیف الله کامبخش فرد" در کتاب سفال و سفالگری می نویسد: "در شیوه ی مذکور ابتدا یک لایه پوشش سفید، زرد، آبی یا سیاه از دوغاب گل رس نرم در سطوحی که می باید نقاشی می گردید اندود شده، سپس در کوره پخته می شد تا بوم و بدنه برای نقش اندازی آماده گردد. سپس طرح های متنوع با رنگ های مختلف روی بدنه ترسیم شده و پس از به کار بردن لایه ی شفاف لعاب قلیایی روی این سفالینه را یک بار دیگر به کوره می بردند و می پختند." (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۴۶۹) (تصاویر فصل پنجم)

پروفسور میکامی استاد دانشگاه توکیو، معتقد است که ظروف رنگارنگ از ابداعات و ابتکارات سفالگران ایرانی است و از ایران به سایر نقاط جهان نفوذ کرده است. (mikami, ۱۹۷۲: ۳۶۰)



فصل چهارم
سفال ساری

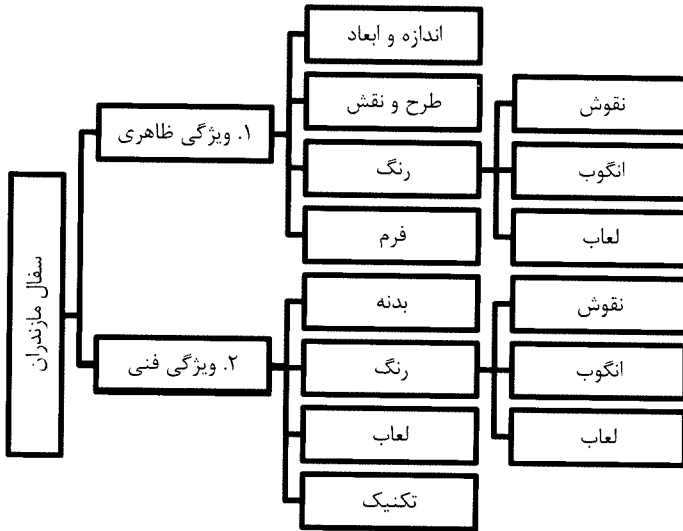
۴-۱ بیان ویژگی های سفال ساری

یکی از معروف ترین نمونه های سفالینه های دوره اسلامی، ظروفی است که به نام های ظروف روستایی یا ساری معروف شده اند، زیبایی خاصی دارند و در آنها از رنگ های متنوعی چون ارغوانی تیره، سیاه، قهوه ای تیره، زرد و اخرايي و... به صورت ورقه ای نازک بر روی زمینه لعاب مات و یا پوشش گلی زیر لعاب شفاف برای تزئین استفاده می کنند. نقوش متنوع و غالباً شامل چهارپایان و پرندگان بخصوص کبوترهای مسبک و دایره های توپر و گل های مسبک می باشند و گاه توام با خطوط کوفی تزئینی است که معمولاً بدنه های داخلی و کف ظروف را در بر می گیرد. ساخت این نوع ظروف به قرن سوم تا پنجم هـ. ق برمی گردد. سفالینه های نوع (تیپ) ساری، سفالینه های روستایی یا سفالینه های مازندران؛ به سفالینه هایی اطلاق می گردد که در شهر ساری یا مناطق و روستاهای اطراف آن از سده سوم هـ ق همزمان با دوره بازرایی و شکوفایی در سفالگری ایرانی، شروع به نضج و شکل گیری نمود و تا قرن پنجم هـ ق براساس منابع مطالعاتی و حفاری باستان شناسی در دسترس، به تولید آثار هنری متفاوت، خاص، درخور و متناسب با منطقه جغرافیایی همت گمارد. اطلاع دقیق از اینکه این سفالینه ها بطور یقین در کدام قسمت این منطقه ساخته و عرضه می شدند به دلیل پراکندگی آثار به دست آمده از حفاری های باستان شناسی از اطراف این شهر، در دست نیست.



پراکندگی مراکز ساخت این نوع سفال ها را از اطراف شهر ساری به سمت شرق استان مازندران تا مرز استان گلستان (شهر جرجان) می داند. لازم به ذکر است که قرار گرفتن شهر تاریخی ساری بین دو قطب هنری دوران اولیه و میانه اسلامی در ایران یعنی جرجان و آمل (پایتخت تبرستان در این دوران)، انتساب این آثار را به این شهر تشدید می نماید. با گسترش شکوفایی هنر و ادب ایرانی از سده سوم هـ.ق، سفالگری نیز همپای سایر هنرها مراحل ترقی را پیمود. با تبادل تجاری و فرهنگی این آثار با سایر قطب های هنری اسلامی در این دوران از قبیل نیشابور، آمل، جرجان و... تاثیر هر یک بر یکدیگر نمایان می باشد.

نمودار ۱ - روند بررسی ویژگی های فنی و ظاهری سفال ساری



۴-۲ فرم و شکل

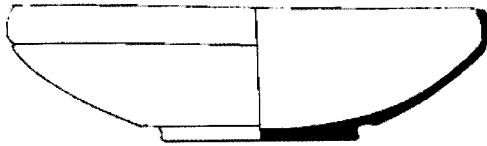
قالب بسیاری از سفالینه های به دست آمده از تبرستان قرون سوم تا پنجم هـ.ق به شکل کاسه، بشقاب و تنگ می باشد که با تکنیک چرخکاری ساخته شده اند. شکل ظروف اغلب به صورت کاسه، بشقاب و پیاله با لبه برگشته، بدنه محدب و کف حلقه ای می باشد. این سفالینه ها به دلیل جنبه ی کاربردی و کاربری آن، به صورت ظروف مورد استفاده در زندگی روزمره مردم منطقه و بسته به احتیاجاتشان در این برهه زمانی تولید می شده اند

که با توجه به نوع کاسه ی بشقاب قطر دهانه و ارتفاعشان متفاوت می باشد. قطر دهانه برای کاسه ها عموماً ۱۷,۵ سانتی متر و ارتفاع بین ۴,۵ تا ۷,۵ می باشد. بشقاب ها نیز به نوبه ی خود از قطر دهانه ی از ۲۰ سانتیمتر تا ۲۶ سانتیمتر و ارتفاع از ۲,۵ سانتیمتر تا ۴,۵ سانتیمتر بسته به تخت و توگود بودن و متوسط یا بزرگ بودن متغیر است. غالب شکل ظروف پیدا شده به ترتیب کاسه، بشقاب و کوزه یا تنگ می باشد.

شکل (۱-۴) تیپ شناسی فرم ظروف ساری (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۲)



(الف)



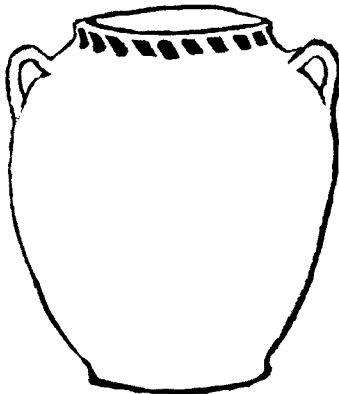
(ب)



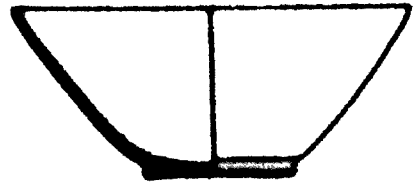
(پ)



(ت)



(ج)



(ث)

۳-۴ طرح و نقش

شیوه ی ترسیم این طرح ها و نقش ها در حقیقت ادامه ی سبک ساسانی ایرانی و نزدیک به نگارگری با قابلیت تغییراتی برای پیاده شدن روی سفالینه ها می باشد. این سفالینه ها از نظر غالب نقوش به ۶ دسته ی ذیل طبقه بندی می گردند:

۱-۳-۴ پرندگان

۲-۳-۴ چهارپایان

۳-۳-۴ نقوش تجریدی

۴-۳-۴ حیوانات افسانه ای و اساطیری

۵-۳-۴ نقوش برگرفته از طبیعت پیرامون

۶-۳-۴ نقش ماهی

۱-۳-۴ پرندگان

غالب نقش های به کار رفته روی سفالینه های تبرستان را پرندگان تشکیل می دهند. این پرندگان شامل هدهد (شانه به سر، مرغ سلیمان)، طاووس، کبوتر، کلاغ، خروس و دارکوب می باشند. این نقوش قسمت اعظم زمینه ی کاسه و بشقاب سفالی را تشکیل می دهند. جای این نقوش عموماً در وسط کادر در نظر گرفته شده که گاهی به صورت تک نقش به

کار می رود و این در صورتی است که در بیشتر موارد نقوش تجریدی یا برگرفته از طبیعت به صورت مکمل نقش های محوری به کار می روند. نقوش به صورت ساده، ایرانی و نزدیک به طرح های نگارگری نقش شده و شیوه ی ترسیم پرندگان را می توان ادامه ی سبک ساسانی دانست. این پرندگان به صورت مسبک و نقطه نقطه سفید تزیین شده اند.

۴-۳-۱-۱ هدهد (شانه به سر، پوپک، مرغ سلیمان)

هدهد و شانه به سر دو نام اصلی این پرنده هستند که اولی به صدای آن و دیگری به کاکل شانه مانند روی سرش اشاره دارد. پوپک نام دیگری است که آن هم از آواز این پرنده گرفته شده و مرغ سلیمان هم نامی است که به نقش وی در ماجرای پیامبری او از سلیمان به بلقیس ملکه سبا اشاره دارد. داستان هدهد قاصد پیغمبر سلیمان در قرآن مشهور است. هدهد نامه سلیمان پیغمبر را به ملکه بلقیس در مملکت سبا رسانید. در منطق الطیر، نوشته عطار نیشابوری، هدهد به عنوان مرغی خردمند، راهبر دیگر مرغان به سوی سیمرغ می شود.

۴-۳-۱-۲ طاووس

در ایران طاووس نشان دهنده سلطنت و تخت سلطنتی (تخت طاووس) می باشد. طاووس های ایستاده در دو سوی درخت حیاط مظهر ثنویت و طبیعت دوگانه انسان هستند. این پرنده به هزارچشم (چندچشم) نیز معروف است. طاووس را «مدخل بهشت» هم نامیده اند. در سنت عرفانی طاووس نماد تمامیت، و تمامی رنگ ها بر چتر گشوده دم او جمع آمده است. نشانگر هم ذاتی طبیعت کل مظهرات و نمایانگر لطافت آنهاست. (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۲۰۵)

۴-۳-۱-۳ کبوتر یا کفتر

کبوتر رمز روح، احساس های معنوی، آرمان و آرامش است. در گویش تبری کوتر، در زبان ترکی گورچین، در زبان کردی کوتر یا کموتر و در زبان فارسی کفتر هم گفته می شود.

۴-۳-۱-۴ خروس

این پرنده را شجاع، مغرور و خودشیفته و نیز نادان دانسته اند. "در آیین میتزایی، خروس به عنوان نماد مهرپرستی، مقام شامخی دارد و در مراسم دینی، خروس سفید به میتزا



هدیه می‌شود" (رضی، ۱۳۸۱: ۴۴۵)

از خروس به عنوان مرغ مینوی و مرغ عرشی نیز یاد می‌شود. در اسطوره‌های ایران باستان خروس، پرنده ویژه امشاسپند بهمن است و از جانب سروش، ایزد شب زنده‌دار، گماشته شده است تا با بانگ خویش ظلمت را دور و مردم را بیدار کند" (اوشیدری، ۱۳۷۶: ۱۲۳)

ایرانیان بانگ بهنگام خروس، به ویژه خروس سفید، را خجسته می‌دانند، زیرا به باور آنان، دور کننده اهریمن است، اما بانگ بی‌هنگام او را ناخجسته می‌پندارند، زیرا کیومرث پس از بانگ نابهنگام خروسی در هنگام عبادت شام از دنیا رفت. (خواندمیر، ۱: ۴۹۶)

در تبرستان نیز همین باور وجود دارد. لازم به ذکر است که در تبرستان خواندن خروس بر روی سکو را نوید آمدن مهمان می‌دانند. براساس روایات معراج، پیامبر در شب معراج خروس سفید بسیار بزرگی را در عرش دیده است. خروس در خروج موفق حضرت موسی علیه‌السلام و بنی‌اسرائیل از مصر نقش داشته است، زیرا با بانگ نکردن صبحگاهی، فرعون از تعقیب بهنگام آنها بازماند.

۴-۳-۲ چهارپایان

این نقوش نیز برگرفته از طبیعت پیرامون، شرایط آیینی و فرهنگی و تجربه‌ی زیست مردم منطقه می‌باشد.

۴-۳-۱ گاو

نقش گاو در تمدن‌های کهن و باستانی و در باورهای قومی و اساطیری نشان هرج و مرج و مادر همه‌ی آفریده هاست. از گذشته تاکنون، گاو همواره جایگاهی ویژه در نزد انسان‌ها داشته است چرا که علاوه بر این که اساس تغذیه بشمار می‌رفته در زندگی کشاورزی و زراعت، گردونه‌کشی و بارکشی نیز یاور انسان‌ها بوده است.

در ایران باستان شکلی از ایزد طوفان دارد که مولد باران است. "شاخ گاو ماده علامت رسالت عقل و علامت خورشید یا ماه است." (جایز، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

"پس شگفت نیست که گاو در آیین مزدیسنا بسیار معزز باشد و از فرشته نگهبان آن امداد خواسته شود و روز چهاردهم ماه به نام او به "گوشروز" موسوم گردد و شاید به همین علت است که در گات‌ها قربانی گاو در مراسم مذهبی منع شده است. در اندیشه‌های آریایی گاو، مقدس و نماینده‌ی قدرت و نیروست. از این رو قدما معتقد بودند که زمین بر روی شاخ گاو قرار دارد. گاو بر پشت ماهی بزرگ، و او در دریاها شناور است.



هرگاه خسته می‌شود، زمین را از یک شاخش به روی شاخ دیگر می‌لغزاند و همین کار موجب زمین لرزه می‌شود". (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱-۳۶۰)

از نقاشی‌های غار لاسکو گرفته تا کاوش‌های باستان‌شناسی از حفریات شمال کشور خصوصاً املش گیلان و گوهرتپه‌ی بهشهر همگی مبین این امر می‌باشد که نقوش اسب و گاو و بز از اهمیت به‌سزایی در زندگی روزمره و معاش خانواده برخوردار بوده است. سفالینه‌های تبرستان قرون سوم تا پنجم ه.ق نیز از این امر مستثنی نبوده و نقوش گاو، بزکوهی، بز و گوزن خالدار نیز زینت بخش این سفالینه‌ها شده است. تصاویر نقش شده روی این سفالینه‌ها دربرگیرنده‌ی حیواناتی است که در زندگی روزمره مردم منطقه نقش به‌سزایی داشته و بخشی از معاش زندگی آنان را تامین می‌کرده است.

به بیانی دیگر زندگی مردم وابسته به وجود این حیوانات بوده است. در اینجا نکته‌ای جالب توجه که باید بیان گردد این است که این حیوانات به عنوان سرمایه‌ی زندگی برای صاحبانشان محسوب می‌شدند در قدیم سرمایه‌های اصلی یک خانواده به ترتیب شامل تعداد پسران، مال و حیوان بود. از دلایل عمده‌ی کاربرد نقش سه حیوان گاو، اسب و بز، بر روی سفالینه‌ها و دیوارها، خدماتی است که این حیوانات در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند از قبیل بارکشی، شخم زدن، تامین غذا و خوراک، تامین پوشاک و گستردنی‌ها که به نوعی مکمل زندگی بشر محسوب می‌شوند و نبود آنها زندگی را سخت و مختل می‌کند. تفاوت پیاده نمودن نقش حیوانی توسط هنرمند سفالگر تبرستان شاید به دلیلی که هنرمند قدیم‌تر در غارها به کار می‌برد نباشد چرا که دیگر این حیوانات اهلی شده و در خدمت انسان است و شاید باشد به این علت که هنرمند با تصویر نمودن نقش حیوانات اهلی اسب، گاو و بز، با هدف افزایش باروری و ازدیاد این انسان را طلب می‌کند. نکته جالب توجه این است که همگی روی بشقاب تصویر شده‌اند.

۴-۳-۲-۲ اسب

بررسی شیوه معیشت و اقتصاد حاکم بر جوامع باستان نشان می‌دهد که این اقتصاد بر اساس کشاورزی، دامداری و مبتنی بر اقتصاد معیشتی بوده است که در آن اسب نقش مهمی ایفا می‌کرد. اسب در میان اقوام باستانی و کوچنده جایگاهی ویژه داشته و نقش زیادی در زندگی سلحشوران و ارتباط آنها با اقوام دیگر ایفا می‌کرده است. در اسطوره‌های ایرانیان نیز به فراوانی از اسب سخن به میان آمده است و نمونه بارز آن در شاهنامه فردوسی و اسب رستم و سیاوش است که همگی حکایت از رابطه عمیق انسان با این



حیوان دارد.

"اسب یا اسب در اساطیر ملل به صفات تند و تیز و چالاک و دلیر و پهلوان موصوف است. در ذهن اقوام هند و اروپایی، از اسب به عنوان نشانه‌ی ایزد آفتاب و ایزد ماه و ایزد باد سخن رفته است. فرشته‌ی نگهبان چارپایان که در اوستا، دواسپا (دارنده‌ی اسب سالم) خوانده شده، دارای گردونه است. هند و اروپاییان نخستین قومی بودند که اسب را اهلی کردند. به توسط ایرانیان اسب به سرزمین بابل و مصر راه یافت. تشر، فرشته‌ی باران، برای دستیابی به آب های بارور به پیکر اسب سفیدی درآمد و با اپوش، دیو خشکی، که او نیز به صورت اسب سیاهی بود، جنگید. ایزد بهرام در سومین تجلی خود به صورت اسبی سفید و زیبا ظهور نمودند. فرشته‌ی گردونه‌کش خورشید که هر روز از بام تا شام خورشید را در آسمان راهبر است". (یاحقی، ۱۳۷۵: ۷۸ و ۷۹)

"شیر و اسب در دنیای اندیشه‌های مردم باستان هر دو مأموران مرگ بودند". (نیرنوری، ۱۳۷۹: ۱۸۳) نام چهار تن از نیاکان زرتشت با واژه اسب همراه است: پورشسب نام پدر زرتشت به معنی دارنده اسب پیر، دومین نیای زرتشت، پیتراسب، یعنی دارنده اسب تندرو. از جمله ایرانیان دیگر که نامشان با نام اسب شروع می شود می توان به موارد زیر اشاره کرد: "کرشاسب" (گرشاسب) یعنی دارنده اسب لاغر، "ارجت اسب" (ارجاسب) یعنی دارنده اسب ارجمند، "اُوروت اسب" (لهراسب)، یعنی دارنده اسب تندرو، "کوبویشتاسب" (گستاسب) که آخرین پادشاه کیانیان است، نامش برآمده از معنی صاحب اسبان از کار افتاده بود و چنانکه از یشتها بر می آید، آرزوی اسبان بسیار داشته است و خداوند آرزوی او را بر می آورد". (پورداوود، ۱۳۵۶: ۲۲۷)

۳-۲-۳-۴ بزکوهی

نقش این حیوان به شکل ها و فرم های گوناگون بر روی سفال ها در محوطه های مختلف یافت شده است که نشان دهنده ی این مهم است که این حیوان در این منطقه باید دارای اهمیت ویژه ای می باشد.

بزکوهی نماد باران در سفال ایرانی طرح‌های ترسیم شده توسط ایرانیان به خصوص نقش حیوان ملی ایران - بزکوهی - روح سادگی و دقت را به همگان القا می کنند. این طرح‌ها و نقوش در آسیا منحصر بفرد هستند. بزکوهی را مظهر یکی از المان‌ها (عناصر) مفید طبیعت در نظر می گرفتند. در لرستان، سمبل خورشید و گاهی هم نمادی از باران است؛ چرا که در آن زمان ماه را مرتبط با باران و خورشید را مربوط به گرما و خشکی



می دانستند. قبایل کاسی لرستان، گردن بندهایی با آویز بزکوهی داشتند. همچنین بین بزکوهی با آن شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود داشت. به همین علت بود که اعتقاد داشتند شاخ‌های قوسی شکل بزکوهی می‌تواند باعث بارش باران شود. در شوش و عیلام باستان، بزکوهی سمبلی از کامیابی و نیز خدای زندگانی گیاهی بود.

با توجه به شاخ‌های این حیوانات تمامی آنها نر هستند و بز ماده نقش نشده است و این امر نشان دهنده ی این موضوع است که مردم می‌خواستند اند که نرینگی این حیوان را نشان دهند که نشانه باروری است و همچنین به عنوان نماد محافظ و نگه دارنده شهر و قلاع خود تصور می‌کردند.

۴-۳-۱ شیر

در ایران شیر نماد سلطنت، مظهر مهر، نیروی خورشید و نور است. شاهان ایرانی راه مقابله با شیر را باید می‌دانسته و در واقع شیرکش بودند. برتری بر شیر یعنی شهادت شاه و تایید و تثبیت عنوان شاه و زندگی مجدد. در ایران قهرمانان را با عنوان شیرمرد صدا می‌زنند. نمونه‌های این نقش در نقش برجسته‌های تخت جمشید به وضوح قابل مشاهده می‌باشد.

۴-۳-۳ نقوش تجریدی

نقوش تجریدی یا نقوش انتزاعی (آبستره) به نقوشی اطلاق می‌شود که هیچ صورت یا شکل طبیعی در جهان در آن قابل شناسایی نیست و فقط از رنگ و فرم‌های تمثیلی و غیر طبیعی برای بیان مفاهیم خود بهره می‌گیرد. تجریدگرایی به رعایت اصول و جنبه‌های عملی تجرید به منظور هر چه ساده‌تر کردن اثر هنری از یک سو، و هر چه گویاتر و غنی‌تر کردن زبان و بیان آن از سوی دیگر، اطلاق می‌شود. در حوزه هنرها و ادبیات فارسی تجرید را اغلب ایجاز می‌نامند.

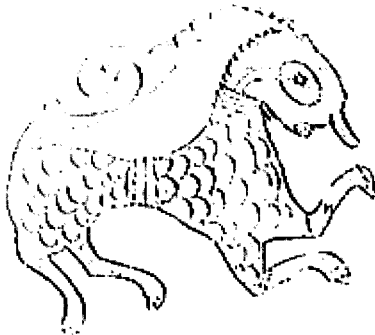
این دسته از نقوش احتمالاً برگرفته از طبیعت با نمادهایی مرتبط با فرهنگ منطقه، بوده که طراح یا سفالگر که شاید خود نیز طراح بوده ساده گشته و روی سفال‌ها پیاده شده است. هنرمند این نقوش را در توتم خود از محیط پیرامون خویش دریافت نموده و در ذهن خلاق خود پرورانده و به صورت ذهنی و آنالیز شده با تکیه بر توتم درونی خویش به روی سفالینه‌ها انتقال داده است.



۴-۳-۴ حیوانات افسانه‌ای و اساطیری (تلفیقی)

از مشخصه‌های سفالینه‌های ساری، ردیابی مجموعه‌ای از اساطیر و افسانه‌های کهن است که در پی بردن یک سری از عقاید، تفکر و راه و رسم زندگی آنها به ما کمک می‌کند. نقوش این گونه از سفالینه‌ها اغلب برگرفته از اساطیر ملی و داستان‌های کهن می‌باشد. این نقوش بیشتر شامل نقش شیر، عقاب، اسب و... است که به طور کلی در هیئت مرغان و حیوانات افسانه‌ای بودند. این نوع سفالینه‌ها از رایج‌ترین سفالینه‌های دوران آل بویه به شمار می‌رفته و به سفالینه‌های گبری مشهور بودند. هنرمند سفالگر ابتدا پس از ساخت سفالینه‌ها قبل از پخت روی زمینه‌ی کار را کنده و بصورت برجسته در آورده و سپس با لعاب شفاف روی آنها را می‌پوشاند. یادآوری این نکته ضروری است که تبرستان را سرزمین دیوها و موجودات اساطیری خصوصاً سیمرغ که بر بالای قله‌ی دماوند از رشته کوه البرز آشیانه داشت، می‌دانند که می‌تواند بی‌علت نباشد و خاستگاه این نقوش را در همان توت‌م مردم منطقه جستجو نمود.

حیواناتی که در شاهنامه‌ی فردوسی نیز در هیئت اسطوره‌های از آنها یاد شده است. عاملی که این دو بحث سرزمین تبرستان و سفال‌های گبری را بهم پیوند می‌دهد و وجه مشترک این دو، سلسله‌ی آل بویه می‌باشد که بنیانگذاران آن نیز از این دیار برخاسته‌اند؛ در نوع خود می‌تواند بی‌ربط به این سبک سفال نباشد. نقوش حیواناتی که در این سفالینه‌ها کار شده است، حیوانات تلفیقی با سر اسب و پنجه و دم شیر که روی بدن آن بصورت پولکی نشان و خال‌خالی می‌باشد. در طرحی دیگر حیوانی شبیه شیر و یا احتمالاً سگ از این دست آثار به دست آمده می‌باشد.



شکل (۳-۴)



شکل (۲-۴)

۴-۳-۵ نقوش برگرفته از طبیعت

مقصود از این بخش گل ها و گیاهانی که به همراه نقش محوری سفالینه ها تصویر شده اند. این تزیینات شامل گل های چندپَر و بوته ها که نماد علفزار و بوته زارهای شمال می باشند. این نقوش نقش پرکننده ی فضا را برعهده دارند و هنرمند طراح و سفالگر از آنها برای پرکردن فضای منفی روی سفالینه نقش می کند. رنگ این نقوش را غالباً رنگ سیاه تشکیل می دهد. هنرمند باریک بین در طرح و ساختمانشان از برگ گیاهان و گل ها الهام گرفته است. قریب به یقین بهره گیری از گیاهان در نقوش جامها ارتباطی مستقیم با محیط اطراف و پوشش طبیعی تبرستان (مازندران) دارد.

۴-۳-۶ نقوش ماهی

ماهی در تبرستان به دلیل نزدیکی به دریاچه ی خزر و اینکه بخشی از رزق و روزی مردم جلگه نشین را تامین می نمود از ارزش خاصی برخوردار می باشد. "مادینگی، تولید مثل، غذای مقدس، فراوانی، دریا، دانش، عقل و مغز، همگی جزء باورهای قومی و افسانه‌ای مفهوم ماهی، در اذهان توده‌های انسانی تاریخ از جمله مردمان دریاکناران (منطقه مارلیک و دریای خزر) بوده است". (فروتن، ۱۳۸۲: ۱۲۰)

در اساطیر ایران زمین جمشید پادشاه پیشدادی روش اهلی کردن ماهی را آموخت و نظر به اینکه پیشدادیان به روایت شاهنامه فردوسی، بر تبرستان قدیم حکومت می کردند می تواند در نظر مردمان این سرزمین از اهمیت ویژه ای به سبب دلایل بالا برخوردار باشد. ماهی در سفالینه ی تبرستان در فضای بین دو شاخ بزکوهی نقش شده که این خود بحث اسطوره و نماد را مطرح می نماید که از حد این رساله خارج است. ماهی نیز در این سفالینه ها به صورت مسبک و با نقطه های سفید نقش شده است.

۴-۴-۴ رنگ

۴-۴-۱ رنگ انگوب

سفالگران در این زمان برای اینکه بتوانند با ظروف بدنه سفید چینیان رقابت کنند سطح آن را با لایه ی پوششی سفید رنگ که انگوب نام دارد می پوشاندند. این عمل بیشتر در حالت چرمینه ی سفال انجام پذیرفته تا مواد در درون گل سفال نفوذ نمایند و پس از خشک شدن سفالینه آن را به کوره های پخت منتقل می کنند. این مهم صرفنظر از



رقابت با ظروف بدنه سفید چینی‌ها مزایای ذیل را نیز به همراه داشت: اول اینکه رنگی که به عنوان زیررنگی به کار می‌رود شفافیت و جلای خود را واضح تر می‌نمایاند و دوم نقاشی روی سطح سفید راحت تر و به سهولت انجام می‌گیرد.

۴-۲-۴ رنگ زیررنگی

تکنیک رایج روی سفالینه‌های مازندران قرون چهارم و پنجم هـ ق بیشتر از تکنیک زیررنگی می‌باشد. زیررنگی‌ها به طور عام شامل جوهرهای رنگی، اکسیدهای فلزی و گدازآورها می‌باشند که پس از لایه‌ی پوششی انگوب روی سفال‌ها پیاده می‌شوند. سفالینه‌های مازندران مشهور به زمینه‌ی رنگارنگ هستند که علت آن کاربرد رنگ‌های متنوع در نقاشی روی سفالینه‌ها می‌باشد. رنگ‌های بکاررفته بر روی این نوع سفالینه‌ها شامل قرمز اخراپی، قهوه‌ای، سیاه، زرد، آبی و سبز می‌باشند و به دلیل کاربرد نقطه‌های سفیدرنگ بر روی بدن حیوانات نقاشی شده بر روی زمینه‌ی سفالینه‌ها در نگاه اول چشم را به خود جلب کرده و دلیل اثبات این نوع سفالینه‌ها می‌باشد. دلیل کاربرد زیررنگی‌ها ثبات و پایداری آنها می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که زیررنگی‌ها به دلیل پخت درجه حرارت بالا همانند لعاب درازای تنوع رنگی کمی می‌باشند.

۴-۳-۴ رنگ لعاب پوششی

شیوه‌ی نقاشی زیر لعاب شفاف از همان دوران اولیه‌ی اسلامی مرسوم و سفالگران سوریه در قرن سوم هـ ق با این شیوه آشنا بودند. لعاب شفاف مورد کاربرد بر روی سفالینه‌ها در آن زمان تا قبل از سلجوقی از نوع لعاب سربی بوده و سلجوقیان استفاده از لعاب قلیایی شفاف را در این تکنیک زیررنگی‌ها بکار بردند. لعاب پوششی این نوع سفالینه‌ها از نوع لعاب شفاف و بی‌رنگ بوده است. کاربرد این لعاب‌ها به دلایل عمده‌ی ذیل می‌باشد:

- (الف) لایه‌ی پوششی محافظ بر روی زیررنگی‌ها و حفظ تزیینات بدنه
- (ب) شفاف و بی‌رنگ به دلیل اینکه نقش زیرین نمایان گشته و خود را بهتر بنمایاند.
- (پ) زیباترکردن و تنوع سطح بدنه‌های سرامیکی
- (ت) غیر قابل نفوذ نمودن سطح متخلخل بدنه
- (ث) افزایش مقاومت شیمیایی و مکانیکی



ج) بهداشتی نمودن سطح محصولات سفالی و سرامیکی در همه ی سفالینه های تبرستان قرون چهارم و پنجم ه.ق، رنگ انگوب سفید بوده و از لعاب شفاف و بیرنگ برای پوشش انگوب و نقوش استفاده شده است. و درصد فراوانی رنگ های بکاررفته برای زیررنگی به ترتیب سیاه، قهوه ای، سبز و زرد تشکیل می دهند.

جدول (۱) ویژگی های فنی و تکنیکی

ویژگی	فرمول	توضیحات
بدنه	بدنه رسی $Al_2O_3 \cdot 2SiO_2 \cdot 2H_2O$	خاک رس در درجه حرارت بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ درجه پخته و زینتر می شود و بسته به درجه ی پخت بدنه و میزان ترکیبات آهن به رنگ های قرمز آجری، زرد تیره، نخودی، قهوه ای و نارنجی در می آید.
انگوب	دوغابی از جنس بدنه	به همین دلیل به ظروف لعاب گلی مشهور شده اند.
رنگ نقوش	از رنگ های معدنی و فلزی محیط پیرامون	اخرا: قرمز، سرب: سبز، طلا: زرد، آهن: قهوه ای
لعاب	سربی	خاک رس در درجه حرارت بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ درجه پخته و زینتر می شود و بسته به درجه ی پخت بدنه و میزان ترکیبات آهن به رنگ های قرمز آجری، زرد تیره، نخودی، قهوه ای و نارنجی در می آید.

۴-۵ سفالینه های گبری

از رایج ترین ظروف دوره ی آل بویه به شمار می روند. خمیر ظروف معمولاً قرمز و دارای لعاب گلی غلیظ (انگوب) است که روی آن تزیین به صورت نقش کنده و نقاشی زیر رنگی انجام می شده و سپس توسط لعاب شفاف پوشانده می شده است. "طرح این سفالینه ها اکثراً شامل حیوانات افسانه ای است. احیا و رجعت به بسیاری از



داستان ها و اساطیر ملی و توجه بیش از اندازه به داستان های شاهنامه موجب می شود که تصاویر مرغان افسانه ای، عقاب، شیر و انسان به صورت نقش کنده و برجسته زیر لعاب به وسیله ی سفالگران هنرمند ترسیم و عرضه گردد". (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۶)

ظروف گبری به شکل کاسه و بشقاب تنگ و حتی بعضی اوقات پلاک های سفالین ساخته می شده است. مراکز ساخت این ظروف بیشتر شهرهایی مانند زنجان، گروس، آمل، ساری و جرجان بوده است. (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۵)

جدول (۲) آنالیز رنگ‌های مورد کاربرد در نقاشی روی سفالینه‌های منتخب

ردیف	تصویر	رنگ‌های به کار رفته	ردیف	تصویر	رنگ
۱		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: زرد، قهوه‌ای، سیاه و قرمز	۷		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: قهوه‌ای، سیاه، زرد (عسلی)
۲		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: قرمز، مشکی، زرد	۸		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه:
۳		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: قرمز، سیاه، زرد (عسلی)	۹		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: سیاه، قهوه‌ای
۴		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: قرمز، سیاه، قهوه‌ای و زرد	۱۰		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: زرد، قهوه‌ای و سیاه
۵		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: زرد، سیاه و قهوه‌ای	۱۱		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: زرد، سیاه، سبز و قهوه‌ای
۶		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: زرد، سبز، قهوه‌ای و سیاه	۱۲		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: زرد، سبز، سیاه و قهوه‌ای
۷		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: قرمز، قهوه‌ای و سیاه	۱۳		انگوب: سفید لعاب: شفاف و بی‌رنگ زمینه: سبز، زرد، سیاه و قهوه‌ای

جدول (۳) بررسی نقوش تجریدی

ردیف	تصویر	نام نقش	توضیحات
۱		نقش تجریدی ۱	این نقش مایه به صورت مسبک در سفالینه‌های نوع ساری بکار برده است.
۲		گل پیچکی	نقش مایه گل پیچکی نیز در سفالینه‌های نوع ساری تصویر شده است. فرم پیچش خطوط منحنی حول محور وسط، در نگاه اول شاخ قوچ را تداعی می‌نماید.
۳		درخت	این نقش، تداعی درخت می‌کند که گل و بوته از شاخسار آن آویزان شده‌اند. نقش مکمل در کنار نقوش محوری را دارد.
۴		ترنج، حوض	این نقش مایه غالباً در گرداگرد نقوش محوری و به صورت مکمل آن بکار می‌رود. گاهی در وسط بشقاب تصویر می‌شود که نمایانگر حوض یا برکه‌ی آب می‌تواند باشد.
۵		تپه، کوه	به عنوان نقش پرکننده در اطراف نقش محوری تصویر شده است. شاید تداعی کننده‌ی تپه یا کوه باشد که درختانی در بالای آن به صورت سایه‌ای از فاصله‌ی دور نقش شده باشند.
۶		گل	این نقش استیلیزه شده تداعی یکی از انواع گل‌های شمال باشد که به صورت روبرو تجرید یافته است.
۷		نقش مایه تجریدی ۲	نقش استیلیزه شده و تجریدی تداعی یکی از انواع گل باشد که به صورت روبرو تجرید یافته است.



جدول ۴. بررسی و آنالیز ویژگی‌های ظاهری شکل و فرم و ابعاد و اندازه، طرح و نقش

ابعاد	فرم ظرف	نام نقش	تصویر
قطر دهانه: ۲۴ س.م ارتفاع: ۹ س.م	کاسه	هدهد	
قطر دهانه: ۱۸,۲ س.م	بشقاب	هدهد	
قطر دهانه: ۲۴ س.م ارتفاع: ۷ س.م	بشقاب	طاووس یا خروس	
قطر دهانه: ۲۰,۵ س.م ارتفاع: ۴,۵ س.م	کاسه	تیکا یا کبوتر	
قطر دهانه: ۲۳,۵ س.م ارتفاع: ۸,۵ س.م	کاسه	جوجه	
قطر دهانه: ۲۲,۹ س.م	کاسه	کلاغ یا کبوتر	
قطر دهانه: ۹ س.م ارتفاع: ۳۸,۱ س.م	کوزه	تیکا	

ادامه جدول ۴. بررسی و آنالیز ویژگی‌های ظاهری شکل و فرم و ابعاد و اندازه، طرح و نقش

ابعاد	فرم ظرف	نام نقش	تصویر
قطر دهانه: ۱۸,۵ س.م ارتفاع: ۹ س.م	بشقاب	هدهد	
قطر دهانه: ۲۰,۶ س.م ارتفاع: ۳,۴ س.م	بشقاب	بز یا غزال	
قطر دهانه: --- ارتفاع: -----	بشقاب	بز کوهی	
قطر دهانه: ۱۸,۱ س.م ارتفاع: ۳,۵ س.م	بشقاب	گاو	
قطر دهانه: ۱۵,۵ س.م ارتفاع: ۳۸,۶ س.م	بشقاب	اسب یا شیر	
قطر دهانه: ۱۲,۳ س.م ارتفاع: ۳۱,۸ س.م	بشقاب	شیر یا سگ	



جدول ۵ - تفکیک ویژگی های سفال ساری در یک نگاه کلی

ردیف	ویژگی	تصویر	توضیحات
۱	سفال رنگارنگ		این سبک سفال مربوط به قرن سوم، چهارم و پنجم ه.ق و منطقه ساری می باشد که در آن از رنگ های متنوع و نقوش حیوانی بسیار استفاده می شود.
۲	لعاب گلی		ظروف لعاب گلی نیز خاص قرون سوم، چهارم و پنجم ه.ق و آغاز این سبک از قرن سوم ه.ق می باشد. شامل مناطق مازندران و نیشابور
۳	نقش محوری پرندگان مسبک		غالب نقش های به کار رفته بر روی سفالینه های نوع ساری را پرندگان به ترتیب هدهد، طاووس، کبوتر، جوجه کبوتر، تیگا و تیرنگ تشکیل می دهند که بصورت مسبک بکار می روند.
۴	نقش گاو مازندران		از دیگر نقوش اصلی حیوانی که پس از نقوش پرندگان به کار رفته است، نقوش چهارپایان شامل بزکوهی، غزال و گاو می باشند و به صورت مسبک تصویر شده اند، که در ارتباط با تجربه ی زیست هنرمند می باشند.
۵	نقطه های سفید		ردیف نقطه های سفید کنار هم (مسبک)، از ویژگی های منحصر بفرد سفال نوع ساری در قرون مذکور می باشند.
۶	دوایر با نقطه های دو تا چهار تایی		خال های روی بدن حیوانات که شامل دایره های کوچک که درون آن نقطه های سفیدرنگ در دسته های دوتایی تا چهارتایی می باشند.

ادامه جدول ۵ - تفکیک ویژگی های سفال ساری در یک نگاه کلی




ردیف	ویژگی	تصویر	توضیحات
۷	درخت		نقش مایه‌ی تجریدی درخت که هم به عنوان نقش پرکننده و هم به عنوان نقش اصلی بر روی سفالینه‌ها نقش شده است که از مشخصه‌های سفالینه‌های نوع ساری می‌باشد.
۸	گل		این نقش مایه ی گیاهی تجرید شده که می‌تواند تداعی گل باشد، نیز به عنوان نقش مکمل در کنار نقوش اصلی به کار می‌رود و تصویر شده به صورت مسپک، خاص سفالینه‌های نوع ساری می‌باشد که منبع الهام و استفاده سایر مناطق به دلیل روابط تجاری و فرهنگی شده است.
۹	گل پیچکی		نقش مایه ی پیچک مانند مقابل شبیه شاخ قوچ بوه که تداعی این مفهوم شاید درست نباشد و بیشتر یک نقش گیاهی پیچکی تجرید شده را تداعی کند به حقیقت نزدیکتر است. این نقش نیز به عنوان نقش مکمل در فضای بین درختان استیلیزه شده به کار رفته و خاص سفال نوع ساری می‌باشد.
۱۰	نقش تجریدی ۳		نقش مکمل به عنوان درخت یا گل استیلیزه شده را ایفا نموده و در سفالینه نوع ساری بکار رفته است.
۱۱	کاربرد خط های مقطع و کاربرد خط‌های مقطع و کوتاه به همراه نقطه به رنگ مشکی در لبه‌ی ظرف		خطوط مقطع و بریده‌بریده دور لبه‌های ظروف و یا خط و نقطه به عنوان پرکننده در کنار نقوش اصلی و مکمل به کار می‌رود.

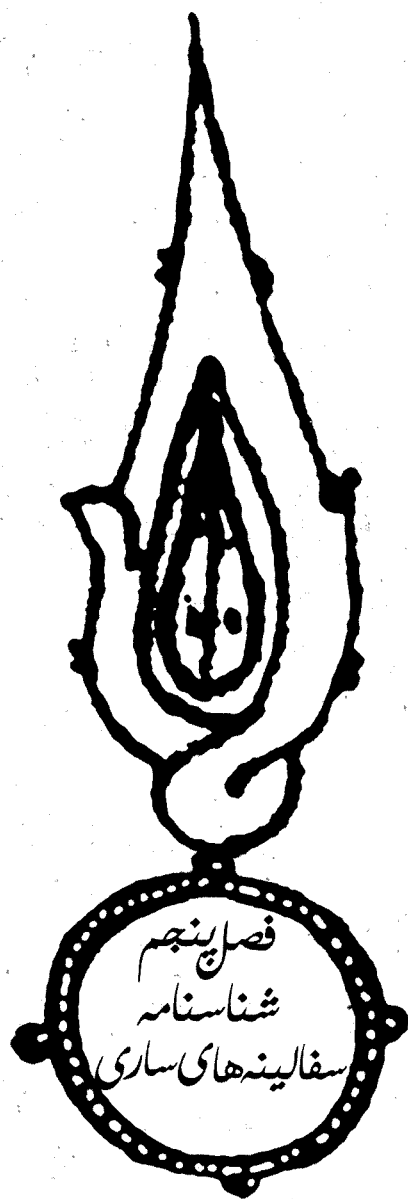


ادامه جدول ۵ - تفکیک ویژگی های سفال ساری در یک نگاه کلی

ردیف	ویژگی	تصویر	توضیحات
۱۲	ترنج یا چشمه‌ی آب		این نقش مایه‌ی زیبا در سفالینه‌های نوع ساری هم در مرکز ظرف به کار رفته که می‌تواند نقش مایه‌ی ترنج و چشمه‌ی آب را تداعی کند و هم در کنار نقوش اصلی به عنوان مکمل به کار رفته است.
۱۳	نقش تجریدی ۴		نقش مایه‌ی مقابل بسیار پیچیده است. که می‌تواند یک کرم خاکی قهوه‌ای رنگ که به دور خود تنیده شده باشد.
۱۴	بوته		ترسیم خطوط بوته‌ها با رنگ مشکی حول نقش محوری و گرداگرد درخت استیلیزه شده بعنوان پرکننده و تداعی‌کننده گل‌های رونده به دور درختان و گل‌های اصلی و دشت پر از گل و طبیعت زیبای مازندران به کار می‌رود.
۱۵	نقش مایه‌ی تجریدی ۳		این نقش نیز به عنوان پرکننده‌ی فضای زمینه‌ی طرح به کار می‌رود و می‌تواند تپه‌ها و کوه‌های اطراف نقش محوری را تداعی نماید.
۱۶	ماهی		نقش ماهی خالدار نیز خاص سفال تیپ ساری بوده که در بین شاخ بزکوهی نقش شده است.
۱۷	گل چندپر مشکی		گل چند پر مشکی که به عنوان نقش پرکننده در گرداگرد نقش اصلی و محوری با بوته همراه است. این نقش مایه نیز در سفال تیپ ساری به چشم می‌خورد.
۱۸	گل چند پر رنگی		گل چندپر رنگی که به عنوان نقش مکمل گرداگرد نقش اصلی در اندازه‌های بزرگتر از گل چندپر رنگی و در هیئت درخت تجریدی تصویر شده است.

ادامه جدول ۵ - تفکیک ویژگی های سفال ساری در یک نگاه کلی

ردیف	ویژگی	تصویر	توضیحات
۱۹	گل چندپر (احتمالا بابونه)		گل چندپر (بابونه) که به عنوان نقش پرکننده در گرداگرد نقش اصلی و با بوته همراه است.
۲۰	گل و بوته		گل و بوته حاصل طبیعت بکر این منطقه می‌باشد و تایید این روایت از محمد طبری که طبرستان سالانه ۵ هزار تخته فرش به خلیفه خراج با نام فرش های «گل و بوته» می‌داد.
۲۱	طوق		این نقش بر گردن پرندگان سفالینه‌های تیپ ساری آویزان می‌باشد که می‌تواند دلیلی بر مرغ سلیمان بودن این پرنده‌ها را تایید کند.



فصل پنجم
شناسنامه
سفالینه‌های ساری

تصویر (۱)



نام اثر : کاسه با نقش شیر
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : ایران، مازندران
 ابعاد : ارتفاع: ۱۵,۵ س.م - قطر دهانه: ۳۸,۶ س.م
 محل نگهداری : مجموعه خصوصی ناصر خلیلی
 شماره اثر : Pot ۱۱۴
 منبع اثر : گروه، ۱۳۸۴: ۱۰۱
 رنگ : سبز، قهوه ای، اکر، عسلی و سیاه



تصویر (۲)



نام اثر : کاسه با نقش احتمالا سگ
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : ایران، مازندران
 ابعاد : ارتفاع: ۱۲,۳ س.م - قطر دهانه: ۳۱,۸ س.م
 محل نگهداری : مجموعه خصوصی ناصر خلیلی
 شماره اثر : Pot ۱۱۵
 منبع اثر : گروبه، ۱۳۸۴: ۱۰۱
 رنگ : قهوه ای، اکر، عسلی و سیاه

تصویر (۳)



نام اثر : سفال با طرح گاو و پرنده

فرم اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۹,۵ س.م - قطر دهانه: ۲۲ س.م

محل نگهداری : Huntington museum of art

شماره اثر : ۲۰۰۰, ۱۰, ۳۵

منبع اثر : مجموعه خصوصی Joseph and Omayma Touma

رنگ : قهوه ای، اکر و سیاه



تصویر (۴)



نام اثر : سفال با طرح تلفیقی (احتمالا پلنگ)

فرم اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، شمال ایران

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۹,۵ س.م - قطر دهانه: ۲۲ س.م

محل نگهداری : موزه هنر سان فرانسیسکو

شماره اثر : B۶۰P۴۷۶

منبع اثر : موزه هنر سان فرانسیسکو

رنگ : قهوه ای، عسلی، اکر و سیاه

تصویر (۵)



نام اثر : بشقاب با طرح گاو

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۳,۵ س.م - قطر دهانه: ۱,۱۵ س.م

محل نگهداری : مجموعه خصوصی ناصر خلیلی

شماره اثر : Pot ۱۱۰

منبع اثر : گروبه، ۱۳۸۴: ۹۹

رنگ : قرمز قهوه ای و سیاه



تصویر (۶)



نام اثر : بشقاب با طرح غزال

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۳،۴ س.م - قطر دهانه: ۲۰،۶ س.م

محل نگهداری : مجموعه نخست وزیری

شماره اثر : ۷۱۲

منبع اثر : کیانی، ۱۳۵۷: ۱۵۸

رنگ : قرمز قهوه ای، اکر، عسلی و سیاه

تصویر (۷)



نام اثر : کاسه با نقش بز کوهی

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : در منبع ذکر نشده است.

محل نگهداری : موزه تهران

شماره اثر : در منبع ذکر نشده است.

منبع اثر : کیانی، ۱۳۸۰: ۷

رنگ : تصویر رنگی به دست نیامد



تصویر (۸)



نام اثر : کاسه با گل های انتزاعی

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع ۵٫۶ س.م - قطر دهانه: ۱۸٫۵ س.م

محل نگهداری : موزه طاروق رجب

شماره اثر : Cer۱۴۲tsr

منبع اثر : ۲۰۰۰:۵۹ Fehervari

رنگ : قرمز قهوه ای و سیاه

تصویر (۹)



نام اثر : بشقاب با گل ها و درختان انتزاعی

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : گنبد

ابعاد : نامشخص

محل نگهداری : موزه مردم شناسی بابل

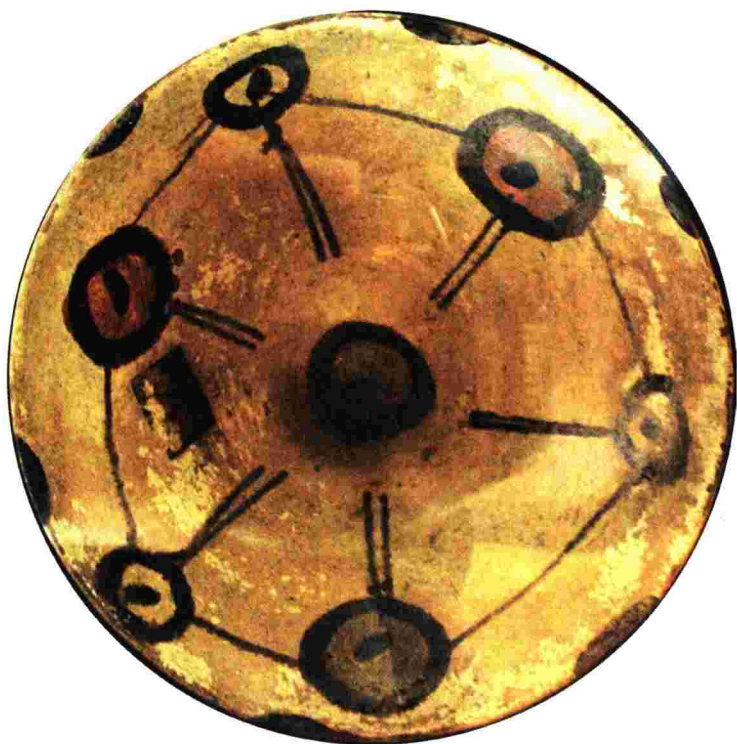
شماره اثر : نامشخص

منبع اثر : نگارنده، ۱۳۹۰

رنگ : سبز زیتونی، قرمز قهوه ای و سیاه



تصویر (۱۰)



- نام اثر : بشقاب
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم هـ.ق
 محل کشف : ایران، مازندران
 ابعاد : نامشخص
 محل نگهداری : موزه تاریخ آمل
 شماره اثر : نامشخص
 منبع اثر : نگارنده، ۱۳۹۱
 رنگ : سبز زیتونی، قرمز قهوه ای و سیاه

تصویر (۱۱)



- نام اثر : بشقاب
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم هـ.ق
 محل کشف : گنبد
 ابعاد : نامشخص
 محل نگهداری : موزه تاریخ آمل
 شماره اثر : نامشخص
 منبع اثر : نگارنده، ۱۳۹۱
 رنگ : قرمز قهوه ای، سیاه و سبز زیتونی



تصویر (۱۲)



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : نامشخص

محل نگهداری : موزه آمل

شماره اثر : نامشخص

منبع اثر : نگارنده، ۱۳۹۱

رنگ : سبز زیتونی، قرمز قهوه ای، اکر و سیاه



نام اثر : کاسه با نقش گل های انتزاعی

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : نامشخص

محل نگهداری : موزه تاریخ آمل

شماره اثر : نامشخص

منبع اثر : نگارنده، ۱۳۹۱

رنگ : سبز زیتونی و سیاه



تصویر ۱۴



نام اثر : کاسه با نقش گل های انتزاعی

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۸ س.م - قطر دهانه: ۲۱,۵ س.م

محل نگهداری : London, South Kensington

شماره اثر : ۵۴۹۹

منبع اثر : www.pinterest.com

رنگ : سبز زیتونی، قرمز قهوه ای، سفید و سیاه



نام اثر : کاسه با نقوش گل های انتزاعی

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه. ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۸ س.م - حداکثر قطر: ۲۱ س.م

محل نگهداری : موزه لوور پاریس

شماره اثر : نامشخص

منبع اثر : <http://raeeka.wordpress.com>

رنگ : عسلی، قرمز قهوه ای، سفید و سیاه

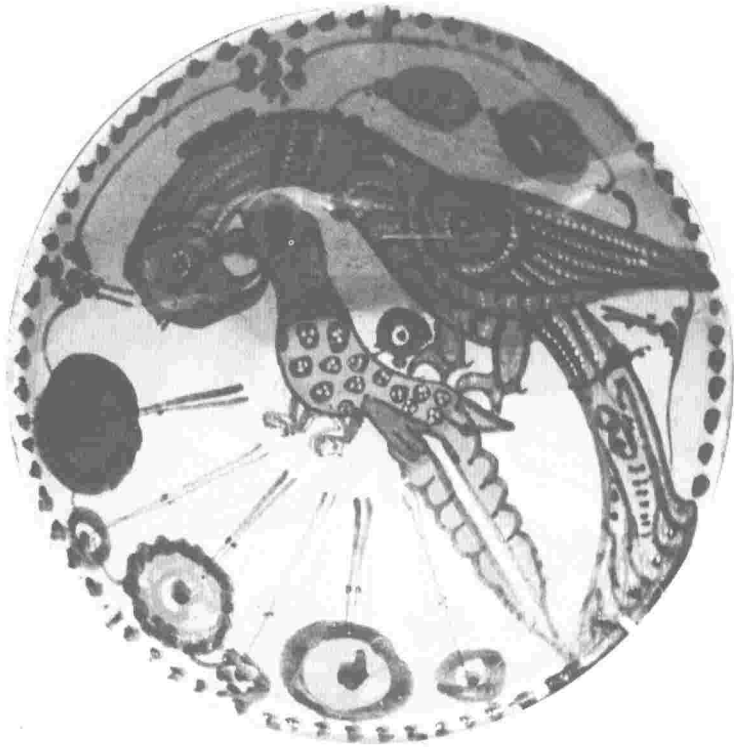


تصویر ۱۶



- نام اثر : کاسه با نقش دو پرنده
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، احتمالا نیشابور
 تاریخ ساخت : چهارم ه.ق
 محل کشف : شمال ایران یا احتمالا نیشابور
 ابعاد : قطر دهانه: ۲۲ س.م
 محل نگهداری : Mr. A. Dajan, London
 شماره اثر: ۲۳,۲۰۳۰۲
 منبع اثر : Mr. A. Dajan, London
 رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه

تصویر ۱۷



نام اثر : کاسه با نقش دو پرنده

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع: ۹,۵ س.م - قطر دهانه: ۱۶,۷ س.م

محل نگهداری : موزه هنر سان فرانسیسکو

شماره اثر: B۶۰P۱۸۵۴

منبع اثر : موزه هنر سان فرانسیسکو

رنگ : عسلی، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۱۸



نام اثر : کوزه با طرح پرنده و گل

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۱۸,۵ س.م - حد اکثر قطر: ۷,۲ س.م

محل نگهداری : مجموعه خصوصی ناصر خلیلی

شماره اثر : ۱۱۲ Pot

منبع اثر : گروه، ۱۳۸۴: ۱۰۰

رنگ : سبز، قهوه ای، عسلی و سیاه

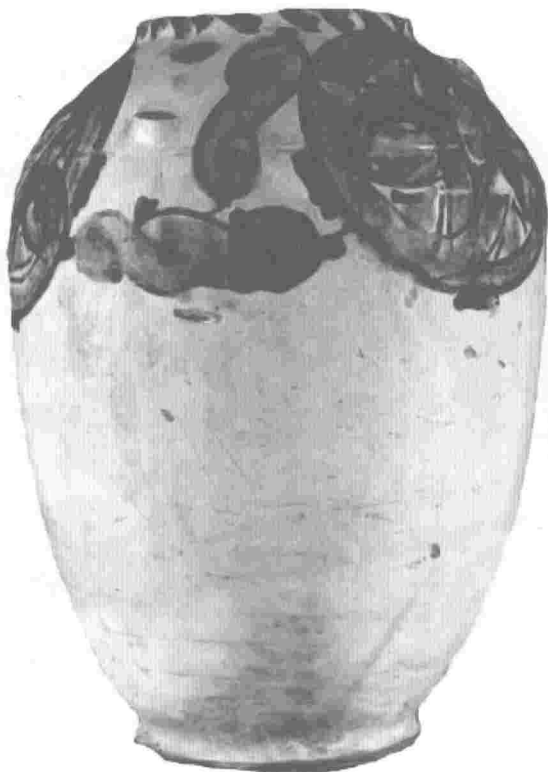
تصویر ۱۹



- نام اثر : کوزه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : نیشابور
 ابعاد : ارتفاع: ۳۰،۵ س.م
 محل نگهداری : گالری برکت، مجموعه هنر اسلامی
 شماره اثر : ۴۱۸۶۲۱۹
 منبع اثر : گالری برکت، مجموعه هنر اسلامی
 رنگ : سبز، قرمز، سفید و سیاه



تصویر ۲۰



نام اثر : کوزه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۳۰,۵ س.م

محل نگهداری : Islamic art / www.pinterest.com

شماره اثر : ۱۵۴-۱

منبع اثر : www.pinterest.com

رنگ : سبز، قرمز قهوه ای و سیاه

تصویر ۲۱



- نام اثر : کاسه با نقش جوجه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم ه.ق
 محل کشف : شمال ایران
 ابعاد : ارتفاع: ۱۰,۵ س.م - قطر دهانه: ۲۳,۷ س.م
 محل نگهداری : مجموعه خلیلی
 شماره اثر : Pot ۱۱۱
 منبع اثر : ناصر خلیلی، ۱۳۸۴: ۹۹
 رنگ : زرد، سیاه و سفید



تصویر ۲۲



نام اثر : کاسه با نقش جوجه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : نامشخص

محل نگهداری : JAYNE SHATZ POTTERY

شماره اثر : ۲۰۰۷ Jayne E. Shatz

منبع اثر : www.jayneshatzpottery.com

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه



نام اثر : کاسه با نقش پرنده

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۹,۵ س.م - حد اکثر قطر: ۲۲,۹ س.م

محل نگهداری : موزه هنر آسیایی سان فرانسیسکو

شماره اثر : ۴۲۰۰۳,۳۴,۲۴

منبع اثر : موزه هنر آسیایی سان فرانسیسکو

رنگ : عسلی، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۲۴



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۸,۹ س.م - حد اکثر قطر: ۱۶,۵ س.م

محل نگهداری : موزه هنر آسیایی سان فرانسیسکو

شماره اثر : B۶۰P۱۸۸۵

منبع اثر : موزه هنر آسیایی سان فرانسیسکو

رنگ : عسلی، قهوه ای، سفید و سیاه



نام اثر : بشقاب

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۹ س.م - قطر دهانه: ۳۸,۱ س.م

محل نگهداری : مجموعه خلیلی

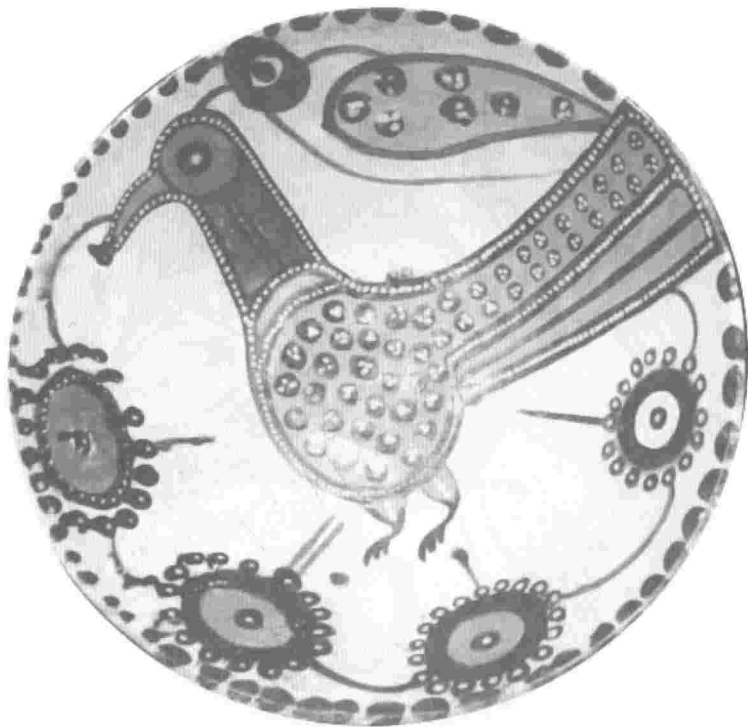
شماره اثر : Pot ۱۱۳

منبع اثر : گروه، ۱۳۸۴: ۱۰۰

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه



تصویر ۲۶



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

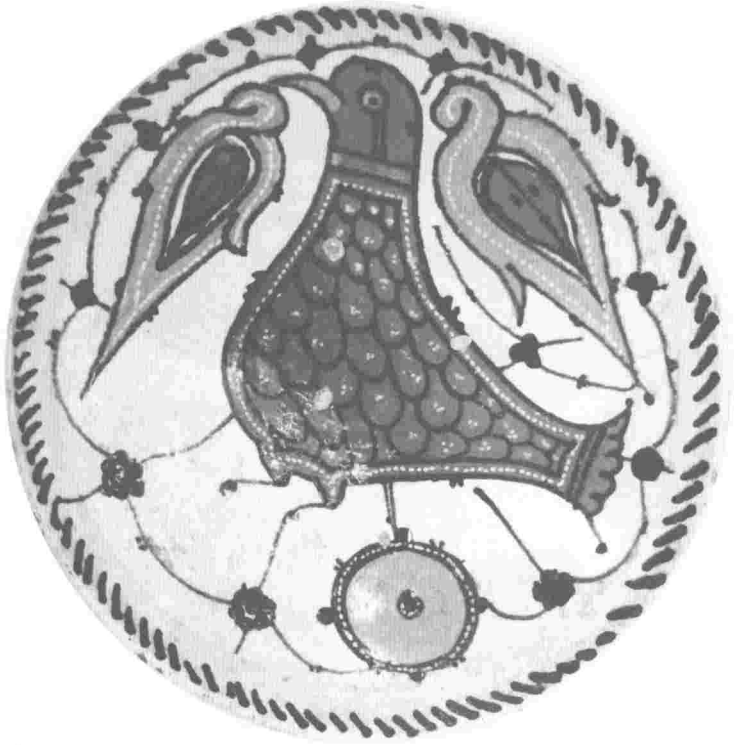
ابعاد : ارتفاع: ۷,۶ س.م- حد اکثر قطر: ۱۹,۳ س.م

محل نگهداری : Islamic Art , barakatgallery

شماره اثر : AMD.۵۱

منبع اثر : www.barakatgallery.com

رنگ : عسلی، سبز، قرمز، سفید و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع: ۴,۵ س.م - قطر دهانه: ۲۰,۵ س.م

محل نگهداری : مجموعه خصوصی مایکل میلان

شماره اثر : P ۶۵

منبع اثر : ۱۹۹۷,۶۵, Manners

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه



تصویر ۲۸



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع: ۷,۵ س.م - قطر دهانه: ۱۹ س.م

محل نگهداری : موزه ایران باستان، تهران

شماره اثر : ۲۲۰۸۷

منبع اثر : کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۱۱۹

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه

تصویر ۲۹



- نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : شمال ایران
 ابعاد : ارتفاع: ۷,۶ س.م - قطر دهانه: ۱۹,۱ س.م
 محل نگهداری : موزه ایران باستان
 شماره اثر : نامشخص
 منبع اثر : موزه ایران باستان
 رنگ : قهوه ای، قرمز، سفید و سیاه



تصویر ۳۰



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم هـ.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع: ۷,۳ س.م

محل نگهداری : لندن

شماره اثر : ۳۶

منبع اثر : www.christies.com

رنگ : عسلی، سبز، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه

تصویر ۳۱



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع: ۹ س.م - قطر دهانه: ۱۹ س.م

محل نگهداری : مجموعه دیوید، گینهاگن، دانمارک

شماره اثر : Inv. no ۹/۱۹۶۴

منبع اثر : www.davidmus.dk/en/collections/islamic/

materials/ceramics

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه



تصویر ۳۲



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران، ساری

ابعاد : ارتفاع: ۸,۴ س.م

محل نگهداری : موزه رضا عباسی

شماره اثر : ۲۳۲

منبع اثر : موزه رضا عباسی، ردیف ۴۲۹

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه



نام اثر: کاسه

جنس اثر: سفال

محل ساخت: ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت: چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف: شمال ایران

ابعاد: ارتفاع: ۹ س.م - قطر دهانه: ۲۴ س.م

محل نگهداری: موزه هنرهای ملی ایران

شماره اثر: ۸۲۱۴

منبع اثر: موزه هنرهای ملی ایران

رنگ: عسلی، قرمز، سفید و سیاه



تصویر ۳۴



نام اثر : بشقاب با نقش پرنده

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم هـ.ق

محل کشف : ایران، مازندران

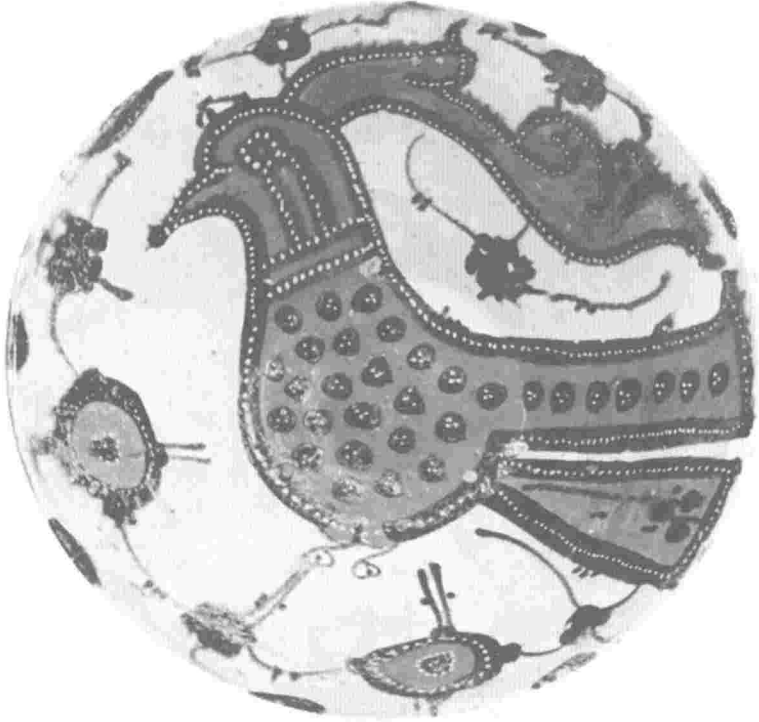
ابعاد : ارتفاع: ۹ س.م - قطر دهانه: ۱۸,۲ س.م

محل نگهداری : توکیو

شماره اثر : در منبع ذکر نشده است

منبع اثر : کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۵۶۸

رنگ : عسلی، قرمز، سفید و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع ۷,۹ س.م - قطر دهانه: ۱۹,۷ س.م

محل نگهداری : موزه مترو پولیتن

شماره اثر : ۵۸,۹۱

منبع اثر : موزه مترو پولیتن

رنگ : عسلی، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۳۶



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال نخودی

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع ۷,۹ س.م - قطر دهانه: ۳۰ س.م

محل نگهداری : گالری برکت، انگلستان

شماره اثر : LK.۱۱۵

منبع اثر : گالری برکت، انگلستان

رنگ : سبز زیتونی، قرمز، سبز، سفید و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : بابل

ابعاد : ارتفاع ۹,۸ س.م - قطر دهانه: ۳۳,۲ س.م

محل نگهداری : موزه مردم شناسی بابل

شماره اثر : ۵۴,۱۵۲,۱

منبع اثر : موزه مردم شناسی بابل

رنگ : سبز زیتونی، قهوه ای و سیاه



تصویر ۳۸



نام اثر : بشقاب

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۸٫۸ س.م - قطر دهانه: ۲۹٫۲ س.م

محل نگهداری : موزه هنرهای شرقی تورین

شماره اثر : x-xi_sec

منبع اثر : Wikipedia

رنگ : سبز زیتونی، سیاه و قرمز قهوه ای



- نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : اهدایی توسط آلن بارلو
 ابعاد : ارتفاع ۷,۱ س.م - قطر دهانه: ۱۸,۸ س.م
 محل نگهداری : مجموعه بارلو بارت، لندن
 شماره اثر : . ۱۹۵۶-۱۶ C
 منبع اثر : مجموعه بارلو بارت، لندن
 رنگ : سبز زیتونی، قرمزقهوه ای، سیاه و سفید



تصویر ۴۰



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران (احتمالا)

ابعاد : نامشخص

محل نگهداری : نامشخص

شماره اثر : ۱۹۲۶۳۴

منبع اثر : مجموعه بارلو بارت، لندن

رنگ : تصویر سیاه و سفید دریافت شد.



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : میراث از آقا و خانم لستر ولف

ابعاد : ارتفاع: ۱۰٫۶ م. - قطر دهانه: ۲۹٫۵ م.س

محل نگهداری : مجموعه خصوصی در پاریس

شماره اثر : pl ۳۶

منبع اثر : مجموعه خصوصی در پاریس

رنگ : عسلی، سبز، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۴۲



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع: ۱۲,۱ س.م - قطر دهانه: ۲۵,۴ س.م

محل نگهداری : موزه مترو پولیتن

شماره اثر : ۲۷,۱۳,۳

منبع اثر : هدیه از طرف ادوارد C. و مور جونیور در ۱۹۲۷

رنگ : عسلی، سبز، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



- نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : سوم و چهارم ه.ق
 محل کشف : شمال ایران
 ابعاد : ارتفاع ۹ س.م - قطر دهانه: ۲۴ س. م
 محل نگهداری : موزه هنرهای ملی ایران
 شماره اثر : ۸۴۱۲
 منبع اثر : کیانی، ۱۳۸۰: ۱۸۷
 رنگ : عسلی، سبز، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۴۴



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : قطر دهانه: ۱۷,۴ س.م - ارتفاع: ۶,۵ س.م

محل نگهداری : مجموعه خصوصی UK

شماره اثر: LNS ۲۸۷ C

منبع اثر : Watson. ۲۰۰۴. ۲۴۳

رنگ : سبز، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه

تصویر ۴۵



نام اثر : بشقاب

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه. ق

محل کشف : اهدایی جوان پالتوسکی

ابعاد : ارتفاع: ۳۵، ۳۵ م. - قطر دهانه: ۱۷، ۴۶ س. م

محل نگهداری : موزه هنر لوس آنجلس، مجموعه هیبر مانک

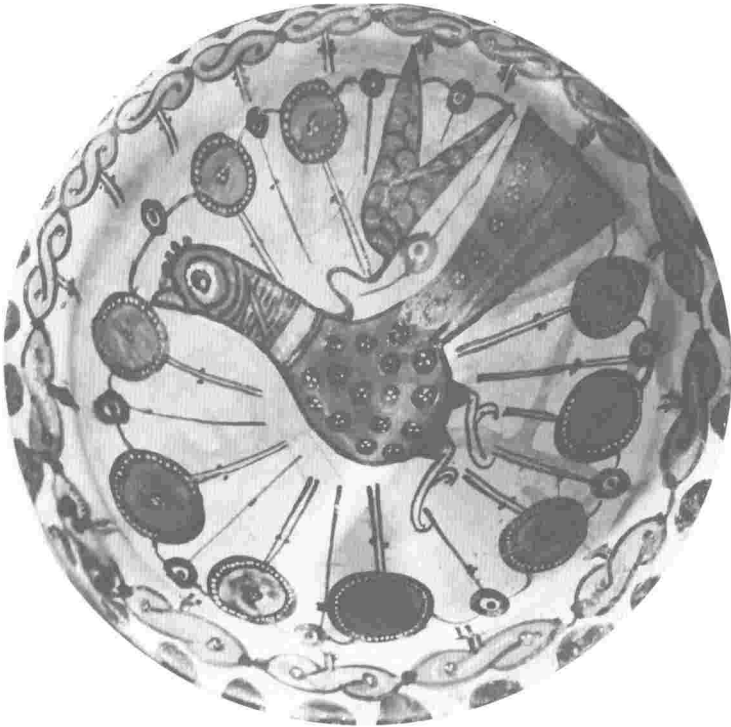
شماره اثر : M.۷۳,۵,۱۴۴

منبع اثر : <http://collections.lacma.org>

رنگ : عسلی، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۴۶



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : نامعلوم

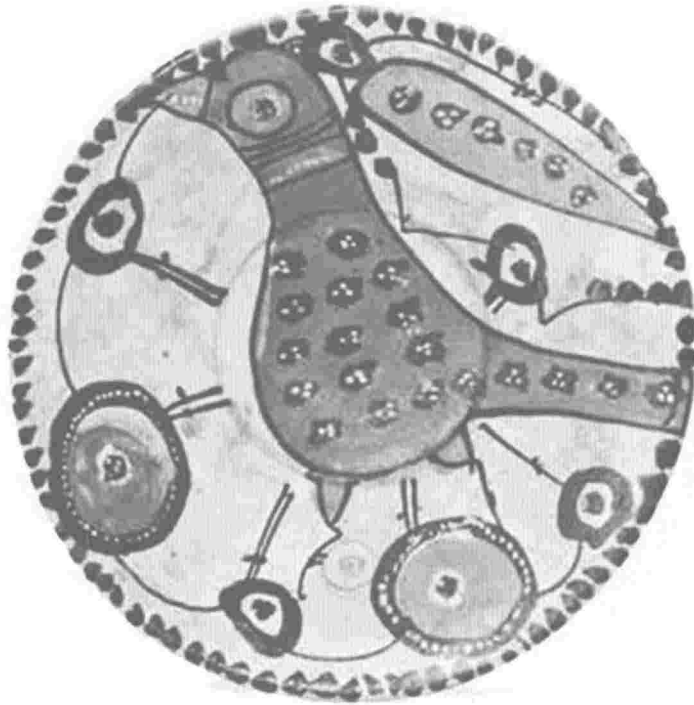
محل نگهداری : موزه هنرهای مردمی شرقی، رم

شماره اثر : x-xi sec

منبع اثر : ویکی مدیا

رنگ : سبز، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه

تصویر ۴۷



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : قطر دهانه: ۲۸ س.م

محل نگهداری : مجموعه خصوصی UK، لندن

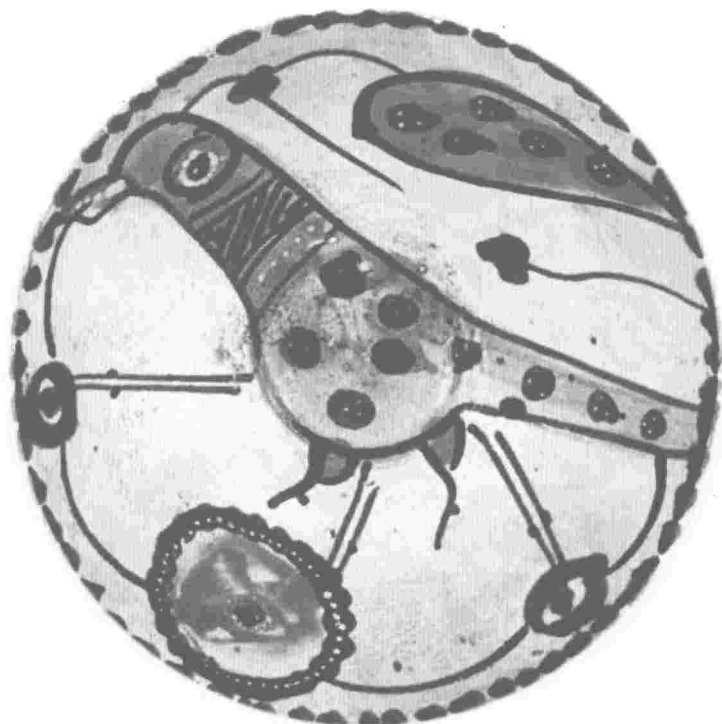
شماره اثر : ۵۴۷۹۵۵۲

منبع اثر : www.christies.com

رنگ : عسلی، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۴۸



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع ۷,۷ س.م - قطر دهانه: ۱۹,۲ س.م

محل نگهداری : موزه دانشگاه پنسیلوانیا

شماره اثر : ۷-۵-۵۹

منبع اثر : موزه دانشگاه پنسیلوانیا

رنگ : عسلی، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع ۷ س.م - قطر دهانه: ۱۹,۸ س.م

محل نگهداری : موزه هنر سین سیناتی

شماره اثر : DSC۰۴۱۸۸

منبع اثر : ویکی مدیا

رنگ : عسلی، قرمز قهوه ای و سیاه



تصویر ۵۰



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع ۶،۹ م.س - قطر دهانه: ۱،۱۹ م.س

محل نگهداری : Islamic Art Style, pinterest

شماره اثر : AMD.۵۰

منبع اثر : www.pinterest.com

رنگ : سبز زیتونی، قرمز قهوه ای، سفید و سیاه

تصویر ۵۱



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم هـ.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : ارتفاع ۷ س.م - قطر دهانه: ۲۴ س.م

محل نگهداری : موزه طاروق رجب

شماره اثر : Cer۹۶tsr

منبع اثر : Fehervari, ۲۰۰۰: ۵۹

رنگ : عسلی، قرمز، قهوه ای، سفید و سیاه



تصویر ۵۲



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۷,۷۵ س.م - قطر دهانه: ۱۹ س.م

محل نگهداری : موزه طارق رجب، کویت

شماره اثر : ۱۲۰-۱۹۵۶

منبع اثر : شایسته فر، ۱۳۸۷: ۲۷

رنگ : سبز، قهوه ای، ارغوانی و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۷ س.م - قطر دهانه: ۱۶,۵ س.م

محل نگهداری : موزه بروکلین

شماره اثر : ۸۶,۲۲۷,۲

منبع اثر : موزه بروکلین

رنگ : سبز، قهوه ای، ارغوانی و سیاه



تصویر ۵۴



- نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : شمال ایران
 ابعاد : قطر دهانه ۲۲,۹ س.م
 محل نگهداری : Collection lewisohn
 شماره اثر : ۵۵k
 منبع اثر : پوپ، ۲۰۰۵: ۶۲۱
 رنگ : سبز، عسلی و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

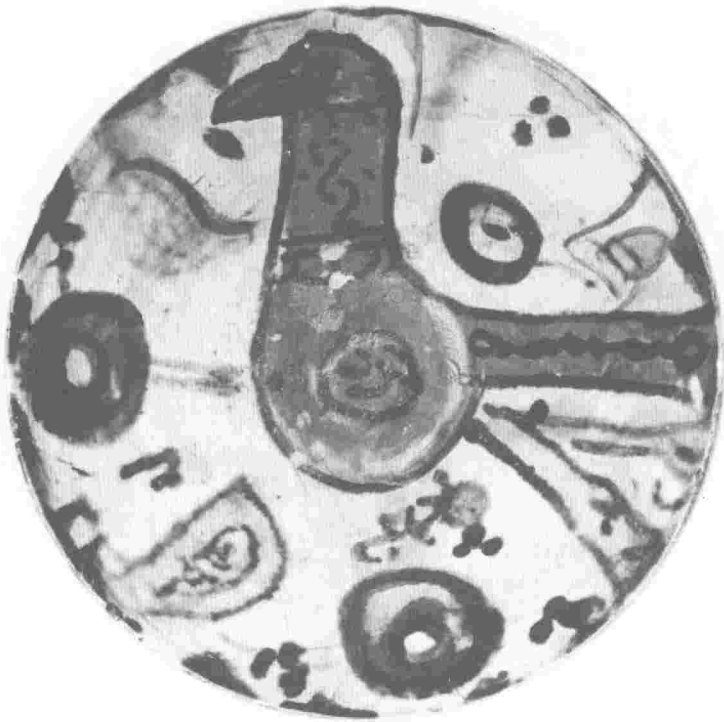
ابعاد : ارتفاع: ۷,۳ س.م - قطر دهانه: ۱۶,۵ س.م

محل نگهداری Rachel Davis Fine Arts

شماره اثر : ۱-۲-۸۲۹۴۶۶۷

منبع اثر : Rachel Davis Fine Arts

رنگ : سبز، قرمز، قهوه ای و سیاه



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۳، ۷ س.م - عمق: ۱ س.م

محل نگهداری : Brooklyn Museum

شماره اثر : ۷۳، ۳۰، ۲

منبع اثر : Brooklyn Museum

رنگ : سبز، قرمز و سیاه

تصویر ۵۷



- نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق
 محل کشف : شمال ایران
 ابعاد : ارتفاع: ۷ س.م - قطر دهانه: ۱۶,۵ س.م
 محل نگهداری : موزه شیراز
 شماره اثر : ۸۶,۲۲۷,۲
 منبع اثر : موزه شیراز
 رنگ : سبز، قرمز و سیاه



تصویر ۵۸



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : ارتفاع: ۷ س.م - قطر دهانه: ۱۷,۷ س.م

محل نگهداری : Fehervari, geza

شماره اثر : Cer۱۳۹tsr

منبع اثر : Fehervari, ۲۰۰۰, ۶۰

رنگ : سیاه و قرمز قهوه ای



- نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم هـ.ق
 محل کشف : ایران، مازندران
 ابعاد : ارتفاع: ۸ س.م - قطر دهانه: ۲۱,۵ س.م
 محل نگهداری : موزه ایران باستان
 شماره اثر : ۲۰۹۰۷
 منبع اثر : کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۲۱
 رنگ : سیاه و قهوه ای



تصویر ۶۰



نام اثر : کاسه
 جنس اثر : سفال نخودی
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم ه.ق
 محل کشف : ایران، مازندران
 ابعاد : ارتفاع: ۶,۴ س.م - قطر دهانه: ۱۸ س.م
 محل نگهداری : گالری برکت، مجموعه هنر اسلامی
 شماره اثر : AMD.۴۹
 منبع اثر : گالری برکت، مجموعه هنر اسلامی
 رنگ : قرمز، قهوه ای، سیاه و سبز

تصویر ۶۱



- نام اثر : بشقاب
 جنس اثر : سفال
 محل ساخت : ایران، مازندران، ساری
 تاریخ ساخت : چهارم هـ.ق
 محل کشف : ایران، مازندران
 ابعاد : ارتفاع: ۵ س.م - قطر دهانه: ۲۲ س.م
 محل نگهداری : موزه ایران باستان
 شماره اثر : ۶۹۶
 منبع اثر : کیانی، ۱۳۵۷: ۱۶۰
 رنگ : قرمز، قهوه ای، سبز و سیاه



تصویر ۶۲



نام اثر : کاسه

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری

تاریخ ساخت : چهارم و پنجم ه.ق

محل کشف : شمال ایران

ابعاد : نامشخص

محل نگهداری : موزه کندلوس

شماره اثر : نامشخص

منبع اثر : موزه کندلوس

رنگ : سبز زیتونی، قرمز قهوه ای، سفید و سیاه

تصویر ۶۳



نام اثر : کاسه با تصویر پرنده و نوشته

جنس اثر : سفال

محل ساخت : ایران، مازندران، ساری (احتمالا)

تاریخ ساخت : چهارم ه.ق

محل کشف : ایران، مازندران

ابعاد : قطر دهانه: قطر ۲۸ س.م

محل نگهداری : موزه فرانکفورت، موزه هنرهای دستی

شماره اثر : نامشخص

منبع اثر : آریان پور، ۵۵: ۲۴

رنگ : تصویر بصورت سیاه و سفید دریافت شد.



حرف آخر

سفالینه های تیپ ساری در قرون سوم تا پنجم هـ.ق، سبکی خاص و منحصر به فرد در ایران و جهان می باشند. وجود پرندگان که در راس آن هدهد قرار دارد، خروس، طاووس و کبوتر، زیبایی آن را دوچندان کرده است. استفاده از رنگ های متنوع که متناسب با نوع توتم و پوشش گیاهی منطقه به کار رفته است. می توان چنین بیان نمود که سفالگری در تبرستان در حدود قرون سوم تا پنجم هـ.ق بر پایه تجربه زیست هنرمند سفالگر نیز شکل گرفته است.

نتایج حاصله در موارد ذیل خلاصه و جمع بندی شده است:

- سفالینه های تبرستان قرون سوم تا پنجم هـ.ق، سبکی خاص در سفالگری ایرانی به نام سفالینه های لعاب گلی با نقوش رنگارنگ روی زمینه سفید داشته که به سفال تیپ ساری مشهور می باشند.
- نقوش سفالینه های تیپ ساری قرون سوم تا پنجم هـ.ق، مطابق نوع پوشش گیاهی، فرهنگ و آداب و رسوم و توتم مردم این سرزمین می باشد. که به ترتیب شامل رنگ های سیاه، قرمز، ارغوانی، قهوه ای، قرمز، زرد، سبز و سبز زیتونی می باشند.



- سفال تیپ ساری در قرون مذکور، جزو سفالینه های بدنه رسی، از نوع رس قرمز و نخودی بوده که سفالگر دانا با پوششی از انگوب از جنس خود بدنه، زمینه را برای هرچه بهتر طراحی کردن آماده کرده است. می توان گمانه زد که سفالینه های قرمز در منطقه ساری و سفالینه های نخودی در سایر شهرها و مناطق اطراف ساری تولید شده اند.
- غالب نقش ها را پرندگان و در کنار آنها چهارپایان تشکیل داده که هریک به نوعی در ارتباط با تجربه زیست هنرمند است. آنچه جالب توجه است در سفالینه های با نقوش پرندگان، سایر نقوش مکمل، از دید یک پرنده که نقش محوری داشته، می باشد. و این مهم خاص منطقه ساری می باشد.
- در برخی منابع در ذیل سفال های تبرستان، نام نیشابور آمده که با توجه به آنالیز و تجزیه و تحلیل نگارنده و توجه به جزییات ریزتر در نقش، طرح، رنگ، نوع لعاب و تکنیک در سفالینه های مورد بحث، به اشتباه درج شده و این سفالینه ها تیپ ساری بوده و در طبقه بندی سفالینه ها، در این دسته قرار می گیرد خواه در ساری تولید و یا سایر شهرها تقلید و ساخته شده باشند.
- این کتاب حاصل حدود شش سال پژوهش مولف می باشد که خود آغازی در این راه می باشد، سعی بر این بود تا سفالینه های نوع ساری از موزه ها و مجموعه های ایرانی و خارج از ایران گردآوری و مورد بررسی قرار گرفته و سپس دسته بندی و در قالب یک مجموعه واحد و مرجع با تکیه بر مصاحبه، مشاهدات و منابع کتابخانه ای تدوین گردد. امید نگارنده بر این است تا با حمایت های سازمان های مربوط و همت پژوهشگران گامی بیشتر و فراتر در این مسیر برداشته شود.



منابع

- آلن، جیمز ویلسن، ۱۳۸۷، سفالگری در خاورمیانه از آغاز دوره ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد، شایسته فر، مهناز، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران
- آملی، مولانا اولیاء الله، ۱۳۴۸، تاریخ رویان، دکتر منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- ا. آ. گرانوسکی - م. آ. داندامایو، ۱۳۸۵، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، مترجم، کیخسرو کشاورزی، مروارید
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۴۴، ترجمه عباس خلیلی، به تصحیح مهیار خلیلی، ج ۹، شرکت سهامی، بی تا، تهران
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۸۱، الکامل، ترجمه حمید آذیر، ج اول، ج ۸، انتشارات اساطیر، تهران
- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن، ۱۳۲۰، تاریخ طبرستان، عباس اقبال، ج ۱ و ۲، کتابخانه ی خاور، تهران
- ابن حوقل، ۱۳۴۲، صوره الارض، جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ابن خلدون، ۱۳۶۴، تاریخ ابن خلدون، ترجمه آیتی، ج اول، ج ۲، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران
- ابن فقیه، ۱۳۴۹، مختصر البلدان، ترجمه ح. مسعود، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- ابن قتیبه، ۱۳۴۰، ادب الکاتب، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- ابوالفداء قزوینی، ۱۳۴۹، تقویم البلدان، عبدالحمید آیتی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم، ۱۳۴۰، المسالك والممالک، ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- اعتضاد السلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۱۱ ه.ق، التدوین فی احوال جبال شروین، دارالطباعة دوستی، تهران
- اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۶: دانشنامه مزدیسنا: واژه نامه توضیحی آیین زرتشت، چاپ اول، تهران، نشر مرکز
- بحرانی، محمدحسین، ۱۳۷۰، در قلمرو مازندران - مجموعه مقالات اقلیم، انسان و فعالیت در

استان مازندران

- برزگر، اردشیر، ۱۳۲۹، تاریخ تبرستان پیش از اسلام، ج ۱، وزارت فرهنگ تهران
- بوسورث، کلیفورد ادموند، ۱۳۴۹، سلسله های اسلامی، فریدون بدره ای، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- بیات، عزیزالله، تاریخ تطبیقی ایران با سایر کشورهای جهان، نشر سپهر، چ دوم، ۱۳۸۴، تهران
- توحیدی، فائق، ۱۳۷۹، فن و هنر سفالگری، تهران، سمت
- ج. گروه، ارنست، ۱۳۸۴، سفال اسلامی (مجموعه ناصرخلیلی)، فرناز حائری، کارنگ، تهران
- جی. آ. بویل، تاریخ ایران کمبریج، ج پنجم، انتشارات امیر کبیر، تهران
- حجاری کناری، سیدحسین، ۱۳۷۲، نام های باستانی مازندران، روشنگران، تهران
- حکیمیان، ابوالفتح، ۱۳۴۸، علویان تبرستان (تحقیق در احوال و آثار و عقاید فرقه ی زیدیه در ایران)، انتشارات دانشگاه تهران
- حموی، یاقوت، ۱۳۸۰، معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، نشر سازمان میراث فرهنگی، ج ۳
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، ۱۳۳۳ش، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۱ و ۲، کتابخانه ی خیام، تهران
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران (موسسه لغتنامه دهخدا)، ج ۱۸
- ذکاء، یحیی، ۱۳۵۲، کاروند کسروی - مجموعه ۸۷ رساله و گفتار از احمد کسروی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی
- رابینو، یاسنت لویی، ۱۳۸۳، تاریخ مازندران و استرآباد، غلامعلی وحید مازندرانی، چ ۴، انتشارات علمی و فرهنگی
- رفیعی، لیلیا، ۱۳۸۷، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران، یساولی
- ریاحی، وحید، ۱۳۸۰، مازندران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
- زیدان، جرجی، ۱۳۴۵، تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، تهران
- سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران (۲ ج)، سید محمدتقی فخرداعی گیلانی
- ستوده، دکتر منوچهر، ۱۳۴۹، از آستارا تا استرآباد، ج ۱، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران
- شایان، عباس، ۱۳۳۶، مازندران جغرافیای تاریخی و اقتصادی، بی جا، چاپخانه ی موسوی
- شجاع شفیعی، محمدمهدی، ۱۳۷۷، تاریخ هزارساله ی اسلام در نواحی شمال ایران از قرن دوم



تا دوازدهم، تهران، اشاره

- شوالیه، ژان و آن گبران، ۱۳۷۹: فرهنگ نمادها، سودابه فضایی، ج ۱، چ ۱، نشر جیحون، تهران
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۷، تاریخ ادبیات در ایران (۵ ج)، انتشارات فردوس
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۴، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۲، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، تهران
- عباسیان، میرمحمد، ۱۳۷۰، تاریخ سفال و کاشی در ایران، نشر گوتنبرگ
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، شاهنامه ی فردوسی، اقبال، تهران
- فرهنگ فروتن، غلامرضا، ۱۳۸۲، چراغعلی تپه: نیم‌نگاهی به اقوام و آثار منطقه مارلیک، چاپ اول، انتشارات پیام فرهنگ
- کام بخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۹، سفال و سفالگری در ایران، ققنوس، تهران
- کریمی، فاطمه و محمدیوسف کیانی، ۱۳۶۴، هنر سفالگری دوران اسلامی، مرکز باستان‌شناسی ایران، تهران
- کیا، صادق، ۱۳۵۳، مازندران و شاهنامه، تهران
- کیانی، محمدیوسف، ۱۳۷۷، پیشینه ی سفال و سفالگری در ایران، نسیم دانش، تهران
- لسترنج، گای، ۱۳۳۷، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- مرعشی، ظهیرالدین، ۱۳۸۰، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، شرق، تهران
- مستوفی حمدالله، ۱۳۶۲، نزهت القلوب، دنیای کتاب، تهران
- مشکور، دکترمحمد، ۱۳۸۴، فرهنگ فرق اسلامی، چ چهارم، انتشارات آستان قدس رضوی
- معین، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی، ج ۱، انتشارات بهزاد
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چ کاویان، تهران
- منوچهری دامغانی، ۱۳۲۶ ش، دیوان منوچهری دامغانی، محمد دبیرسیاقی، نشر ۱۳ سپند، تهران
- مهجوری، اسماعیل، ۱۳۸۰، تاریخ مازندران، توس، تهران
- مهجوریان، علی اکبر، ۱۳۷۴، باورها و بازی‌های مردم آمل، فرهنگ خانه مازندران، ساری
- مهرآبادی، میترا، ۱۳۷۴، تاریخ ایران، تاریخ سلسله زیاری، دنیای کتاب، تهران

- ناشناس، حدودالعالم من المشرق الى المغرب، ۱۳۴۰، دکتر منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران

- نجف زاده بار فروش (م. روجا)، محمد باقر، ۱۳۶۸، واژه نامه مازندرانی، چ نخست، نشر بلخ، تهران

- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبادی، سنائی، بی تا، تهران

- نصری اشرفی، جهانگیر، ۱۳۸۲، فرهنگ واژگان طبری، احیای کتاب، تهران

- نفیسی، احمد، ۱۳۵۰، تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات دانشگاه تهران

- نیرنوری، حمید، ۱۳۷۹، سهم ایران در تمدن جهان، تهران، چاپ اول، انتشارات فردوس

- نیک بین، نصرالله، ۱۳۷۵، فرهنگ مکتشفین و جغرافی نویسان جهان. انتشارات نبوی

- واندربریگ، لویی، ۱۳۴۵، باستان شناسی ایران باستان، عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران

- وسکایا، پیگولو، ۱۳۵۳، تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، ترجمه کریم کشاورز، تهران

- همایون فرخ، همایون، ۱۳۸۴، سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان، نشر اساطیر، تهران

- هومند، نصرالله، ۱۳۸۲، پژوهش در زبان تبری مازندرانی همراهبا علائم زبان شناسی و اشعاری از رضا فراتی، چ دوم، انتشارات طالب آملی، آمل

- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۵، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش

- یزدان پناه لموکی، طیار، ۱۳۸۵، تاریخ مازندران باستان، نشر چشمه

- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۶۲، ترجمه دکتر ابراهیم آیتی، ج سوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران



پایان نامه، پژوهش‌ها و مقالات

- آریان‌پور، امیراشرف. ۱۳۵۵: هنر ایران در موزه‌های فرانکفورت. دوره ۱۴، ش ۱۶۷
- پرگاری، دکتر صالح، نگاهی به جغرافیای تاریخی تبرستان در دو قرن اول ه.ق، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، ش ۱۷ و ۱۸
- رضازاده لنگرودی، رضا، ۱۳۷۵، گیلان‌نامه؛ جنبش مردآویج دیلمی، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، ج دوم، به کوشش م. پ. جکتاجی
- سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۶۰، دایره المعارف سرزمین و مردم ایران، مجله ی علم و زندگی، تهران
- سورتیچی، سامان، ۱۳۸۷، قلعه کنگلو فصل دوم، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری مازندران
- شیرزاد آهودشتی، حمیده، ۱۳۸۸، مازندران از اسطوره تا تاریخ، پایان نامه دوره ی کارشناسی ارشد، رشته ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران
- عابدینی، عراقی، مهدی، ۱۳۸۷، فصل دوم مطالعات باستان شناسی محوطه ی سد البرز لفور شهرستان سوادکوه، میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری مازندران
- ماهفروزی، علی، ۱۳۸۴، گزارش توصیفی فصل چهارم کاوش باستان شناسی گوهرتپه، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری مازندران
- نوروززاده ی چگینی، ناصر، ۱۳۶۵، مازندران در دوران ساسانی، مجله ی باستان شناسی و تاریخ، شماره ی ۱، پائیز وزمستان

منابع لاتین:

- Fehervari, geza, ۲۰۰۰, ceramics of the Islamic world, i.b tauris publishers. London
- Manners, Errol, ۱۹۹۷, Ceramics source book, Grange book, London

– Watson,oliver,۲۰۰۴:Ceramics from Islamic Lands,
thames&Hudson ltd, London

منابع اینترنتی:

<http://Tabarestan.info.com>

<http://Mazandnumeh.com>

<http://mazandaranmiras.ir>



پیوست

الف) اعلام

ابن اثیر

ابن اثیر جَزْرِي كَنِيه سه برادر از اهالی جزیره ابن عمر در منطقه جزیره در نزدیکی شهر موصل در عراق و جنوب خاوری ترکیه امروزی است که هر سه ادیب، مورخ، راوی حدیث و دانشمند برجسته‌ای در قرن ششم هـ ق بوده‌اند. وی در زمان خودش، از محدثان مشهور بود؛ و در علم تاریخ و انساب و سیر و وقایع و ایام مشهوره عرب، متبحر بود، و در علوم غریبه نیز مهارت داشت. «ابن خلکان» که در حلب با او ملاقاتی داشته می‌گوید او حدیث و تاریخ را حفظ بود و انساب عرب را می‌دانست. «ابن جوزی» هم او را «استاد» خوانده است. او در سال ۶۳۰ یا ۶۳۲ هجری قمری در موصل درگذشت. از آثار وی می‌توان کامل فی التاریخ، اسد الغابه فی معرفه الصحابه را نام برد.

ابن اسفندیار

ابن اسفندیار مورخ قرن ششم و هفتم می‌باشد. مولف تاریخ تبرستان که اطلاعات زیادی از زندگی او در دست نیست. در هنگام کشته شدن رستم بن اردشیر فرمانفرمای تبرستان در بغداد بود. این تاریخ را ادوارد براون به انگلیسی ترجمه کرده و به سال ۱۹۰۵ م. نشر داده است.

ابن بطوطه

ابن بطوطه محمد بن عبد الله بن محمد بن إبراهيم لواتی طنجی، ابو عبد الله، در شهر طنجه سال ۷۰۳ ق/ ۱۳۰۴ م در مغرب بدینا آمد و سال ۷۲۵ هـ ق بسوی مکه عزیمت نمود و مصر، شام، حجاز، عراق، ایران، یمن، بحرین، ترکستان، میان رودان و بخشی از هند و چین، جاوه و شرق آفریقا را پیمود و سرانجام به مغرب نزد شاه ابی عنان از شاهان بنی مرین برگشت. سفر او ۲۷ سال به درازا کشید (۱۳۲۵-۱۳۵۲ م) و در مراکش سال ۷۷۹ هـ/ ۱۳۷۷ م. درگذشت. این جهانگرد معروف آمازیغی ۵ و یا ۶ بار به ایران سفر نمود و در تمام سفرهای شرقی خود از زبان فارسی برای ارتباط با غیر عرب‌ها استفاده نمود. سفرهای او در دو سوی سواحل دریای فارس (خلیج فارس کنونی) و شهرهای فارس از جمله شیراز، خوزیه (خوزستان)، تستر (شوشتر)، تبریز و خراسان خواندنی است. سفرنامه

ابن بطوطه از کتاب های با ارزش جغرافیایی سده های میانه است.

ابن فقیه همدانی

ابوبکر (یا ابو عبدالله) شهاب الدین احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم اخباری همدانی معروف به ابن فقیه همدانی (ح ۲۵۵ هـ. ق س ۳۳۰ هـ. ق) مورخ و جغرافیدان ایرانی که از آثار وی می توان از اخبار البلدان که در ۲۹۰ هـ ق نگاشته است نام برد.

ابن قتیبه دینوری

ابومحمد عبدالله بن مسلم دینوری مروزی یا ابی محمد جبلی شناخته شده به ابن قتیبه دینوری (۸۲۸ - ۸۸۵ م، ۲۱۳ - ۲۷۶ هـ. ق)، تاریخ نگار و عالم به دانش نحو مسلمان ایرانی تبار است. از سوی عبیدالله بن خاقان (وزیر متوکل) به قضاوت دینور فرستاده شد و سال ها در این مقام در این شهر به قضاوت پرداخت و از این رو شهرت دینوری یافت. در میان سالی به بغداد بازگشت و تا پایان زندگی به آموزش نحو به شاگردان پرداخت. مرگ او به دلیل بیماری بر اثر خوردن هریسه رخ داد. از آثار ایشان می توان از تأویل غریب القرآن، غریب الحدیث، عیون الأخبار، مشکل القرآن، مشکل الحدیث، تأویل مختلف الحدیث، عبارة الرؤیا، کتاب المعارف، کتاب المعانی الکبیر و أدب الکاتب را نام برد.

ابوالفدا

اسماعیل بن علی ابوالفداء از تاریخ نگاران و جغرافی دانان بزرگ بوده است. وی در سال ۶۷۲ هـ ق در دمشق متولد شد. وی از خاندان ایوبی بود و از امرای دمشق و از خدمتگزاران و نزدیکان شاه مصر بود که از طرف وی به لقب «ملک المویده» نایل شده بود. وی مردی بسیار عالم و دانشمند و دوستدار علم بود و حتی برای دانشمندان نزدیک خود مستمری تعیین می نمود.

وی در سال ۷۳۲ هـ ق در حمات وفات یافت. از آثار وی می توان از المختصر فی الاخبار البشر که کتاب تاریخ عمومی است و تقویم البلدان که در حیطه ی جغرافیا نگارش شده است. در این کتاب وی در مورد ۶۲۳ شهر تحقیق نموده است. وی در تالیف این کتاب از آثار جغرافی دانان بنام دیگری مانند شریف ادریسی، ابن حوقل، یاقوت حموی و دیگران سود برده است.



اصطخری (استخری)

أبو إسحق إبراهيم بن محمد الفارسی معروف به اصطخری (تاریخ مرگ: ۳۳۰ خورشیدی) از جغرافی دانان و نقشه‌کشان برجسته ی ایرانی در سده ی ۴ه.ق و ۱۰م است. نام «اصطخری» برگرفته از نام شهر باستانی استخر در استان فارس ایران می‌باشد. او هم دوره ی ابن حوقل بوده است. آن‌ها در هند با یکدیگر دیدار کردند و نه تنها کتاب‌هایشان هم نام است، بلکه در بسیاری از موارد از اصطلاحات یکسانی استفاده کرده‌اند. وی از هند تا اقیانوس اطلس را گشته است. فعالیت وی بیشتر در ترسیم نقشه بوده است. یکی از آثار مهم وی کتاب «صور الاقالیم» می‌باشد که در آن در مورد جغرافیای عربستان، شمال آفریقا، خلیج فارس، اندلس، مصر، شام، بیت المقدس، خوزستان، فارس، کرمان، سند، آذربایجان، ارمنستان، تبرستان، دیلم، دریای خزر، خراسان، سیستان، ماوراءالنهر با رسم نوزده نقشه بحث نموده است. این کتاب در سال ۱۸۳۹ در آلمان به چاپ رسید و کتاب مسالک و ممالک به معنای «راه‌ها و ایالت‌ها» که این کتاب نیز در زمینه ی جغرافیا و شبیه کتاب الاقالیم است. اما اختلافی با آن دارد. این کتاب دویست سال بعد از نوشته شدنش توسط استخری، ترجمه گردید. نسخه‌های خطی دیگری از کتاب مسالک و ممالک و همچنین صور الاقالیم استخری در کتابخانه‌های بزرگ جهان موجود است. که از جمله نسخه خطی کتابخانه ملی وین به متن فارسی منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی و نسخه کتابخانه موزه ملی ایران (ایران باستان) مورخ ۷۲۶ ه.ق به خط ابن ساوجی است.

آرتور پوپ

آرتور آپه‌م پوپ (Arthur Upham Pope) متولد ۱۸۸۱ و متوفی ۱۹۶۹م، مورخ شهیر آمریکائی آثار هنری ایران است. وی نخستین بار گزارشی مفصل از هنر و تاریخ هنر ایران را به جهان غرب معرفی نمود. در سال ۱۹۳۸ توسط یک اثر ۶ جلدی بنام «A Survey of Persian Art» توالی یافت که تا به امروز از مفصل‌ترین بررسی‌های آثار تاریخ هنر ایران به شمار می‌آید. پوپ در سال ۱۹۶۵ نامه‌ای به دکتر عیسی صدیق نوشت که توسط دکتر صدیق به فارسی ترجمه و توسط جلال الدین همائی بصورت منظوم در آمد. این قطعه شعر امروزه بر روی سنگ قبر پروفیسور پوپ در اصفهان نقش بسته است. پوپ در شهر فینیکس ایالت رودآیلند زاده شد. در دانشگاه براون و دانشگاه کرنل و دانشگاه هاروارد تحصیل فلسفه کرد. در ۱۳۰۴ ه.ش به دعوت حسین علاء

به تهران آمد و برای مقامات دولتی و رضاشاه در مورد هنر ایرانی سخنرانی کرد. از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ مشاور افتخاری دولت ایران بود. و سپس عضو فرهنگستان ایران شد. آرتور پوپ به دکتر عیسی صدیق (از بنیانگذاران آموزش عالی در ایران) در ۱۹۶۵ در نامه ای نوشته بود: « اصفهان عشق من است. اگر هم شده، حتی خاکستر بقایای مرا در ایران خاک کنید». از آثار وی می توان به بررسی هنر ایران (شش جلد)، مقدمه ای بر هنر ایران، شاهکارهای هنر ایران، معماری ایران اشاره نمود.

عمر خیام

حکیم غیاث‌الدین ابوالفتح عُمر بن ابراهیم خیام نیشابوری در سده ی پنجم هـ ق می زیست و به خیامی و خیام نیشابوری و خیامی النیسابوری نامیده می شد. حکیم، فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و شاعر بنام ایران در دوره ی سلجوقی است. گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی او است و حجة‌الحق لقب داشته است؛ ولی آوازه وی بیشتر به واسطه نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۲۶-۵۹۰ هجری قمری) بود، دانست. همچنین از وی هم اکنون بیش از ۱۰۰ رباعی برجای مانده است. آرامگاه خیام که در محله کهن شادیاخ در نیشابور است. در جهان خیام به عنوان یک شاعر، ریاضیدان و اخترشناس شناخته شده است. هرچند که اوج شناخت جهان از خیام را می توان پس از ترجمه شعرهای وی به وسیله ادوارد فیتزجرالد دانست. تأثیرات خیام بر ادبیات غرب از مارک تواین تا تی. اس. الیوت او را به نماد فلسفه شرق و شاعر محبوب روشنفکران جهان تبدیل کرده است. ولادیمیر پوتین، مارتین لوتر کینگ و آبراهام لینکلن همیشه قبل از خواب رباعیات خیام می خوانند یا می خوانند.

فرهنگ معین

فرهنگ معین یکی از فرهنگ‌های مهم واژگان فارسی است. نویسنده این فرهنگ دکتر محمد معین و ناشر آن انتشارات امیرکبیر است. فرهنگ معین در شش جلد تدوین شده و بارها در ایران به چاپ رسیده است. فرهنگ (متوسط) معین شامل ۳ بخش لغات، ترکیبات خارجی و اعلام آن است که هر کدام از این ۳ بخش دارای مشخصاتی است که فهرست‌وار به شرح زیر می باشد:



الف - بخش لغات شامل (مواد، املاء، تلفظ، اصل و ریشه، دستور، معانی و مفاهیم، شواهد و امثله، مترادف و متضاد، توضیح، لغات مصوب فرهنگستان)

ب - بخش ترکیبات خارجی شامل (مواد املاء، تلفظ، اصل و ریشه، دستور، معانی و شرح اعلام، شواهد، توضیح، تواریخ، نام های مصوب فرهنگستان) است. به طور کلی با استفاده از فرهنگ معین می توان اطلاعاتی از واژگان و اصطلاحات فارسی (ایرانی، عربی، ترکی، مغولی، هندی و واژگان زبان های اروپایی مستعمل در فارسی) اعم از فصیح و عامیانه پی برد، و از تلفظ، معرفت بر ریشه و وجه اشتقاق و ترکیبات ترکیبات کلمات آگاهی یافت.

معین در فرهنگ خود از ۳۰۰ هزار فیش که با همکاری گروهی از دوستان فاضل و بالغ بر ۴۰۰ دانشجو در طی ۲۰ سال فراهم کرده استفاده کرده است. به علت سکنه نابهنگام معین، بخش های انتهایی از اعلام نیمه کار ماند که بعدها توسط دکتر جعفر شهیدی تکمیل و به مجموعه اضافه شد.

مازندران

مازندران واژه ای مرکب از سه جزء، جزء اول برگرفته از مازن و دیوان مازنی و مازنه، جزء دوم در به معنی دشت و درگاه و جزء سوم « آن » پسوند مکان بوده که در کل مازندران یعنی ناحیه ی دشتی دیوان مازند (سورتیچی، ۱۳۸۱: ۲۲)

حمدالله مستوفی در کتاب نزهت القلوب می نویسد که مازندران از موزاندران می آید که برگرفته از کوه موز از کوه های البرز و مابین گیلان و سمنان می باشد. طیارزاده لموکی در کتاب تاریخ مازندران باستان، ماز را قومی می داند که در کنار قوم های دیگر و بنابر اعتقاد عامه: ماز یعنی مهاز و مهاز یعنی زنبور عسل می باشد. ماز یعنی درخت موزی (بلوط) در آن، چون درخت بلوط از یک طرف تنه ای صاف و مرتب ندارد بلکه قوز بر قوز است و از طرف دیگر درخت مادر در جنگل مازندران محسوب می شود.

در دیوان منوچهری دامغانی، شاعر قرن پنجم هجری در مدح منوچهر بن قابوس " در باره ی مازندران می خوانیم:

چو سندان آهنگران گشته یخ
چو آهنگران ابر مازندران (منوچهری: ۶۱)

در کتاب ابن اسفندیار و یاقوت چنین آمده است: " نام مازندران به جای تبرستان فقط از زمانی نسبتاً اخیر متداول شده ولی به گفته ی زکریای قزوینی ایرانی ها تبرستان را مازندران می خوانده اند." (نوروززاده ی چگینی: ۶۵)



ابن اسفندیار میان مازندران و تیرستان تفاوت قائل می شود و مازندران را درحد مغرب و تیرستان داخل حد فرشواذگر می داند و بیان می دارد: این که این تغییر چه زمانی مصطلح گشته و درین عموم رواج پیدا کرده، اطلاع موثقی در دست نیست. اما در قرن هفتم هجری قمری که مقارن حمله ی مغول می باشد، استعمال نام تیرستان گویا متروک و اسم مازندران جانشین آن شد که از همان تاریخ نام مرسوم این ایالت گشت. (ابن اسفندیار، ج ۱، ۵۶)

محمد بن جریر طبری

محمد بن جریر طبری در سال ۲۲۴ ه.ق. در آمل یا طبر چشم به جهان گشود وی در عین مورخ بودن مفسری پرتوان نیز بود، وی کتاب تاریخ طبری را نگاشت که در آن وقایع به ترتیب سال تنظیم شده و تا سال ۳۰۲ ه.ق را در برمی گیرد. تاریخ طبری مرجع عمده تاریخ ایران تا اول سده چهارم ه.ق است، همچنین این کتاب در واقع مأخذ عمده تمام کسانی واقع شده است که بعد از طبری به تألیف تاریخ اسلام اهتمام ورزیده اند. طبری در سال ۳۱۰ ه.ق. در شهر بغداد دیده از جهان فروبست.

محمد بن علی بن حوقل

محمد بن علی بن حوقل معروف به ابن حوقل جغرافی دان قرن چهارم ه.ق است که در شهر نصیبین به دنیا آمد و در بغداد زندگی کرد. وی برای نوشتن کتب خود بر پایه مشاهداتش سفرش را از شمال آفریقا آغاز و در طی این مسیر به اسپانیا رفت و بعد از مرزهای جنوبی صحرا به مصر و مناطق شمالی قلمرو مسلمانان و آذربایجان و ارمنستان رفته است. وی مسافرت خود را به طرف شبه جزیره عربستان و عراق و خوزستان و فارس ادامه داده است و در ۳۵۸ هـ ق به خوارزم و ماوراءالنهر رسیده است. اما بعد از آن مسیر مسافرت او گم شده است و اطلاعی در مورد ادامه مسیر وی در دست نیست. از آثار وی می توان به کتابی اشاره نمود که وی در مورد سیسیل نوشته است که مفقود گشته است و کتابی نیز در مورد قلمرو مسلمانان و با اقتباس از کتاب استخری و به نام «مسالک و الممالک» یا «صورة الارض» نگارش کرده است. ابن حوقل را تنها جغرافیدان مسلمان دانسته اند که از آثارش طرحی روشن ارائه کرده است. (نیک بین،



محمد مقدسی

محمد بن احمد شمس‌الدین المقدسی جغرافی‌دان قرن چهارم هجری بود. او برای نوشتن کتابش از ساحل هند تا اندلس در اسپانیا مسافرت کرد و بیشتر نوشته‌هایش بر پایه مشاهدات خود او است. وی عمیقاً در همه فعالیت‌های اقتصادی، دینی و بازرگانی مردمان هر ناحیه تحقیق می‌کرد و در ابتدای کتاب خود نیز توضیح داده‌است که کتابش تنها به شرح کوه‌ها و بیابان‌ها و رودها و دریا‌های ممالک اسلامی نپرداخته است. کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم بر یک پیش‌گفتار و دو بخش تقسیم شده است. این کتاب به موضوعاتی همانند پیشگامان جغرافیا، بیان اصطلاحات، دریاها و ترسگاه‌هایش، رودخانه‌ها، شهرهای همانام، لهجه‌ها، ویژگی‌های هر سرزمین، مذهب‌ها و دسته‌بندی آنها، راه‌ها، گنبد و بارگاه‌های افسانه‌ای، اقلیم‌ها و نمای کشور اسلام، اقلیم عربی، اقلیم عجمی، اقلیم بین‌النهرین، شام، مصر و مغرب، خاوران، دیلم، رحاب (ارمنستان، اران و گرجستان)، کوهستان (آذربایجان و کردستان)، خوزستان، فارس، کرمان و سند پرداخته است.

یحیی ذکا

یحیی ذکاء (۱۳۰۲ تا ۱۳۷۹ ه.ش) ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ هنر ایران بود. ایشان پژوهشگر، نویسنده، استاد دانشگاه و از کارشناسان برجسته آثار هنری که در سال ۱۳۳۳، از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی با رتبه اول فارغ‌التحصیل شد که از نخستین فارغ‌التحصیلان این رشته بود و در ۱۴ بهمن ۱۳۳۵ به استخدام رسمی دولت در آمد، و بیش از یک سال در کتابخانه دانشکده حقوق در کنار دانش‌پژوه، محمدتقی، ایرج افشار، و محمد مشکوه به کسب تجربه کتابداری پرداخت؛ و سپس به اداره هنرهای زیبای کشور که بعدها به وزارت فرهنگ و هنر تبدیل گردید، رفت. یحیی ذکاء پس از سال‌ها اشتغال در اداره هنرهای زیبا و وزارت فرهنگ و هنر در پنجم شهریور سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد و پس از آن تا پایان عمر به فعالیت‌های فرهنگی و تحقیق و تفحص و تألیف مشغول بود، ایشان در سال‌های آخر عمر، با وجود بیماری و کهولت، با عنوان کارشناس برجسته موزه هنرهای معاصر و مشاور عالی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به تلاش ارزشمند خود ادامه می‌داد. از آثار چاپ شده ایشان می‌توان از تاریخچه تحولات و تغییرات درفش و علامت دولت ایران در دوره قاجاریه، موزه‌های ایران (با همکاری محمدحسن سمسار)، تاریخچه ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ

گلستان، نگاهی به نکارگری ایران در سده دهم، نوروز و بنیاد نجومی آن در همبستگی با تخت جمشید، مقالات کسروی، رساله کافنامه، در پیرامون خط، چهل کسروی، لباس زنان ایرانی از سده سیزدهم هجری تا امروز را نام برد.

ب) سلسله‌هایی تبرستان بعد از اسلام

سلسله‌هایی که بر تبرستان از زمان بعد از اسلام بر تخت سلطنت جلوس نموده اند به دو دسته اند:

الف. سلسله‌های اصلی طبرستان که شامل پنج سلسله ی قارنیان (سوخرائیان)، باوندیان، دابویهیان (گاوبارگان)، پادوسپانیان می باشند.

ب. سلسله‌هایی ایرانی که هزار چند گاهی به بخشی یا تمامی طبرستان یورش برده و مدت حکومت آنان کوتاه مدت می باشد، شامل اعراب، طاهریان، آل بویه، آل زیار، صفاریان، غزنویان، سامانیان و سلجوقیان است.

سلسله‌های اصلی

این سلسله‌ها شامل ۵ سلسله ی قارنیان، باوندیان، دابویهیان و پادوسپانیان می باشند که سازمان حکومتی این سلسله‌ها از نوع اقطاع و تیول داری و به کلام ساده تر موروثی بود که به حکام ایلات و یا امرای سپاه ارث می رسید. این حکام، شاهان سلطنتی ایران را بر حق دانسته و سالیانه مبالغی به عنوان خراج به آن‌ها می پرداختند. تیول داران به تمرکز قدرت در دست خودشان به منظور ایجاد یک حکومت مستقل و عظیم توجه زیادی داشتند. که در ادامه شرح هر یک خواهد رفت.

قارنیان (سوخرائیان) (۵۰ ق.ه تا ۲۲۴ ه.ق)

این سلسله در کوهستان‌های طبرستان در حدود ۲۷۴ سال حکومت کردند. خسرو انوشیروان پس از کشتن برادرش کیوس که فرمانروای طبرستان بود در این سال شهریار کوه و کوه قارن را به قارن پسر سوخرا اسپهبد طبرستان واگذار کرد و او را به امارت طبرستان گماشت و با مرگ مازیاربن قارن به پایان رسید. فرمانروایان این سلسله لقب گرشاه (جرشاه) و ملک الجبال داشتند و همچنین عنوان دیگر آن‌ها سپهبد (اصفهد) بود. محل حکومت آل قارن، جبل قارن متصل به فیروز کوه بود و شهر آن شهمار و قلعه اش پریم (یا فیروز کوه) و یا فریم بود. (مرعشی، ۱۳۶۳، ۲۱ ص)



باوندیان (۴۵ تا ۷۵۰ ه.ق)

باوندیان خاندانی ایرانی از امیران طبرستان بودند که به مدت ۷۰۵ سال، بیشتر در مناطق کوهستانی آن ناحیه، فرمان رانند. در طول این زمان، باوندیان سه بار فروپاشیدند. قلمرو آنان طبرستان، در جنوب دریای خزر، باختر گیلان و در خاور استرآباد، شامل شهرهای آمل، ساریه (ساری)، مهران و آسکون بوده ولی این تقسیم‌بندی در طول تاریخ دگرگون شده است. از جمله سلاله محلی که در زمان خلفای عباسی، هنوز حکومت‌های محدود و منطقه‌ای خود را حفظ کرده بودند، خاندان باوند بود که در این ایام، در فرمانروایان باوندی لقب اسپهبد داشتند و گاهی نیز ملوک‌الجبال خوانده می‌شدند و این به این دلیل است که گاهی با آنکه سیطره خود را در دشت‌ها از دست می‌دادند ولی قدرت خود را در نواحی کوهستانی نگهداری می‌کردند. سه شاخه این سلسله شامل: شاخه کیوسیه، شاخه اسپهبدان و شاخه کینخواریه است. هر چند فرمانروایان این خاندان، بعدها برای حفظ قدرت موروثی خویش، ناچار به قبول آیین خلفا و اظهار اطاعت نسبت به آنها شدند ولی تختگاه آنها در جبال طبرستان تا مدت‌ها بعد همچنان کانون تشعشع روح ایرانی باقی ماند. با آن که شورش مازیار در طبرستان، ادامه حکومت آنها را برای مدتی قطع کرد، اما در مدت زمان قیام علویان طبرستان، قدرت آنها همچنان باقی بود و تا روی کار آمدن آل زیار نیز، این امر در همان تیره قدیم ادامه داشت. این سلسله تا پیش از روی کار آمدن صفویان می‌زیست تا در آن زمان توسط چلاویان نابود شد.

دابویهیان (گاوبارگان) (۴۰ تا ۱۴۴ ه.ق)

اینان آل دابویه یا گاوباره نیز خوانده می‌شدند و به مدت ۱۰۴ سال در طبرستان حکومت کردند. تاریخ امارت این سلسله از هنگامی که دابویه در سال ۴۰ پس از مرگ پدرش گیل گاوباره به حکومت نشست آغاز، و به مرگ خورشید، سال ۱۴۴ ختم می‌شود. و اگر حکومت گیل گاوباره را نیز به حساب آوریم این خانواده ۱۱۹ سال امارت کرده اند. از پادشاهان این سلسله به ترتیب می‌توان از گیل گیلانشاه، دابویه بن گیل، خورشیدبن گیل، فرخان بن دابویه، دادبرجمهر بن فرخان، سارویه بن فرخان، خورشیدبن دادبرجمهر نام برد.

پادوسپانیان (۴۵ تا ۱۰۰۶ ه.ق)

این سلسله از ۴۵ تا ۱۰۰۶ ه.ق، یعنی زمانی که شاه عباس آخرین فرمانروایان این سلسله را از میان برد، در رستمدر، رویان و کجور یعنی نواحی بین گیلان و آمل حکومت کردند.



فرمانروایان این سلسله در آغاز عنوان اسپهبد و سپس عنوان استندار و بالاخره عنوان «ملک» داشتند. لازم به ذکر است که این سلسله جزو پردوام ترین حکومت پس از اسلام نیز می باشد. در این سلسله ۵۱ پادشاه حکومت کردند که در این مجال نمی گنجد و فقط به ذکر اولین پادشاه که پادوسپان بن گیل و آخرین پادشاه که ملک محمد بن جهانگیر بود، بسنده می شود.

سلسله های فرعی اعراب (امویان و عباسیان)

اسلام در اوایل قرن دوم هـ.ق، جایگزین دین مزد یسنا و آتش پرستی در تبرستان شد. در این زمان حاکمان عرب که از جانب خلیفه در این ناحیه فرمانروایی می کردند، جملگی دارای مذهب تسنن بودند. دیری نپایید که داعیان علوی بر قسمتی از طبرستان تسلط یافتند و به ترویج و اشاعه‌ی مذهب تشیع و به خصوص عقاید مذهب زیدیه پرداختند. ولی اسپهبدان طبرستان و رستمدر برای تقلیل نفوذ داعیان شیعه رعایای خود را به قبول آیین تسنن وا می داشتند. تبرستان تا اواسط قرن دوم هـ.ق که یک دسته از سپاهیان دولت عباسیان به اسم اجازه ی عبور به خراسان وارد طبرستان گردیده و توانستند بلاد واقعه در دشت و هامون آن جا را تصرف نمایند، کمال استقلال را داشت.

مسلمین فقط در سال یکصد و بیست و اندی، مواقعی که عبدالله ابن طاهر و مازیار ابن قارن را دستگیر نموده و با خود به بغداد بردند و در آن جا کشتند موفق شدند اسلام را تا حدودی در تبرستان بسط دهند و برای مدت کوتاهی استیلا یابند. چراکه در سال ۲۵۰ هـ.ق مردم تبرستان با رهبری حسن ابن زید علوی، نواب خلفا را از منطقه بیرون راندند. « اسپهبدان تبرستان تا زمان قارن ابن شهریار، که به خواهش خلیفه ی معتمد بالله عباسی اسلام پذیرفته و زنار بگسست، کیش و آیین نیاکان خود را از دست نداده بودند». (مرعشی، ۱۳۶۳، ص ۴۵)

در زمان حمله ی اعراب به ایران، نخستین سرداری که به ناحیه ی مازندران لشکر کشی نمود سعید ابن العاص بود که در سال ۳۰ هـ.ق از سمت خراسان وارد شد و همیشه را تا سرحد گرگان متصرف شد اما چندان دوام نیاورد و در خلال اختلاف بین علی و معاویه، این ناحیه دوباره استقلال یافت.



طاهریان (۲۰۶ تا ۲۵۹ هـ ق) (۸۲۱ تا ۸۷۲ م)

طاهریان نخستین سلسله ایرانی است که از اطاعت کامل خلفای عباسی بغداد سر پیچید و به تشکیل دولتی محلی و تا اندازه ی زیادی مستقل در خراسان توفیق یافت. طاهریان از خاندان امیران و سرداران ناحیه ای در نزدیکی هرات به نام پوشنگ یا فوشنج بودند و در مبارزات ابومسلم برای روی کار آوردن بنی عباس شرکت داشتند. هنگامی که مأمون به خلافت رسید به پاس این خدمات طاهر را، برای پاسداری از امنیت شهر، شُرطه بغداد کرد و چند سال بعد حکومت خراسان را به او داد. در سال ۲۰۷ هـ ق/ ۸۲۲ م، هنگامی که طاهر حکومت خراسان را داشت، روزی در مسجد جامع مرو نام خلیفه را از خطبه انداخت. اگرچه فردای آن روز او را مرده یافتند. ذکر سلسله ی طاهریان در این رساله از این بابت است که هم زمان با فرمانروایی طاهریان و به عبارتی در اواخر این حکومت، قیام مازیار در طبرستان رخ داد که سبب گردید عبدالله ابن طاهر در سال ۲۲۷ هـ ق به فرمان معتمد عباسی رهسپار جنگ با مازیار ابن قارن شود و بر او غلبه نماید. سرانجام به دلیل ظلم و بیداد حاکمان طاهری بر مردم طبرستان، شورش بر علیه حکومت آنان آغاز و در نهایت سبب بیرون راندن آنان از این سرزمین شد. طاهریان به مدت ۲۳ سال بر طبرستان حکمرانی کردند. در زمان طاهریان قیام های بابک و مازیار که به ترتیب در آذربایجان و طبرستان رخ داد باعث شد که آن ها از توجه به شرق ایران باز دارد. پادشاهان این سلسله به نام های طاهر بن حسین ذوالیمینین، طلحه ابن طاهر، عبدالله ابن طاهر، طاهرا بن عبدالله، محمدابن طاهر بودند.

علویان تبرستان (۲۵۰ تا ۳۱۶ هـ ق) (۸۶۴ تا ۹۲۸ م)

در نتیجه ی ظلم و بیداد حکام طاهریان در طبرستان، اهالی آن سرزمین دست توسل به دامن حسن ابن زید علوی که ساکن شهر ری بود، زدند. حسن ابن زید (داعی کبیر) در سال ۲۵۰ هـ ق عازم قصبه ی کلار شد و در آن محل به کمک یاران خود قیام کرد سلیمان را که از عاملان طاهریان بر طبرستان بود از منطقه بیرون راندند. در واقع او موسس سلسله ی علویان طبرستان است. « داعی تا سال ۲۵۳ هجری (۸۶۴ م) تمام طبرستان و قسمت مهمی از دیلم و ری را تصرف کرد ». (بیات، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳) در سال ۲۹۰ هـ ق طبرستان بکلی به تصرف داعی قرار گرفت تا اینکه ۳۱۶ هـ ق با مرگ داعی صغیر امیر علویان طبرستان، پایان دوره ی امارت علویان طبرستان مصادف شد. پیشرفت و نفوذ مذهب زیدیه درمازندران از اواخر قرن پنجم هـ ق رو به افول نهاد و جای خود را



به مذهب شیعه ی دوازده امامی سپرد که با روی کار آمدن حکومت سادات مرعشی، نخستین حکومت شیعه ی جعفری درمازندران پایه گذاری شد.

صَفاریان (۲۴۷ تا ۳۹۳ هـ.ق) (۸۶۱ تا ۱۰۰۲ م)

صَفاریان از دودمان‌های ایرانی فرمانروای بخش‌هایی از ایران بودند. پایتخت ایشان شهر زَرَنگ بود. یعقوب لیث نخستین امیر این خانواده بود که دولت مستقل اسلامی صفاریان را بنیاد نهاد. یعقوب پس از فتح خراسان و دستگیری حاکم خراسان محمد ابن طاهر روانه طبرستان شد تا در آنجا با حسن بن زید علوی بجنگد. حسن در این جنگ شکست خورد و فرار کرد و به سرزمین دیلمان رفت. یعقوب از ساری به آمل رفت و پس از جمع‌آوری خراج یکساله روانه دیلمان شد. در راه در اثر باریدن باران تعداد زیادی از سپاهیان کشته شدند و او به مدت چهل روز سرگردان می گشت. یعقوب رسولی را نزد خلیفه فرستاد مبنی بر اینکه طبرستان را فتح کرده و حسن را منزوی ساخته است، به امید اینکه مورد نظر خلیفه واقع گردد. در سال ۲۶۲ یعقوب پس از فارس رو به خوزستان نهاد. چون خبر به خلیفه المعتمد رسید فرمان حکومت خراسان، گرگان، طبرستان و ری و فارس را در حضور حاجیان به شمول شرطگی بغداد به وی داد. یعقوب در سال ۲۶۵ در گندی شاپور در اثر مرض قولنج در گذشت. یعقوب را مردی باخرد و استوار توصیف کرده اند. حسن بن زید علوی که یکی از دشمنانش بود او را به خاطر استقامت و پایداریش سندان لقب داده بود. از پادشاهان سلسله‌ی صفاری یعقوب بن لیث صفاری، عمرو بن لیث صفاری، علی بن لیث صفاری، طاهر بن محمد بن لیث صفاری، خلف بن احمد (نوه دختری عمرو بن لیث) را می توان نام برد.

سامانیان (۲۷۹ تا ۳۸۹ هـ.ق) (۸۹۲ تا ۹۹۸ م)

سامانیان (۲۶۱ - ۳۹۵ هـ.ق / ۸۷۴ - ۱۰۰۴ م) یکی از دودمان‌های ایرانی، از مردم بلخ بوده و آیین زردشتی داشتند که تقریباً بر تمامی سرزمین‌های خراسان، هیرکان، مکران، سیستان، خوارزم و کرمان حکومت کردند و باعث رشد و شکوفائی زبان فارسی دری شدند. سرزمین ماورای النهر به رهبری فرماندهان این خاندان، مرکز یک دولت قدرتمند شد و خراسان و ری، و مدتی هم، جرجان، طبرستان، و سیستان، از سوی خلیفه یا به حکم پیروزی و غلبه، به قلمرو آنها پیوست. با آن که پیروزی این خاندان بر جرجان، طبرستان و سیستان همیشگی نبود و چندان دوام نداشت، ولی خراسان و ماورا النهر در بخش



عمده دوره فرمانروایی آنها، از مداخله مستقیم کارگزاران خلیفه آزاد ماند و باقی مانده دنیای باستانی ایران، در شکل اسلامی خود، در همه این سرزمین ها، زندگی تازه ای یافت.

پس از کشته شدن محمد ابن زید، طبرستان مستقیماً تحت اداره ی عمال سامانی درآمد. در سال ۲۸۸ ه.ق امیر اسماعیل سامانی برای سرکوبی شورش محمد ابن هارون سرخسی عازم طبرستان شد و او را شکست داد. تا اینکه در سال ۲۹۰ ه.ق طبرستان از دست سامانیان خارج و تحت تصرف علویان قرار گرفت. در سال ۳۰۱ ه.ق ابونصر احمد ابن اسماعیل سامانی به طبرستان برای سرکوبی سپاه ناصر کبیر لشکر کشید که نتیجه ای در بر نداشت.

بنیانگذار این سلسله، نصر اول و گروهی از فرمانروایان برجسته آن، توانسته بودند دورانی از آرامش نسبی را برای ایرانیان فراهم آورند، ثبات این سرزمین با کوشش هایی که توسط مرداویج زیاری برای بازگرداندن طرز حکومت پیش از اسلامی صورت گرفت و همچنین با افراط کاری های دینی پادشاه با شکوه سامانی، نصر دوم در اواخر زندگی خود به مذهب اسماعیلی گروید و از این راه خود را با دستگاه خلافت درگیر کرد، در صورتی که این دستگاه در حقیقت تکیه گاه عمده این سلسله به شمار می رفت.

دیالمه ی آل زیار (۳۱۶ تا ۴۳۳ ه.ق)، (۹۱۸ تا ۱۰۴۱ م)

اسکلیان یا (آل زیار) و بوییان یا (آل بویه) دو خانواده دیلمی از نواحی دیلمستان بودند که توانستند به حکومت ایران غربی برسند. در غرب و مرکز ایران دو سلسله دیلمی به نام آل زیار (۳۲۰ ه.ق.) و آل بویه که هر دو از مناطق شمال برخاسته اند. در تمام مدتی که ناصر کبیر بر اثر استیلای سامانیان بر طبرستان در نواحی دیلمان می زیست، تمام هم خود را صرف مسلمان شدن مردم آن ناحیه نمود و از افرادی که دور او جمع گشتند می توان از اسفارین شیرویه، مرداویج زیاری و علی بویه را نام برد. در زمان زیاریان طبرستان در همان اوان این حکومت به فتح مرداویج درآمد تا اینکه در زمان برادرش وشمگیر از قلمرو زیاریان خارج شد. تا اینکه پس از مرگ وشمگیر توسط رکن الدوله دیلمی فرمان حکومت گرگان و طبرستان برای بهستون زیاری پسر وشمگیر در سال ۳۵۷ ه.ق گرفته شد. طبرستان پس از وشمگیر در تصرف قابوس برادرش درآمد و تا ۴۰۳ ه.ق برگرگان، طبرستان و گیلان حکمرانی کرد. پس از وی پسرش منوچهر به مدت ۲۰ سال برگرگان و طبرستان حکم راند و در این مدت وی خراج گذار غزنویان بود. تا اینکه در سال ۴۳۳ ه.ق



سلسله‌ی زیاری انقراض یافت. قلمرو حکومت آل زیار شامل طبرستان، اصفهان و همدان بود.

دیالمه‌ی آل بویه (۳۲۰ تا ۴۴۷ هـ.ق) (۹۳۲ تا ۱۰۵۵ م)

آل بویه یا بوییان یا بویگان، (۳۲۰-۴۴۷ هـ.ق / ۹۳۲-۱۰۵۵ م) از دودمان‌های دیلمیان و شیعه ایران پس از اسلام است که در بخش مرکزی و غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می‌کردند و از دیلمان در گیلان برخاسته بودند. سلسله‌ی آل بویه به دست سه برادر به نام‌های علی (عمادالدوله)، حسن (رکن الدوله) و احمد (معزالدوله) که بر اثر انحطاط قدرت خلفا ظهور و تا استقرار سلسله‌ی ترکان بر ایران، تا قرن پنجم هجری دوام داشت. پس از مدتی با مرگ معزالدوله و رکن الدوله به سه شاخه شد:

۱. دیالمه‌ی فارس (جانشینان عمادالدوله) ۲. دیالمه‌ی عراق، کرمان و خوزستان (جانشینان معزالدوله) ۳. دیالمه‌ی ری و اصفهان (جانشینان رکن الدوله). ابتدای قدرت آل بویه را باید با ظهور مرداوید زیاری هم‌زمان دانست که بر اثر انحطاط قدرت خلفا تشکیل و تا قرن ۵ هـ.ق حکومت راندند. طبرستان در زمان آل بویه در تصرف زیاریان بوده تا اینکه مویدالدوله دیلمی در سال ۳۷۱ هـ.ق بر قابوس شورش نموده و گرگان و قسمتی از تبرستان را به تصرف خویش در می‌آورد و تا سال ۳۷۲ هـ.ق بر تمام عراق عجم، گرگان و طبرستان حکومت کرد. سرزمین‌های مذکور پس از مرگ عضدالدوله در ۳۷۳ هـ.ق به طور کلی مستقل شدند. سرزمین بوییان دیلمستان بود. این واژه به همه‌ی مازندران و گیلان و سرزمین کوهستانی البرز در جنوب گیلان و تبرستان گفته می‌شده است.

غزنویان (۳۵۱ تا ۵۸۲ هـ.ق) (۹۶۲ تا ۱۱۸۶ م)

دولت غزنوی یا غزنویان یک دولت ترک نژاد، نظامی و اسلامی بود. دولت غزنوی خاستگاه نژادی و پایگاه ملی خاصی نداشت، اما به عنوان مروج و ناشر اسلام مورد توجه و تایید خلافت عباسی بود. زبان رسمی این حکومت فارسی بود. شهرت این حکومت در جهان، بیشتر به خاطر فتوحاتی است که در هندوستان انجام داده است. بنیانگذار این دودمان کسی به نام سلطان محمود غزنوی بود. درگیری‌ها و ضعف داخلی دولت‌های اطراف نیز مزید بر علت شد که وی راحت‌تر به پیروزی برسد. تجزیه سلسله آل بویه و دولت آل زیار در محدوده گرگان دال بر پیروزی‌های وی شد. در سال ۴۲۶ هـ.ق سلطان مسعود به سرزمین گرگان و تبرستان که در قلمرو آل زیار بود تاخت و به تصرف خود



درآورد. در زمان غزنویان نواحی جنوبی دریای خزر جزو قلمرو آنان محسوب می شد.

سلجوقیان (۴۲۹ تا ۵۹۰ هـ.ق) (۱۰۳۴ تا ۱۱۹۳ م)

سَلْجُوقیان یا سَلْجُوقه، یا آل سلجوق، نام دودمانی است که در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری (یازدهم و دوازدهم میلادی) بر بخش‌های بزرگی از آسیای غربی، شامل ایران کنونی، فرمانروایی داشتند. سلجوقیان در اصل غزهای ترکمان بودند که در دوران سامانی در اطراف دریاچه خوارزم (آرال)، سیردریا و آمودریا می‌زیستند. در سال ۴۳۳ هـ.ق تبرستان که جزو قلمرو انوشیروان زیاری بود، توسط طغرل به تصرف سلجوقیان درآمد.

نگاهی به ادبیات و زبان ایران در قرون ۴ و ۵ هـ.ق

پرداختن به ادبیات و زبان ایرانیان در قرون ۴ و ۵ هـ.ق در این رساله خالی از لطف نیست چراکه به طور مسلم این مهم بر فرهنگ و هنر دوره‌ی مذکور تاثیر گذاشته است. سادگی و لطافت کلام و استفاده از جملات کوتاه در شعر و نثر که همانا ادامه‌ی افکار ایرانی از زمان ساسانیان و هخامنشیان را شامل می‌شد در سفال‌های این دوره نیز مشهود است. روی آوردن به طرح‌های ساده و زیبا و تجرید نمودن طرح‌های طبیعت حتی در سفالینه‌های تبرستان و پیروی از افکار فلسفی رایج آن زمان که به عنوان مثال بارز وجود مرغ سلیمان بر روی سفالینه‌های تبرستان دال بر اثبات این ادعاست. به موازات دمیدن دوباره‌ی روح ایرانی در ادبیات ایران در قرون ۴ و ۵ هـ.ق، در سفالینه‌ها نیز تجلی پیدا کرد و ادامه‌ی سبک ایرانی - ساسانی بر روی این سفالینه‌ها مشاهده می‌گردد. بیش از این مجال توضیح در این رساله نیست، زیرا با ورود به هر بحثی و هر کلمه‌ای؛ بحثی دیگر و کلمه‌ای دیگر گشوده خواهد شد. قرن چهارم هـ.ق را باید یکی از بهترین دوره‌های ادبی زبان فارسی دانست. در نیمه دوم قرن سوم هـ.ق، رودکی سمرقندی، پدر شعر فارسی ظهور کرد که شاعران بعد از وی او را «استاد شاعران» و «سلطان شاعران» لقب داده‌اند. نثر فارسی قرن چهارم بسیار ساده و خالی از صنایع لفظی بود. از خصایص شعر فارسی قرن چهارم؛ فصاحت، سادگی، مضامین تازه و بکر، توجه به طبیعی بودن تشبیهات، توصیفات طبیعی منطبق بر عالم خارج، سعی در جستن مطالب تازه و بدیع و متنوع، عدم استعمال اصطلاحات علمی در شعر، خالی بودن شعر از کلمات مشکل عربی و حتی کم بودن لغات عربی، حفظ بسیاری از لغات کهنه دری، کوتاه بودن اوزان و بحور شعر است. در قرن چهارم هنوز دنباله افکار و عقاید شعوبیه ایرانی باقی بود که



باعث تألیف بسیاری کتب و ذکر مفاخر گذشتگان گردید و از آن جمله می توان شاهنامه ابوالمؤید بلخی، شاهنامه ابو علی بلخی، شاهنامه ابومنصوری که بهترین شاهنامه منثور قرن چهارم بوده را نام برد. نخستین شاعری که از این کتاب برای ایجاد یک شاهنامه منظوم استفاده کرد دقیقی و بعد از او استاد ابوالقاسم فردوسی است. از مشاهیر آن دوران می توان از ابوالحسن شهید بن حسین بلخی (م ۳۲۵)، ابوالحسین محمد بن محمد بخارائی معروف به مرادی معاصر رودکی، ابوزراع (ابوزرعه) معمری جرجانی معاصر رودکی، نوح بن نصر سامانی، ابوالمؤید بلخی، ابوشکور بلخی صاحب منظومه آفرین نامه، ابو منصور محمد بن احمد دقیقی و مجدالدین ابواسحق کسائی مروزی نام برد.

در قرن پنجم هـ ق نثر فارسی دو سبک کاملاً متمایز از یکدیگر داشت: اول سبک ساده که دنباله نثر ساده قرن چهارم بوده است و دوم سبک مصنوع. در قرن پنجم در زمان دوره غزنویان بزرگانی همچون فردوسی، عنصری بلخی، عسجدی، فرخی سیستانی و منوچهری شعر پارسی سبک خراسانی را به کمال رسانیدند و ابو نصر مشکان نویسنده مکتوبات درباری سبکی بدیع در نثر پدید آورد.

ج) موزه ها، گالری ها و مجموعه ها برای سفال ساری

Museums, collection, private collection & Galleries:

khalili collection

Huntington museum of art

The Avery Brundage Collection, london

Iran bastan, Tehran

Kolbadiha home museum, sari

Louvre Museum In Paris

London, South Kensington

History Museum, Amol

Asian Art Museum of San Francisco

Mr. A. Dajan collection, London

www.pinterest.com

The Avery Brundage



Milan, michail collection
 Collection: barakatgallery
 Mikami collection, Tokyo
 National arts Museum, iran
 Reza abbasi museum
 Metropolitan, New York
 barakatgallery, ,Islamic Art, Great Britain
 Anthropology museum, babol
 Victoria and Albert Museum
 private collection in Paris, Mr. and Mrs. Lester Wolfe
 Joan L. Simon, Elizabeth L. Eisenstein, Virginia L. Kahn,
 Dr. Marjorie G. Lewisohn, private collection
 Kuwait national museum
 The Nasli M. Heeramaneck Collection,
 the Museo nazionale d'arte orientale (Rome)
 Museo d'Arte Orientale (Turin)
 UK private collection,
 University of pennsylvania museum of archeology and
 anthropology, penn museum,
 Cincinnati Art Museum
 Tareq-rajab Museum
 Brooklyn Museum
 Arts of the Islamic World collection
 Collection lewisohn
 shiraz Museum
 Tehran,iran
 Islamic Art, UAE
 Kandlos museum, mazandaran
 Handi arts Museum, frankfort

نمایه

- ابن اسفندیار / ۱۹-۲۰-۲۴-۱۳۳-۱۳۹-۱۴۳-۱۴۴
 ابن حوقل / ۲۳-۲۴-۱۳۳-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۴
 اسب / ۹-۳۳-۵۲-۵۳-۵۵-۱۵۶
 اسپهبدان / ۲۱-۱۴۷-۱۴۸
 اصطخری / ۲۳-۲۴-۱۳۳-۱۴۱
 آقکند، آغکند / ۳۱-۳۹
 آل بویه / ۲۲-۵۸-۱۴۶-۱۵۱-۱۵۲
 آمل / ۱۱-۱۴-۱۵-۲۳-۳۱-۳۵-۳۹-۴۰-۴۱-۴۷-۵۹-۷۷-۷۸-۷۹-۱۳۳-۱۳۶-۱۴۴
 ۱۴۷-۱۵۰
 باوندیان / ۲۲-۱۴۶-۱۴۷
 بدون لعاب / ۹-۱۳-۳۰-۳۹-۴۰
 بز / ۹-۵۲-۵۳-۵۴-۷۴
 بشقاب / ۲۷-۴۲-۴۳-۴۷-۴۸-۴۹-۵۲-۵۹-۷۲-۷۳-۷۶-۷۸-۹۲-۱۰۱-۱۰۵
 ۱۱۲-۱۲۸
 تبرستان / ۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۷-۳۹-۴۱-۴۷-۴۹
 ۵۱-۵۲-۵۵-۵۶-۵۸-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۹-۱۴۱-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۶-۱۵۲
 ۱۵۳
 تجریدی / ۹-۴۹-۵۰-۵۴
 پرندگان / ۹-۲۷-۲۹-۳۳-۳۹-۴۲-۴۶-۴۹-۵۰-۱۳۱-۱۳۲
 تپورها / ۸-۱۸-۲۰
 تنگ / ۴۲-۴۷-۴۸-۵۹
 جرجان / ۱۱-۱۴-۲۳-۲۸-۲۹-۳۲-۴۷-۵۹-۱۵۰-۱۵۴
 چهارپایان / ۹-۴۶-۴۹-۵۱-۱۳۲
 خروس / ۹-۴۹-۵۰-۵۱-۱۳۱
 روستایی / ۱۲-۱۴-۱۵-۴۳-۴۶
 ساری / ۹-۱۰-۱۱-۱۴-۱۵-۲۳-۲۶-۲۷-۲۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۶-۴۷-۴۸
 ۵۵-۵۹-فصل پنجم در قسمت محل ساخت-۱۳۱-۱۳۲-۱۴۷-۱۵۲



ستوده / ۲۳-۱۳۳

سروش / ۵۱-۶۹

سفالینه های پرتاووسی / ۳۸

سفید / ۸-۲۷-۳۳-۳۴-۳۸-۴۲-۴۳-۵۰-۵۳-۵۶-۵۷-۵۸-۸۲-۸۳-۸۴-۸۶-۸۸

۸۹-۹۰-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲

۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۷-۱۱۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱

سگ / ۵۵-۶۹

سیاه / ۲۷-۴۳-۴۶-۵۳-۵۶-۵۷-۵۸-۶۸-۷۱-۷۲-۷۳-۷۵-۷۶ تا ۱۳۱

شیر / ۹-۳۱-۳۳-۵۳-۵۴-۵۵-۵۹-۶۸

صنیع الدوله / ۱۹

طاووس / ۹-۳۸-۴۹-۵۰-۱۳۱

طبرستان / ۱۳-۲۰-۱۳۳-۱۳۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹

ظروف / ۹-۱۱-۱۳-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۵-۳۹-۴۱-۴۲-۴۳-۴۶

۴۷-۴۸-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹

غزال / ۳۳-۷۳

کاسه / ۲۷-۳۲-۳۴-۳۵-۳۹-۴۳-۴۷-۴۸-۴۹-۵۹-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۴-۷۵-۷۹

۸۰-۸۱-۸۳-۸۴-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۲-۱۰۳

۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۱ تا ۱۲۷-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱

کائولین / ۳۴

کبوتر / ۹-۳۳-۳۹-۴۶-۴۹-۵۰-۱۳۱

کوزه / ۳۵-۳۹-۴۸-۸۵-۸۶-۸۷

کیانی / ۴۲-۴۳-۵۹-۷۳-۷۴-۹۵-۱۱۰-۱۲۶-۱۲۸-۱۳۵

گاو / ۹-۵۱-۵۲-۷۰-۷۲

گاو بارگان / ۱۰-۲۲-۱۴۶-۱۴۷

گبری / ۱۰-۵۵-۵۸-۵۹

گرگان / ۲۲-۲۳-۲۴-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲

گروس / ۳۱-۳۳-۵۹

گل / ۲۷-۲۹-۳۲-۳۳-۳۹-۴۲-۴۶-۵۶-۶۰-۶۴-۶۵-۶۶-۷۵-۷۶-۸۰-۸۱-۸۲-۸۵

گل رس / ۴۰-۴۳-۵۸



لشکری بازار / ۳۰

لعاب پاشیده / ۸-۹-۲۷-۲۹-۳۰-۳۱-۳۹-۴۱-۴۲

لعاب رنگارنگ / ۹-۳۹-۴۳-۶۳

لعاب گلی / ۸-۲۷-۲۹-۴۱-۵۸-۶۳

لعاب یکرنگ / ۸-۹-۲۷-۲۹-۳۳-۳۴-۳۹-۴۱

مازندران / ۱۲-۱۳-۱۴-۱۹-۲۰-۲۱-۲۵-۴۰-۴۱-۴۶-۴۷-۵۶-۵۷-۶۸ تا ۱۳۰

۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۴۳

ماهی / ۹-۴۹-۵۱-۵۶

مسبک / ۲۷-۴۶-۵۰-۵۶-۶۳

نقش کنده / ۸-۹-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۹-۴۰-۴۲-۵۸-۵۹

نقش افزوده / ۹-۳۹-۴۰-۴۱

نیشابور / ۱۴-۲۷-۲۸-۲۹-۳۲-۳۵-۴۷-۸۳-۸۶-۱۳۲

هدهد / ۹-۴۹-۵۰-۱۳۱

همایون فرخ / ۲۰-۲۱-۱۳۶

یاقوت حموی / ۱۹-۱۳۴-۱۴۰-۱۴۳

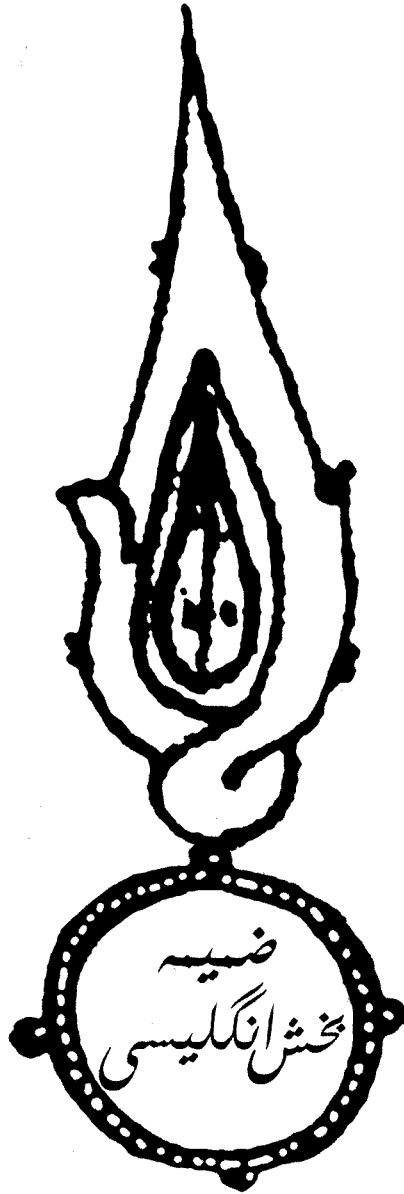





Image 61	Image 62	Image 63
		
<p>plate with Stylized Bird Object Name: plate Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. (5 cm) 18in D. (22 cm) 79in Classification: Ceramics Object Number: 696 Museum Location: Tehran,iran</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: Unknown Classification: Ceramics Credit Line: Mazandaran, Noshahr, pottery collection Object Number: Unknown Museum: Kandlos museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird & colligraphy Object Name: Bowl Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze, Buff Dimensions: 11.2" (28 cm) wide Classification: Ceramics Object Number: Unknown Museum Location: Frankfort Museum</p>








Image 56	Image 57	Image 58	Image 59	Image 60
				
<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th ,11th Geography: Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze. Dimensions: 3/8 x 2 7/8 in. (1 x 7.3 cm) Classification: Ceramics Object Number: 73.30.2 Credit Line: Gift of The Roebing Society Museum Location: Brooklyn Museum, This item is on view in Arts of the Islamic World,</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th ,11th century Geography: Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze. Dimensions: 2 3/4 x 6 1/2 in. (7 x 16.5 cm) Classification: Ceramics Object Number: 86.227.2 Museum Location: shiraz Museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze (Amul ware) Dimensions: H. (7 cm) 25.2 in D. (17.7 cm) 63.72in Classification: Ceramics Object Number: Cer139tsr Museum Location: Tareq rajab</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze (Amul ware) Dimensions: H.(8 cm) 28.8in D.(21.5cm)77.5 in Classification: Ceramics Object Number: 20907 Museum Location: Tehran,iran</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Origin: Central Asia Circa: 800 AD to 1000 AD Dimensions 2.5"(6.4cm) high x 7.1" (18.0cm) wide Collection: Islamic Art Medium: Samanid Slip Painted Glazed Pottery Object Number: AMD.49 Location: UAE</p>








Image 51	Image 52	Image 53	Image 54	Image 55
				
<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 25 in. (7 cm) D. 86.5 in. (24 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Khalili collection Object number: Cer96tsr</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10 th century Geography: Iran, mazandaran. sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze (Amul ware) Dimensions: H. 26 in. (7.75 cm) D. 66/5 in. (19 cm) Classification: Ceramics Object Number: CUR.86.227.2 Museum Location: Tareq-rajab Museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th ,11th century Geography: Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze. Dimensions: 2 3/4 x 6 1/2 in. (7 x 16.5 cm) Classification: Ceramics Object Number: 86.227.2 Museum Location: Brooklyn Museum, Collections: Arts of the Islamic World</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze (Amul ware) Dimensions: 9 in. (22.9 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Collection lewisohn Object Number: 55k Book source object: (pope,2005,pag e621)</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th ,11th century Geography: Iran,mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze. (Ceramic, Sari ware, white engobe, brown, green, and yellow slip,transparent colorless glaze) Dimensions: 61/2 x 2 7/8 in. (16.5 x 7.3 cm) Classification: Ceramics Object Number: 73.30.2 Museum Location: Amol Museum</p>



Image 46	Image 47	Image 48	Image 49	Image 50
				
<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, southeastern Caspian Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: Unknown Classification: Ceramics Credit Line: the Museo nazionale d'arte orientale (Rome), Ceramics of Iran, GFDL Object Number: x-xi sec Museum: the Museo nazionale d'arte orientale (Rome),</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century-11th century (made) Geography: Iran,sari Medium: Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze,Bowl of red earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze, Dimensions: 11in. (28cm.) Classification: Ceramics Credit Line: Provenance UK private collection, acquired circa 1978 Object Number: 2581</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century-11th century Geography: Iran,sari Medium: Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze, Sari type ware. Said to be from sari. Dimensions: H.27,8 in (7.7cm) D.69.12 in(19.2cm) Classification: Ceramics Credit Line: Purchased by Iran Expedition Object Number: 59-5-7 Museum: penn museum, University of pennsylvania museum of archeology and anthropology</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century-11th century (made) Geography: Iran, southeastern Caspian Medium: Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze, Dimensions: H. 25.2 in (7cm) D. 71.3 in(19.8cm) Classification: Ceramics Credit Line: Cincinnati_Art_Museum Object Number: DSC04188 Museum: Cincinnati_Art_Museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century-11th century Geography: Iran Medium: Buff Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze, Buff Earthenware Dimensions: 2.7" (6.9cm) high x 7.5" (19.1cm) wide Classification: Ceramics Object Number: AMD.50 Gallery Object: pinterest,Islamic Art Style</p>



Image 41	Image 42	Image 43	Image 44	Image 45
				
<p>Plate with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, sari Medium: red clay body, white overall slip, slip-painted with iron-rich red, manganese-rich black, copper-rich green, and chromium-rich olive-green slip-paints, white clay slip-paint (dots), Dimensions: H. 43.16in. (10.6cm) D. 115/8 in. (29/5 cm) Classification: Ceramics Credit Line: private collection in Paris Object Number: Pl 36</p>	<p>Bowl, with White slip and Polychrome Decoration. Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, sari Culture: Islamic Medium: Earthenware; white slip with polychrome slip decoration Dimensions: H. 4 7/16 in. (11.3 cm) Diam. 11 5/8 in. (29.5 cm) Wt. 37.4 oz. (1060.4 g) Classification: Ceramics Credit Line: Gift of Mr. and Mrs. Lester Wolfe, 1965 Accession Number: 65.270.4 Museum: Metropolitan</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze (Amul ware) Dimensions: H. 3 7/8 in. (9.8 cm) D. 13 1/16 in. (33.2 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Gift of Joan L. Simon, Elizabeth L. Eisenstein, Virginia L. Kahn, Dr. Marjorie G. Lewisohn, 1954 Object Number: 54.152.1</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th -11th century (made) Geography: Iran, sari Medium: A classic sari ware, with the characteristic bird and lollipop flowers Dimensions: H. 23.5 in. (6.5 cm) D. 62.70 in. (17.4 cm) Classification: Ceramics Credit Line: The al-sabah collection Object Number: Lns 287 c Museum: Kuwait national museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, sari Medium: Ceramic; Vessel, Earthenware, underglaze slip-painted, Dimensions: 2 1/2 x 6 7/8 in. (6.35 x 17.46 cm) Object Number: (M.73.5.144) Art of the Middle East: Islamic Department. Credit Line: gift of Joan Palevsky Museum: The Nasli M. Heeramanek Collection,</p>






Image 36	Image 37	Image 38	Image 39	Image 40
				
<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century- 11th century (made) Geography: Iran,sari Medium: Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze, Buff Earthenware Dimensions: 3.1" (7.9cm) high x 11.80" (30.0cm) wide Classification: Ceramics Credit Line: Ceramics Object Number: LK.115 Gallery Object: barakatgallery, Great Britain</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 3 7/8 in. (9.8 cm) D. 13 1/16 in. (33.2 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Gift of Object Number: 54.152.1 Museum: Babol museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 31/8 in. (8.8 cm) D. 105/12 in. (29.2 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Italian Wikipedia Object Number: x-xi sec Museum: Museo d'Arte Orientale (Turin) Category: Photographs by S ailko</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th -11th century Geography: Iran,sari, Northern Persia Medium: A depicting a bird, the earthenware body painted with red, purple and white slips and yellow pigment, Dimensions: D: 18.8 cm, H: 7.1 cm Classification: Ceramics Credit Line: London,barlow collection, Making Ceramics, room 143, case 7, shelf 2, Given by Sir Alan Barlow, Bart. Object Number: C.16-1956 Museum: Victoria and Albert Museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th -11th century (made) Geography: Iran,sari Medium: Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze, Bowl of red earthenware covered with white slip and painted with colored slips under a lead glaze, Dimensions: Unknown Classification: Ceramics Credit Line: Unknown Object Number: TOF00192634 Museum: Unknown</p>








Image 31	Image 32	Image 33	Image 34	Image 35
				
<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions H. 2 6/3 in. (7.3 cm) Classification: Ceramics, pottery ware Credit Line: London, King Street Object Number: Unknown</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware bowls covered with a whitish slip and painted with colored slips under a transparent glaze. DimensionsH : 32 in (9cm) D:68.4 in(19 cm) Classification Ceramics Credit Line: Denmark,David collection Object Number: Inv. no. 9/1964 Museum : David collection</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions H. 30/24 in. (8.4 cm) Classification Ceramics Credit Line: Reza abbasi museum, tehran Object Number: 232 Museum : Reza abbasi museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography Iran,mazandaran,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions H. 3 2 in. (9 cm) D. 86/5 in. (24 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Iran, tehran, National Museum</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography Iran,mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 32 in. (9 cm) D. 65.5 in. (18.2 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Tokyo Object Number: Unknown Museum : Mikami collection</p>








Image 26	Image 27	Image 28	Image 29	Image 30
				
<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 1000 AD to 1200 AD Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Buff Earthenware Dimensions: 3" (7.6cm) high x 7.6" (19.3cm) wide Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: AMD.51 Collection: barakatgallery, Islamic Art Location: UAE</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 17.5 in (4.5 cm) D. 78.5 in. (20.5 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Milan, michail collection Book source object: (feherveri ,2005 ,page 65)</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th ,11th century Geography: Iran, mazandaran ,sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 27 in (7.5 cm) D.68.8 in (19 cm) Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: 22087</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, mazandaran ,sari Medium: Materials and Techniques :Earthenware covered with white slip and painted with coloured slips under a lead glaze Dimensions: 19.1cm. diam.7.6cm. height Classification: Ceramics, potter y ware Credit Line: Unknown Object Number: Unknown 8214</p>	<p>Bowl with Bird and Flowers Object Name: Bowl Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Culture: Islamic Medium: Earthenware; white slip with polychrome slip decoration under transparent glaze (Sari ware) Dimensions: H. 3 1/8 in. (7.9 cm) Diam. of rim: 7 3/4 in. (19.7 cm) Classification: Ceramics Credit Line: Rogers Fund, 1958 Accession Number: 58.91 Museum: Metropolitan</p>

Image 21	Image 22	Image 23	Image 24	Image 25
<p>Plate with Stylized Bird Object Name: plate Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H.32.4 in (9 cm) D. 137.15 in (38.1 cm) Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: pot 793 Book source object: (Grobe,1384,image 112)</p>	<p>Bowl with bird Object Name: Bowl Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Date: approx. 900-1100 Medium: Earthenware with slip decoration Place of Origin: Northern Iran perhaps Sari Style or Ware: Sari Credit Line: The Avery Brundage Collection CERAMICS Dimension H. 3 1/2 in D. 6 1/2 in, Object ID: B60P1885</p>	<p>Bowl with bird Object Name: Bowl Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Date: approx. 900-1100 Medium: Earthenware with slip decoration Place of Origin: Northern Iran perhaps Sari Style or Ware: Sari Credit Line: Gift of Mr. Johnson S. Bogart Collection: CERAMICS Dimensions H. 3 3/4 in Diam.9in Object ID: F2003.34.24</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze, Dimensions: Unknown Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: 10-c Collection: JAYNE SHATZ POTTERY</p>	<p>Bowl with Stylized Bird Object Name: Bowl Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H 37.8 in(10.5 cm) D. 85.32 in(23.7 cm) Classification: Ceramics Object Number: pot 305 Book source object: (khalili,1384,image 111)</p>








Image 16	Image 17	Image 18	Image 19	Image 20
				
<p>Bowl with Stylized Large Birds Object Name: Bowl Classification: Ceramics, pottery ware Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Dimensions: D. 22cm-8 5/8" Medium: Earthenware incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Object Number: 23.20302 Credit Line: Mr. A. Dajan, London source object: www.pinterest.com Gallery: Islamic art</p>	<p>Bowl with Stylized Large Birds Object Name: Bowl Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Classification: Ceramics, pottery ware Dimensions: H. 3 3/4 in x Diam. 10 1/2 in, H. 9.5 cm x Diam. 26.7 cm Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Credit Line: Asian Art Museum of San Francisco Object Number: B60P1854 source object: San Francisco</p>	<p>Jug with Stylized Bird Object Name: jug Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H. 18.5 cm, D. 17.2 cm Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: Pot 11 Book source object: (Grobe, 1384, image 113) Meusem: Khalili collection</p>	<p>Jug with Stylized Bird Object Name: jug Date: 10th & 11th century Geography: Iran Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: D. 12in (3.5 cm) H. 109.8 in (30.5cm) Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: 4186219bc source object: pinterest.com Gallery: Islamic art</p>	<p>Jug with Stylized flowers Object Name: jug Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: 10.9, 8in. (30.5cm.) Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: 154-c source object: www.pinterest.com Gallery: Islamic art</p>






Image 11	Image 12	Image 13	Image 14	Image 15
				
<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: Bowl Date: 10th century Geography: Iran,mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze, Buff Earthenware, Dimensions: Unknown Classification: Ceramics,pottery ware Object Number: Unknown Credit Line: Amol Museum. Mazandaran. iran Museum: Amol Museum</p>	<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: bowl Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze, Buff Earthenware, Dimensions: Unknown Classification: Amol Museum. Credit Line: Mazandaran. iran Object Number: Unknown Museum Location: National Amol Museum</p>	<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: Unknown Classification: Amol Museum. Credit Line: Mazandaran. iran Object Number: Unknown Meusem: Amol Museum</p>	<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions:H. 32 in. 28.8 in (8 cm) D. 8 1/2in (21.5cm) Deter Classification: Ceramics Credit Line: London, South Kensington Object Number: 5499</p>	<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: Bowl Date: 10th &11th century Geography: Iran Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: Unknown Classification: Ceramics Object Number: Unknown Meusem: Louvre Museum In Paris</p>













Image 6	Image 7	Image 8	Image 9	Image 10
				
<p>Bowl with Stylized Gazelle Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: Unknown Classification: Ceramics, pottery ware Credit Line: Tehran. iran Object Number: Unknown Meusem: Iran bastan</p>	<p>plate with Stylized Gazelle Object Name: plate Classification: Ceramics, pottery ware Date: 10th & 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Dimensions: H.12.25 in(3.4 cm) D.74.15 in (20.6 cm) Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Object Number: 712 Book source object: (Grobe,1384, image 114) Meusem: Khalili collection</p>	<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: Bowl Date: 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H.20.16 in (5.6 cm) D.66.5 in (18.5 cm) Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: Cer142tsr Meusem: Tareq rajab</p>	<p>Plate with Stylized flowers Object Name: Plate Date: 11th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze Dimensions: H.14.40 in(4 cm) D.86.4 in (24 cm) Classification: Ceramics, pottery ware Credit Line: kolbadiha, sari, iran Object Number: Unknown Meusem: Kolbadi home</p>	<p>Bowl with Stylized flowers Object Name: Bowl Date: 10th century Geography: Iran, mazandaran, sari Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze, Buff Dimensions: Unknown Classification: Ceramics, pottery ware Object Number: Unknown Credit Line: Amol Museum. Museum: Mazandaran. iran Meusem: Amol Museum</p>

Image 1	Image 2	Image 3	Image 4	Image 5
				
<p>Bowl with Stylized lion</p> <p>Object Name: Bowl</p> <p>Classification: Ceramics, pottery ware</p> <p>Date: 10th & 11th century</p> <p>Geography: Iran, mazandaran, sari</p> <p>Dimensions: H. 55 in (15.5 cm) D. 13.6 in (38.6 cm)</p> <p>Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze</p> <p>Object Number: Pot 1173</p> <p>Book source object: (Grobe, 1384, image 115)</p> <p>Meusem: khalili collection</p>	<p>Bowl with Stylized dog</p> <p>Name: Bowl</p> <p>Classification: Ceramics, pottery ware</p> <p>Date: 10th & 11th century</p> <p>Geography: Iran, mazandaran, sari</p> <p>Dimensions: H. 44 in (12.3 cm) D. 11.45 in (31.8 cm)</p> <p>Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze</p> <p>Object Number: Pot 1173</p> <p>Book source object: (Grobe, 1384, image 114)</p> <p>Meusem: khalili collection</p>	<p>Bowl with Stylized cow & bird</p> <p>Object Name: Bowl</p> <p>Classification: Ceramics, pottery ware</p> <p>Date: 10th & 11th century</p> <p>Geography: Iran, mazandaran, sari</p> <p>Dimensions: H. (9.5 cm) 3 3/8 in, D. (22 cm) 7 7/8"</p> <p>Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze</p> <p>Object Number: 2000.10.35</p> <p>source object: Gift of Drs. Joseph and Omayma Touma and family</p> <p>Meusem: Huntington museum of art</p>	<p>Bowl with mythical creature</p> <p>Object Name: Bowl</p> <p>Classification: Ceramics, pottery ware</p> <p>Date: approx. 900-1100</p> <p>Medium: Earthenware with slip decoration</p> <p>Place of Origin: Northern Iran perhaps Sari</p> <p>Style or Ware: Sari</p> <p>Credit Line: The Avery Brundage Collection</p> <p>Collection CERAMICS</p> <p>Dimensions H. 4 in x Diam. 11 1/2 in, H. 10.2 cm x Diam. 29.2 cm</p> <p>Object ID: B60P476</p>	<p>Plate with Stylized cow</p> <p>Object Name: plate</p> <p>Classification: Ceramics, pottery ware</p> <p>Date: 10th & 11th century</p> <p>Geography: Iran, mazandaran, sari</p> <p>Dimensions: H. 12.6 in (3.5 cm) D 54.36 in (15.1 cm)</p> <p>Medium: Earthenware; incised decoration through a white slip and color glazes under a transparent glaze</p> <p>Object Number: pot 165</p> <p>Book source object: (Grobe, 1384, image 110)</p> <p>Meusem: khalili collection</p>



on the basis of written sources (libraries) as well as research studies to observe as well as Internet sources (e) compiled, pays.

This book can be a corner of art and the history of this land and brand. And hopes to continue this movement are future. That's also a follower of researchers and experts, this is the land of sympathetic

Meysam Barari



The first chapter of this book is the transformation of tabaristan and land geography in the paths of history and the ups and downs in the early middle ages and has been the Islamic. And more detailed geographical description and tabaristan and then take a look at the history of this land.

The second chapter of the book, The status of the pottery in 4 and 5 Ah and of common techniques and designs of the time and used to review The nearest technical directions which we and The nearest techniques to tabarestan or close to harmony of colors and motifs were made with the tabaristan.

Chapter III examines the pottery in the fifth century Ah tabaristan, along with reviews of common techniques, especially in the two major pottery center tabaristan Amol and Sari and more, the method of design motifs, applied materials and how to implement the plans and on the oldest is going.

The fourth season, with a Detailed in investigation and technical analysis and the rural pottery appearance (Sari) pays. This season, in fact, to examine of potteries attributed to type 65 Sari dish. Visiting the Museum and archives of the Iran and the world



Foreword

Pottery type Sari, Rural pottery or terracotta, pottery which refers to the town and surrounding villages in a sari or third century AH, coinciding with the period of regeneration and prosperity of the Iranian pottery, start maturing and formation and the 5th century Ah on the basis of available studies and archaeological dig, different artistic production, proportionate to the geographical area of prosperity.

The author of the opinion that almost 6 years to study pottery in Mazandaran is paid, scattering centers, making this type of pottery from around the city of Sari to the East to the border of the province of Golestan province (Jorjan) knows. It should be noted that the historic city of sari between two poles art Islamic Middle i.e. Jorjan and Amol (capital of tabaristan in this period), and the design and the production of works between these two important center; the assignment of these works will escalate.

کتابخانه دانشگاه معماری و هنر دانشگاه گانشان
بخش کتابخانه
شماره ثبت: ۲۰۰۴
روز و ورود به کتابخانه:

Pottery&Ceramic In Tabaristan1



Sari Pottery
(9th -11th A.D)

Meysam Barari

(Faculty member of the Art University of Isfahan)